

جزوه آیین دادرسی کیفری ۱

آخرین نسخه بروزرسانی شده را از سایت بگیرید چون با توجه به تغییرات سرفصل های جدید، نسخه موجود در وبسایت را عوض می کنیم!

آخرین بروزرسانی: ۱۴۰۳

دکتر امید ملاکریمی

(وکیل پایه یک دادگستری، مدرس دانشگاه و عضو هیأت علمی)

به کوشش انور یوسفی

این جزوه، شرح روان و بیانی ساده دارد. سعی بر آن شده که جامعیت در کنار اختصار بنشیند. مطالعه این جزوه به دانشجویان دوره کارشناسی و علی الخصوص داوطلبان شرکت در آزمون کارشناسی ارشد توصیه می شود. دهها جزوه سبک و روان حقوقی دیگر که به طور شگفت انگیزی شیوا و گیرا و رسا توضیح دادم و قول می دم که اگه فقط یکی از اوونها رو از سایتتم (www.mollakarimi.ir) بگیرید و مطالعه کنید به جزواتم اعتبار پیدا می کنید! باید بگم که جزوات سایت MollaKarimi.ir و حتی این نوشته دائماً با توجه به سرفصل های جدید و آخرین تغییرات قوانین و سرفصل ها، به روز می شه و چنانچه پی.دی.اف یا نسخه چاپ شده جزوه رو در دست دارید بهتره مجدداً از سایت، نسخه به روز رو دانلود کنید. ضمناً ما کارگاهی داریم که متفاوت از بقیه کارگاههاست! اسم کارگاه ما، «کارگاه تولید محتوای حقوقی» است که می تونید اینستاگرام ([@vekalatyar](https://www.instagram.com/vekalatyar)) و تلگرام ما ([@omidmollakarimi](https://www.instagram.com/omidmollakarimi)) رو دنبال کنید تا کلی محتوای حقوقی خوب رو مشاهده و دریافت کنید. در آخر هم باید بگم کافیه نام و نام خانوادگی خودتون رو به فارسی به شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ واتساپ کنید تا از آخرین تغییرات این جزوات و اخبار حقوقی و جزوات جدیدی که نگارش می شه مطلعتون کنیم.

توجه: این جزوه برای تدریس در دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی توسط معلم (امید ملاکریمی) تهیه و تکثیر شده و جنبه انتفاعی نداشته و تکثیر و نسخه برداری از آن، بدون قصد سودجویی و «تنها با ذکر منبع» مجاز می باشد، در غیر این صورت، قانوناً ضمان آور است. نگارنده، سپاسگزار خوانندگانی خواهد بود که نظرات، پیشنهادها و انتقادات خود را پیرامون این نوشتار از راه های فوق یا ایمیل «mollakarimi.omid@gmail.com» بیان فرمایند

تبلیغ خودم! امید ملاکریمی هستم مدرس دانشگاه، عضو هیأت علمی و وکیل پایه یک دادگستری و همینطور تدوین‌کنندهٔ جزوات آزمون‌های حقوقی. می‌خواهم به داستان جالب براتون تعریف کنم، یادمه زمانی که مدرک کارشناسیم رو گرفتم خبر اوون موقع مثل الان اینجوری در فضای مجازی فایل‌های صوتی یا جزوات در دسترس نبود؛ یه دوستی داشتم که توی کلاسای یکی از مؤسسات آموزشی که توی تهران بود شرکت کرده بود و سر کلاس جزواتی را که اساتید می‌گفتن رو با یه خط خیلی بدی نوشته بود؛ خلاصه من هم که توان شرکت در اوون کلاس‌ها در اون زمان نداشتم ازش خواهش کردم که کپی اون‌ها رو در اختیارم بگذاره، بهم گفت که من اوومدم توی یه خونه‌ای که در شهرستان دارم و برای آزمون وکالت می‌خونم و دسترسی و امکان تهیهٔ کپی ندارم؛ گفت که برو فلان آدرس توی تهران (که آدرس همون مؤسسهٔ آموزشی بود) برو واحد انتشاراتش و جزوات رو بخر! خوشحال شدم و رفتم اونجا، یه آقای مُسنی توی قسمت تکثیر یا همون واحد انتشارات اون مؤسسه نشسته بود و تا گفتم جزوهٔ فلان اساتید رو می‌خواهم بهم گفت دانشجوی مؤسسه هستی؟ گفتم که نه! گفت ببین پسر جون! اینجا یه مؤسسه است که داره کار تجاری انجام می‌ده اینجوری که مثلاً استاد یه جزوهٔ ۲۰۰ صفحه‌ای میده به من که تکثیر کنم و پدم به دانشجویهای همین مؤسسه که کلاس‌های اوون استاد در اوون درس خاص رو شرکت کردن؛ حرفش رو قطع کردم بهش گفتم: «می‌تونم خواهش کنم که همین جزوه‌ها رو به من بدین؟»؛ گفت: «وایسا هنوز حرفم تموم نشده!»؛ گفتم: «ببخشید، بفرمایید!» ادامه داد که «اون استاده که جزوهٔ ۲۰۰ صفحه‌ای تاییی را در اختیار دانشجویها قرار داده اینجوری نیست که کل کلیلد یا فرمول یا دستورات عملی قبولی رو بده به دست من که تکثیر شه!» ادمه داد که: «همون استاد به بچه‌ها سر کلاس جزوه هم می‌گه که بنویسن و جزوهٔ دست‌نویس می‌شه مکمل این جزوهٔ تاییی و گفت جالب‌تر اینکه در همین جزوهٔ تاپ شده هم ایراداتی وجود داره که سر کلاس به بچه‌ها می‌گه که اصلاحش کن!»؛ ادامه داد: «بعله اینجوریاس!»؛ خیلی ناراحت شدم از اینکه چرا باید اوون‌هایی که به این کلاس دسترسی دارن یا توان مالی دارن قبول بشن، از طرف دیگه هم از اون دوستم ناراحت شدم که چرا منو پیچوند! زنگ زدم بهش گفتم ماجرا از این قراره؛ متوجه کاری که باهام انجام داده بود شد، خواست جبران کنه، بهم گفت باشو بیا اینجا و از جزوات توت برداری کن، البته بازم نگفت که بهت کپی‌ها رو می‌دم! شاید حق داشت چون هزینه کرده بود و نمی‌خواست یه رقیب اضافه بشه! منم که «مُصر بودن» و «پیگیر بودن» اصن تو ذاتمه کوبیدم رفتم اونجا؛ پنج ساعت توی راه بودم و خلاصه بهم محبت کرد و سه شبانه روز ازم پذیرایی کرد و یک دونه از این میزهایی که مُلاها دارن بهم داد که بنشینم و یادداشت برداری کنم؛ بعد از اینکه کارم تموم شد و با اتوبوس در مسیر برگشت بودم در حالی که داشتم به انگشت بزرگهٔ دست راستم که کبود شده بود (اینقدر که نوشته بودم!) نگاه می‌کردم توی این فکر بودم که اگه یکی این رفیقی که من داشتم رو نداشتم و امکان حضور در این کلاس‌ها رو هم به جهت عدم توانایی مالی نداشتم مسلماً از پیشرفت باز می‌موند و البته نتیجه، این می‌شد که فقر و زندگی کردن توی نقاط دورافتاده و محروم باعث باز موندن آدم‌های مُستعد می‌شه، البته بگذریم که معدود اساتیدی هم هستند که همه چیز رو در مادیات می‌دونن و اون‌ها هم در خصوص عدم پیشرفت این آدم‌های مستعد مسؤولند؛ تو همین فکر بودم که یهو یه جمله از یکی از معلم‌هام یادم اومد، گفته بود که: «اگر با خدا وعده کنی که یه بخشی از کارت رو در آینده به اون‌هایی که نیاز به خدمت تو دارن تَبَّعاً خیر کنی جواب خوبی می‌گیری»، خلاصه به اون بزرگ‌بابا («خدا» رو می‌گم) قول دادم که اگه قبول بشم یک به ده پول حاصله از وکالت یا قضاوت و همینطور یک‌دهم از زمانم رو به تدوین جزوات رایگان اختصاص بدم؛ اینجوری شد که سال بعدش، خیر شیرین قبولیم رو بعد از مادرم، به خودش (یعنی خدا) دادم و گفتم بهش که: «از فردا، اجرای وعده رو شروع می‌کنم الان ده سال از اون روز می‌گذره و من تمام جزوات مورد نیاز برای قبولی در آزمون‌های حقوقی رو کامل کردم؛ البته بگم که من نه یک به ده؛ بلکه نه به ده مالم و وقتی رو به این مهم اختصاص دادم و البته خدا در تمام این سال‌ها آدم‌هایی رو سر راهم گذاشت که بهم کمک کردن و وجودشون مایهٔ رحمت بود؛ خلاصه اینکه به گفته قرآن «رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!» و من دست‌های او را در کلیهٔ امور دیدم؛ امروز که این متن را برای اولین بار می‌خونید خرسندم از اینکه جزواتم روزانه هزاران مرتبه دائلود می‌شود و خدا را شاکرم که داوطلبان از کامل بودن و بی‌نقص بودن اون‌ها صحبت می‌کنن؛ من تردید ندارم که مطالعهٔ جزواتم برای موفقیت در آزمون‌ها (البته در کنار خواندن قانون) کافی است. این جزوات کاملاً رایگان است (و دائماً بروز می‌شه) و یه خواهش از شما دارم که فقط یکی از جزوات رو دائلود کنید و اگه به معجزهٔ اون‌ها پی بردین اون‌ها رو به دوستانتون معرفی کنین، من برای گسترش این کار خیر به کمک شما نیاز دارم؛ بدون وجود شما محاله که به این منابع کنکوری دست پیدا کنند. البته بدونید این کار خیر شما هم بهتون برمی‌گرده!

ما در سایت mollakarimi.ir، کانال تلگرام «@OmidMollakarimi» و صفحهٔ اینستاگرام «@vekalatyar»، هر آنچه برای قبولی در آزمون‌های حقوقی نیاز است را به شما خواهیم داد! می‌دانیم که داوطلبان آزمون‌های حقوقی، زمانی که تصمیم می‌گیرند که شروع به خواندن نمایند در انتخاب منابع سردرگم هستند؛ کاری که ما انجام می‌دهیم این است که اوون منابعی رو که برای قبولی کفایت می‌کند رو به طور رایگان در اختیارتون می‌ذاریم و بهتون اطمینان می‌دیم که نیاز به خواندن منابع متعدد نخواهید داشت. در واقع، صدها داوطلبی که از این خدمات استفاده کردند و جواب گرفتن رو می‌تونیم شاهد عملکرد مثبتون بدونیم.

تقدیم به تمام کسانی که تا به حال هیچ به آن تقدیم نشده است؛ تقدیم به کسانمان!

عریف آیین دادرسی کیفری: آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود. «ماده ۱ ق.آ.د.ک» در این ماده به دو موضوع مهم از مقررات آیین دادرسی کیفری، «صلاحیت مراجع رسیدگی» و «ادله اثبات اتهام» اشاره نشده است.

تعریف دیگری که حقوق‌دانان از آیین دادرسی کیفری ارائه داده‌اند:

تعریف عام: در این تعریف به تمام مراحل دادرسی کیفری، از مرحله شکایت تا اجرای حکم اشاره می‌شود.

تعریف خاص: در این تعریف آیین دادرسی کیفری از مرحله صدور کیفرخواست به بعد ملاک می‌باشد.

موضوع آیین دادرسی کیفری: رسیدگی به حیثیت و جنبه عمومی جرم موضوع اصلی آیین دادرسی کیفری و رسیدگی به حیثیت و جنبه خصوصی جرم موضوع فرعی آیین دادرسی کیفری است.

اهداف آیین دادرسی کیفری: آیین دادرسی کیفری ۲ هدف مهم و در عرض یکدیگر را دنبال می‌کند:

۱. تأمین منافع جامعه از طریق اعاده نظم لطمه‌دیده

۲. حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد

جرم از هر نوع و میزانی که باشد، ناقض نظم است؛ چه در حیطة خصوصی و چه در حیطة عمومی باشد. به همین دلیل است که آیین دادرسی کیفری اهداف خود را حفظ و اعاده نظم جامعه و دفاع از فرد و جامعه معرفی می‌کند. به طور کلی هدف جامع آیین دادرسی کیفری، حفظ حقوق اشخاص جامعه اعم از بزه‌کار و بزه‌دیده، همچنین تأمین منافع جامعه می‌باشد.

منابع آیین دادرسی کیفری: آیین دادرسی کیفری در سیر تکمیلی خود از منابعی الهام گرفته است، این منابع عبارت است از:

منابع اصلی:

۱. **قانون:** از مهم‌ترین منابع آیین دادرسی کیفری قانون می‌باشد؛ به طور کلی در قانون اساسی در اصل‌های ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲ به تبیین مبانی آیین دادرسی کیفری پرداخته است. با این وجود، نحوه رسیدگی و آیین دادرسی نباید مغایر با اصول فوق باشد. قانون آیین دادرسی کیفری، بدون شک مهم‌ترین منبع آیین دادرسی کیفری محسوب می‌شود و قضات ملزم به رعایت این قانون در تشریفات دادرسی می‌باشند.

۲. **مصوبات کمیسیون‌های مجلس و مصوبه‌های دولت:** مانند آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۲۹۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۰/۶/۱۴ هیأت وزیران که مشتمل بر ۱۶ ماده می‌باشد.

۳. **منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر:** مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

۴. **رویه قضایی:** رویه قضایی در دو معنای عام و خاص به کار می‌رود، معنای عام آن به مجموع آراء و احکامی که از سوی محاکم در موضوعات خاص حقوقی صادر می‌شود، اطلاق می‌گردد. معنای خاص رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور که تبعیت از آن در مواردی که عنوان وحدت رویه را به خود می‌گیرند، الزامی است.

منابع مکمل:

۱. **عرف و عادت:** عرف و عادت را می‌توان جزء منابع غیرمستقیم آیین دادرسی کیفری دانست که در تفسیر قوانین نقش ایفاء می‌کنند.

۲. **نظریات علمای حقوق «دکترین»:** نظریات علمای حقوق می‌تواند به صورت غیرمستقیم و با هدف ارائه راهکار در مواردی که با خلاء قانونی مواجه هستیم ارائه طریق نماید.

تعامل آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی: با تفکیک عناوین و موضوعات در دو حیطة امور حقوقی و جزایی در جهت احقاق حق ۲ قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی مدنی به کار می‌آید.

— اگر عنوان واجد وصف حقوقی بود، قانون آیین دادرسی مدنی حاکم است؛ مثل: طلاق.

— اگر عنوان واجد وصف جزایی بود، قانون آیین دادرسی کیفری حاکم است؛ مثل: جعل.

✓ اما این ۲ قانون طبق ۲ مؤلفه از هم تفکیک می‌شوند: ۱ - وجوه اشتراک ۲ - وجوه افتراق

افتراق و اشتراک آیین دادرسی کیفری با آیین دادرسی مدنی:

اشتراک: بارزترین وجه اشتراک این ۲ قانون آن است که هر ۲ قانون به صورت شکلی می‌باشند و فرایند محور هستند.

افتراق: جهات افتراق آیین دادرسی مدنی با آیین دادرسی کیفری از قرار ذیل است:

۱. **موضوع:** قوانین مربوط به آیین دادرسی مدنی با محوریت امور حقوقی اکثراً موضوعات مالی را دربردارد؛ مثل: مطالبهٔ جهیزیه، مطالبهٔ وجه، پرداخت غرامت و ... اما در آیین دادرسی کیفری موضوعات عام‌تر هستند مثل: کلاهبرداری، سرقت، چک و ... جرائم علیه اموال، زنا و لواط جرائم منافی عفت، جاسوسی جرم علیه امنیت، قتل و ضرب جرائم علیه شخصیت جسمانی و توهین و کذب جرائم علیه شخصیت معنوی می‌باشد.

۲. **اصحاب دعوا:** در آیین دادرسی مدنی اصحاب دعوا خواهان و خوانده می‌باشند، امور حقوقی علی‌الاصول در همهٔ مقاطع بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی و یا اجرای احکام قابل صلح می‌باشند ولی در امور کیفری علاوه بر شخص شاکی، دادستان هم یکی از افرادی است که در جهت حفظ نظم حقوقی جامعه اعلام جرم می‌کند، به همین خاطر برخلاف امور حقوقی در امور کیفری، مقامات متعدد می‌باشند. همچنین در امور کیفری علی‌الاصول حق صلح و سازش وجود ندارد، مگر به حکم قانون.

۳. **ادلهٔ اثبات:** در آیین دادرسی مدنی فقط ادلهٔ پیوست‌شده به دادخواست ملاک می‌باشد و قاضی دادگاه حقوقی بر اساس همان ادله پس از دریافت دادخواست رأی صادر می‌کند بدون آنکه الزامی به کشف حقیقت داشته باشد؛ اما در آیین دادرسی کیفری قضات مراجع کیفری حتی در صورت فقدان دلیل هم در جهت کشف حقیقت گام برمی‌دارند، چون می‌دانیم که بسیاری از جرائم به صورت پنهانی و غیرآشکار رخ می‌دهد و همیشه دلیل در اختیار نیست، با این وجود قاضی دادگاه کیفری علاوه بر ادلهٔ ارائه‌شده به سایر دلایل مثل علم قاضی استناد می‌کند.

۴. **مرجع رسیدگی:** از حیث مرجع رسیدگی، وجودی نهادی به نام دادسرا بر اساس مادهٔ ۲۲ ق.آ.د.ک در امور کیفری می‌باشد، در حالی که در آیین دادرسی مدنی چنین نهادی وجود ندارد.

۵. **هدف:** اهداف دادرسی کیفری تأمین منافع اجتماع در رابطه با لطمه و صدمه‌ای است که به واسطهٔ وقوع جرم به آن وارد گردیده است و همچنین حفظ حقوق و آزادی‌های افراد هم‌زمان با دفاع از منافع اجتماع است، در حالی که هدف دادرسی مدنی، تنها ارائهٔ طریق و حل اختلاف دعاوی مدنی یا موضوع حقوقی است.

اصول آیین دادرسی کیفری: آیین دادرسی کیفری مستند به اصول مناسب و منصفانه است، اصل به معنای قاعده است، پس اصول قابل تغییر نمی‌باشد. برای آیین دادرسی کیفری اصولی پیش‌بینی شده است که از مادهٔ ۲ الی ۷ ق.آ.د.ک به آن اشاره شده است؛ که اهم آن عبارتند از:

۱. **قانونی بودن دادرسی کیفری:** دادرسی کیفری مستند به قانون است و حقوق طرفین را تضمین می‌کند. «مادهٔ ۲ ق.آ.د.ک» اصل قانونی بودن حقوق جزا یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری است که دارای دو جنبهٔ ماهوی و شکلی است. جنبهٔ ماهوی این اصل، تحت عنوان «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» در حقوق کیفری ماهوی مورد بحث قرار می‌گیرد و جنبهٔ شکلی آن، «اصل قانونی بودن دادرسی کیفری» می‌باشد.

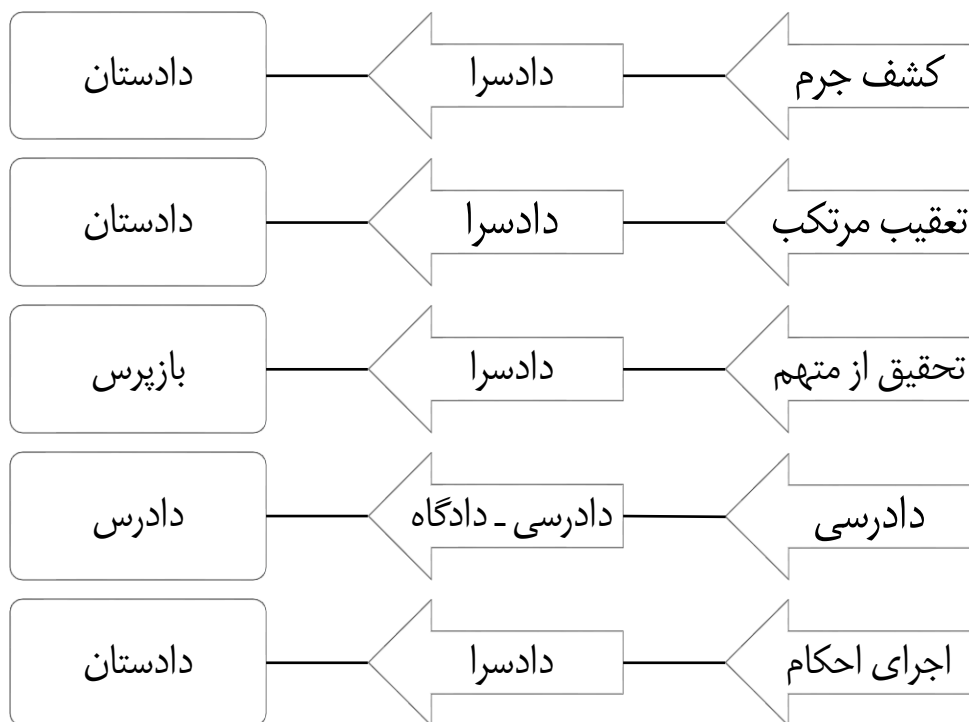
۲. **بی‌طرفی مراجع قضایی:** مراجع قضایی باید با بی‌طرفی به اتهام انتسابی به اشخاص رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «مادهٔ ۳ ق.آ.د.ک» این اصل به معنای عدم تمایل مرجع قضایی به یک طرف دعوا می‌باشد.

۳. **استقلال کامل مراجع قضایی:** مراجع قضایی باید با استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «مادهٔ ۳ ق.آ.د.ک»

۴. **رسیدگی به اتهام در کوتاه‌ترین مهلت ممکن:** مراجع قضایی باید به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند. «مادهٔ ۳ ق.آ.د.ک» مراجع قضایی تابع اصل تسریع در دادرسی هستند.

۵. **اصل برائت:** اصل، برائت است. «مادهٔ ۴ ق.آ.د.ک» این ماده ناظر بر جنبهٔ قضایی اصل برائت می‌باشد، اصل برائت از جنبهٔ قضایی مقتضی آن است که شخصی که به عنوان متهم در یک دعوی عمومی تحت تعقیب قرار گرفته است، تا زمان صدور حکم محکومیت قطعی، بی‌گناه فرض شده و اوضاع و احوالی مانند متواری بودن یا سابقهٔ محکومیت کیفری، سبب شکل‌گیری اعتقاد به مجرمیت او نگردد.

۶. **حفظ حریم خصوصی و رعایت کرامت و حیثیت اشخاص:** هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. «ماده ۴ ق.آ.د.ک»
۷. **حق تفهیم اتهام و ادله انتسابی به اتهام:** متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه ... شود. «ماده ۵ ق.آ.د.ک»
۸. **حق دسترسی به وکیل:** متهم باید ... از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود. «ماده ۵ ق.آ.د.ک»
۹. **آگاهی اشخاص در حقوق خود در فرایند دادرسی:** متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود. «ماده ۶ ق.آ.د.ک»
۱۰. **رعایت حقوق شهروندی از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاص که در فرایند دادرسی مداخله دارند:** در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. «ماده ۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ برای دادرسی کیفری، طبق آموزه‌های حقوق کیفری و بر اساس قانون جدید ۵ مرحله لحاظ می‌شود، این ۵ مرحله با توجه به رویکرد نظام مختلط بررسی می‌شود؛ یعنی هم شناخت دادرسی لازم است و هم شناخت محاکم یا دادگاه‌ها. متذکر می‌شویم که این ۵ مرحله به صورت طولی بیان می‌شود و رعایت آن الزامی است:



کشف جرم: به موجب ماده ۸ ق.آ.د.ک، جرم که دارای جنبه حق الهی است ۲ حیث یا جنبه دارد:

الف - حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی

ب - حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

اصل بر این است که تمامی جرائم واجد جنبه عمومی هستند و اینکه برخی جرائم به عنوان جرم خصوصی یا قابل گذشت معرفی می‌شوند به این معناست که مقنن جنبه خصوصی را بر جنبه عمومی ترجیح داده است. جرائم خصوصی یا قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲ احصاء شده‌اند.

وظایف و اهداف دادسرا: به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوای لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان، دادرسی نظامی تشکیل می‌شود. «ماده ۲۳ ق.آ.د.ک»

علی‌الاصول امور حقوقی به دادسرا ارجاع نمی‌شود.

پیشینه دادسرا: دادسرا نهادی است فرانسوی که در قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ به نام «پارکه» از آن یاد شده است، اما پس از مدتی و همراه با اصلاحات «پارکه» حذف شد و یک نام ایرانی به نام «اداره مدعی‌العموم» جایگزین آن شد؛ که البته امروزه «دادسرا» نامیده می‌شود.

تعریف دادسرا: دادسرا وظیفه آماده کردن پرونده‌ها را برای دادگاه دارد. چون دادسرا حقی رسیدگی ماهیتی و به تبع آن صدور حکم را نداشته، به همین خاطر دادسرا در صورت وقوع جرم وظیفه کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات و اجرای احکام را دارد.

دادسرای عمومی در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل می‌شود؛ لذا در حوزه قضایی بخش دادسرای تشکیل نمی‌شود و مطابق ماده ۲۴ ق.آ.د.ک در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

دادسرای نظامی نه در حوزه قضایی شهرستان بلکه در معیت دادگاه‌های نظامی استان، در شهرستان مرکز استان تشکیل می‌شود.

ویژگی‌های دادسرا:

۱. **سلسله‌مراتب:** طبق ماده ۲۳ ق.آ.د.ک ریاست دادسرا با دادستان است و همچنین دادسرا به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری دارد. دادستان، معاون دادستان و دادیار از لحاظ سلسله‌مراتب در یک ردیف نیستند و در طول هم قرار دارند. به موجب این اصل، ماده ۹۲ ق.آ.د.ک در بخشی از عبارات خود می‌گوید: «... چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد...». البته این سلسله‌مراتب مربوط به قضات حوزه یک دادسرا می‌باشد.

✓ دادستان رییس دادسرا می‌باشد و وظیفه تعقیب جرم را دارد و بازپرس وظیفه تحقیق راجع به جرم را دارد؛ جمع این ۲ نفر در یک نفر جایز نیست. (در صورت بروز اختلاف بین بازپرس و دادستان، حل اختلاف با دادگاه صالح است.)

✓ در صورتی که دادستان حاضر نباشد، دادیار وظایف دادستان را انجام می‌دهد.

۲. **استقلال دادسرا:** دادسرا به عنوان نهاد تعقیب و به منظور وصول به حقیقت و با هدف ایجاد دادرسی منصفانه و انجام تحقیقاتی فارغ از تعصبات باید دارای استقلال باشد.

✓ استقلال دادسرا در مقابل بازپرس: دادسرا یا همان مقام تعقیب در مقابل بازپرس دارای استقلال است و رسیدگی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است؛ و در جرائمی که ارجاع دادستان وجود ندارد بازپرس حق تحقیق ندارد.

✓ استقلال دادسرا در مقابل دادگاه: دادسرا در جریان دادرسی به شکایات، انجام تحقیقات و اتخاذ تصمیم نهایی و کیفرخواست تابع نظر هیچ دادگاهی نیست و به طور مستقل و بر اساس نظر قضایی خود اقدام می‌کند.

✓ استقلال دادسرا در مقابل اصحاب دعوا: دادسرا در تحقیقات و تصمیمانی که اتخاذ می‌کند نسبت به شاکی و مشتکی‌عنه از استقلال برخوردار است.

۳. **وحدت دادسرا:** قضات دادسرا یک حوزه قضایی، در حکم یک پیکر واحد می‌باشند، به واسطه این ویژگی دادسرا است که ماده ۸۸ ق.آ.د.ک بیان می‌دارد که: «در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادیار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله تمام وظایف و اختیارات دادستان را دارند...».

۴. **عدم مسؤولیت دادسرا:** دادسرا به خاطر نیاز به وسعت عمل و عدم محدودیت و انجام تحقیقات هر تصمیمی که متکی به قانون باشد می‌تواند اختیار کند، در صورتی که تصمیم قاضی موجب ضرر گردد، دادسرا مسؤول نیست؛ مگر از مدار قانون خارج شده باشد؛ مانند اینکه تعمداً شکنجه کند، تعمداً بازداشت کند.

ارجاع مستقیم: به طور کلی هم اکنون پنج دسته از جرائم به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود و در واقع دادگاه هم تحقیقات مقدماتی و هم رسیدگی به جرم را انجام می‌دهد بدیهی است در این موارد کیفرخواست نیز صادر نمی‌شود.

۱. تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال تمام شمسی (تبصره ۱ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری)

۲. جرائم منافی عفت اعم از اینکه دارای مجازات حدی باشند یا تعزیری (ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری)

۳. جرائم تعزیری درجه هفت و هشت (ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری)

۴. در صورتی که جرمی در حوزه قضایی بخش که در صلاحیت دادگاه کیفری دو است ارتکاب یافته باشد تحقیقات مقدماتی و رسیدگی توسط دادگاه بخش انجام می‌شود.

۵. جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی نه (سایر جرائم غیر عمدی) به طور مستقیم در دادگاه صلح طرح می‌شود. (تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲)

۱. **ارجاع مستقیم جرائم افراد زیر ۱۵ سال:** تبصره ۱ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک: «تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم افراد زیر پانزده سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد.»

۲. **ارجاع مستقیم جرائم منافی عفت:** جرائم منافی عفت در قانون مجازات در ۲ فصل وجود دارد:

۱. در کتاب دوم: حدود شامل عناوین: زنا، لواط، تفخیز و مساحقه

۲. در کتاب پنجم: جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی شامل عناوین: تقبیل و مضاجعه

✎ حال سؤال این است که این جرائم منافی عفت به کدام دادگاه ارجاع می‌شود؟

ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک جواب این سؤال را داده است.

ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک: «به جرائم منافی عفت به طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود»

ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت **ممنوع** است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان یافته باشد که در این صورت تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام شود.»

به استناد ماده ۳۰۱ ق.آ.د.ک: «دادگاه کیفری دو صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد...»

به استناد ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک: «به جرائم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود: الف - جرائم موجب مجازات سلب حیات ...» پس با این وجود:

✓ به جرائم منافی عفتی که مجازات آن سلب حیات است در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی می‌شود؛ مانند اینکه:

الف مرتکب لواط با مجازات سلب حیات (اعدام) می‌شود: پرونده به دادگاه کیفری ۱ ارجاع مستقیم می‌شود.

✓ به جرائم منافی عفتی که مجازات آن سلب حیات نیست در دادگاه کیفری ۲ رسیدگی می‌شود؛ مانند اینکه:

الف و ب مرتکب زنا با مجازات ۱۰۰ ضربه شلاق می‌شوند، پرونده به دادگاه کیفری ۲ ارجاع مستقیم می‌شود.

۳. **ارجاع مستقیم جرائم درجات ۷ و ۸:** خفیف‌ترین مجازات‌ها، مجازات درجات ۷ و ۸ می‌باشد، این درجات در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است، قانونگذار به دلیل خفیف بودن تحقیق در رابطه با این درجات را نیاز به دادسرا ندانسته و پرونده مستقیم به دادگاه ارجاع می‌شود.

۱. مطابق با بند ۱۰ ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲، دادگاه صلح صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم عمدی

تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت اعم از مجازات جزای نقدی، شلاق یا حبس را دارا می‌باشد، همچنین مطابق با بند تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون فوق؛ «به کلیه جرائم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود.»

۲. تخلیه اطلاعاتی که مجازات آن، به موجب ماده ۵۰۶ قانون تعزیرات؛ یک تا شش ماه حبس و تحت عنوان درجه ۷ مجازات‌ها می‌باشد، چون جرم علیه امنیت است پرونده این عنوان مجرمانه به دادگاه انقلاب مستقیماً ارجاع می‌شود.

۳. توهین به رییس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران به موجب ماده ۵۱۷ قانون تعزیرات؛ یک تا سه ماه حبس و تحت عنوان درجه ۸ مجازات‌ها می‌باشد، چون جرم سیاسی است پرونده این عنوان مجرمانه به دادگاه کیفری ۱ مستقیماً ارجاع می‌شود.

۴. **ارجاع مستقیم در حوزه بخش:** بخش به واحدی گفته می‌شود کوچک‌تر از شهرستان و بزرگ‌تر از دهستان است.

✓ در بخش دادسرا تشکیل نمی‌شود، پس به ناچار پرونده به دادگاه ارجاع مستقیم می‌شود.

✓ در بخش‌هایی که دادگاه وجود ندارد، دادرسی و رسیدگی با دادسرای شهرستان است.

✓ در حوزه بخش که خود یک صلاحیت مجزا است، اقدامات توسط ۲ نفر صورت می‌گیرد:

۱. رییس حوزه بخش

۲. دادرسی علی‌البدل

۵. **ارجاع مستقیم جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی:** مطابق با بند تبصره ۱ ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۴۰۲/۶/۲۲؛ «به کلیه جرائم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی می‌شود.»

دادستان: دادستان یا مدعی‌العموم شخصی است که به موجب ماده ۲۳ ق.آ.د.ک رییس دادرسی می‌باشد، اما از نظر حقوقدانان به «قاضی تعقیب» معروف است. دادستان مسؤوّل تأمین نظم است و بر اساس تشکیلاتی که در اختیار دارد باید در حفظ و تأمین نظم اهتمام ورزد.

وظایف و اختیارات دادستان: در قانون برای دادستان وظایف و اختیاراتی تعیین شده که اهمّ آن به شرح ذیل است:

۱. ریاست دادرسی
۲. تصمیم راجع به قرار تعلیق تعقیب
۳. تصمیم راجع به قرار ترک تعقیب
۴. ریاست و نظارت بر ضابطان
۵. دستور ضبط وثیقه
۶. دستور اخذ وجه الکفاله
۷. صدور کیفرخواست و دفاع از آن
۸. اجرای احکام
۹. نظارت بر واحدهای ضابطان
۱۰. نظارت بر تحقیقات بازپرس

انواع دادیار و وظایف آنان

۱. **دادیار تحقیق:** انجام تحقیقات مقدماتی از وظایف دادرسی و بر عهده رییس دادرسی یعنی دادستان است. دادستان به عنوان اداره‌کننده دادرسی تحت پوشش خود می‌تواند این وظایف را بین معاونین دادرسی و دادیاران تقسیم کند؛ بنابراین در صورتی که دادستان انجام این وظیفه را بر عهده دادیار قرار دهد، او دادیار تحقیق خواهد شد. همچنین گاهی در صورت غیاب دادستان، یکی از دادیاران عهده‌دار انجام این وظیفه خواهد شد. دادیار تحقیق ۳ شاخصه اصلی دارد: ۱ - می‌تواند مرد یا زن باشد. ۲ - تابع دادستان است. ۳ - پرونده‌های با نسبت خفیف به او ارجاع می‌شود.

۲. **دادیار اظهارنظر:** دادیار اظهارنظر به عنوان کارشناس تحت نظر دادستان در دادرسی فعالیت می‌کند. وقتی حکمی توسط بازپرس صادر می‌شود، دادیار اظهارنظر به بررسی این احکام می‌پردازد و آن را رد و یا تأیید می‌کند و به دادستان ارجاع می‌دهد تا تصمیم نهایی را بگیرد. در واقع دادیار اظهارنظر در حکم دستیار دادستان عمل می‌کند و نقش با اهمیتی در دادرسی دارد زیرا می‌تواند درباره احکام بازپرس نظر بدهد.

۳. **دادیار اجرای احکام:** یکی از وظایف دادستان اجرای احکام کیفری است که در دادگاه‌ها صادر می‌شود. دادیار اجرای احکام، نماینده دادستان برای اجرای احکام کیفری است.

۴. **دادیار ناظر زندان:** نماینده دادستان در انجام امور مربوط به زندان و زندانیان است. مسائلی مانند مرخصی زندانیان، موافقت با پیشنهاد دادن آزادی مشروط به زندانیان، بررسی شرایط اعطای عفو به زندانیان و موضوعاتی از این قبیل در حوزه وظایف دادیار ناظر زندان است.

۵. **دادیار نماینده دادستان در دادگاه:** یکی از وظایف دادستان این است که بعد از بررسی جرم و انجام تحقیقات مقدماتی اقدام به صدور کیفرخواست کند. در کیفرخواست اینکه طبق تحقیقات مجرم کیست و به چه علت جرم رخ داده است نوشته شده است تا قاضی دادگاه با استفاده از آن‌ها بتواند حکم صادر کند. دادستان وظیفه دارد برای دفاع از آنچه در کیفرخواست نوشته شده و توضیح درباره اینکه جرم واقعاً رخ داده است، در دادگاه حضور پیدا کند. دادستان می‌تواند وظیفه حضور در دادگاه را به دادیار نماینده دادستان در دادگاه محول کند.

✓ دادیاران از هر مقام و مرتبه‌ای که باشند تابع دادستان هستند، چون تابع دادستان هستند، اختلافی حاصل نمی‌شود. برخلاف بازپرس که ممکن است بین بازپرس و دادستان اختلاف پیش آید.

✓ در قانون خاص نظارت بر رفتار قضات فرضی پیش‌بینی شده است که طبق این فرض و اختلاف بین دادیار و دادستان پیش آید، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه عالی ارسال می‌شود و رأی دادگاه متبع خواهد بود.

✓ طبق ماده ۸۸ ق.آ.د.ک: در غیاب دادستان و معاون او، دادیاری جانشین او می‌شود که:

— سابقه قضایی بیشتری دارد

— و در صورت تساوی، دادیاری که سن بیشتری دارد.

✓ در هر صورت انتخاب بازپرس به جانشینی دادستان جایز نیست، چون جمع مقام تعقیب و مقام تحقیق در شخص واحد قانونی نیست.

بازپرس: بازپرس همان «مُسْتَنْطِق» سابق است که امروزه به «قاضی تحقیق» معروف است، بازپرس قاضی مجربی است که برای انجام تحقیقات علی‌الاصول مستقل است.

• مواردی که شخص بازپرس مطلقاً مستقل است:

۱. احضار نمودن

۲. جلب

۳. معاینه محل

۴. تفتیش

۵. ارجاع به کارشناس

• اصل، استقلال بازپرس است؛ اما در ۳ مورد باید از دادستان تبعیت کند:

۱. **انجام تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان، قبل از واگذاری جریان تحقیقات به بازپرس:** ماده ۷۶ ق.آ.د.ک: «دادستان

پیش از آنکه تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد یا جریان تحقیقات را به‌طور کلی به بازپرس واگذار کند، می‌تواند اجرای برخی تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند. در این صورت، بازپرس مکلف است فقط تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان را انجام دهد و نتیجه را نزد وی ارسال کند.»

۲. **تردید در صلاحیت کفیل:** ماده ۲۲۱ ق.آ.د.ک: «...چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می‌رساند.

دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهارنظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است.»

۳. **انجام تحقیقات مورد تقاضای دادستان که برای کشف حقیقت لازم است:** ماده ۲۶۶ ق.آ.د.ک: «چنانچه دادستان تحقیقات

بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.»

ممنوعیت رسیدگی مقامات قضایی دادسرا در صورت وجود جهات ردّ دادرسی: مطابق ماده ۴۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری؛

«مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات ردّ دادرسی، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید قرار ردّ ایراد صادر و به مدعی ردّ، ابلاغ شود. مدعی ردّ می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است.»

✓ اصل بر آن است که قضاات دادسرا قابل ردّ نیستند، اما بر اساس اصل بی‌طرفی در سیستم قضایی می‌پذیریم که جهات ردّ دادرسی باعث

می‌شود که قضاات دادسرا قابل ردّ باشند، به همین خاطر جهات ردّ دادرسی، به مقامات قضایی دادسرا نیز قابل انتساب است.

✓ جهات ردّ دادرسی طبق ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک ۶ مصداق می‌باشد که وجود یک مصداق برای ردّ کافی است.

✓ جهات ردّ دادرسی کاملاً **حصری** می‌باشند. این حصر از دو جهت دارای اهمیت است، اول آنکه قضاات به دلخواه از رسیدگی به پرونده‌های

سنگین یا دارای مشکل خودداری نورزند. دوم آنکه طرفین دعوا به دلایل واهی ردّ دادرسی را درخواست نکنند.

ممنوعیت کارشناسی از کارشناسی در صورت وجود جهات ردّ دادرسی: مطابق ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری؛ «کارشناس

منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر آنکه به تشخیص بازپرس عذر موجه داشته باشد یا موضوع از موارد ردّ کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را به‌طور کتبی به بازپرس اعلام دارد. تبصره: جهات ردّ کارشناس همان جهات ردّ دادرسی است.»

ممنوعیت وکیل تسخیری از وکالت در صورت وجود جهات ردّ دادرسی: مطابق ماده ۳۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری؛ «وجود یکی از جهات رد دادرسی بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکا و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است.»

جهات ردّ دادرسی: مطابق ماده ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری؛ «دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوی نیز می‌توانند در این موارد ایراد رد دادرسی کنند:

الف - قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد.

ب - دادرس، قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرس یا امور همسر وی باشد.

پ - دادرس، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشند.

ت - دادرس در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهارنظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد.

ث - بین دادرس، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوای حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد.

ج - دادرس، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند.»

انواع دادسرا: در حال حاضر ۴ دادسرا در در تشکیلات قضایی کشور وجود دارد:

۱. **دادسرای دیوان عالی کشور:** در حال حاضر دادسرای دیوان عالی کشور در تهران مستقر بوده و شعبی نیز در شهرهای مشهد و قم دارد و همچون دیوان عالی کشور قلمرو صلاحیت آن تمام کشور است. دادستانی کل کشور نیز در معیت دیوان عالی کشور در تهران مشغول انجام وظیفه است. دادسرای دیوان عالی کشور، به ریاست دادستان کل کشور اداره می‌شود، دادستان کل کشور از قضات مجتهد به مدت ۵ سال توسط رییس قوه قضاییه و بعد از مشورت رییس قوه قضاییه با قضات دیوان عالی کشور به این سمت منصوب می‌شود. دادستان کل کشور دارای معاون اول، معاون قضایی، معاون سیاسی و تعدادی دادیار است.

وظایف و اختیارات دادستان کل کشور

۱. نظارت بر کلیه دادسراهای عمومی و انقلاب و نظامی «م ۲۸۸ ق.آ.د.ک»

۲. پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت دادستان‌های عمومی و انقلاب و نظامی سراسر کشور «تبصره ۱ و ۲ ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک»

۳. پیشنهاد انتصاب، جابه‌جایی و تغییر شغل و محل خدمت مقامات قضایی دادسراها به رییس قوه قضاییه «ماده ۲۸۹ ق.آ.د.ک»

۴. مکلف به طرح دعوا و پیگیری نسبت به اموال و منافع عمومی «م ۲۹۰ ق.آ.د.ک»

۵. اقدامات مقدماتی و انجام تحقیقات لازم جهت تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری «ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک»

۶. ممنوعیت خروج اشخاص از کشور «م ۲۹۲ ق.آ.د.ک»

۷. پیشنهاد احاله پرونده از حوزه‌ای به حوزه‌ای دیگر «م ۴۲۰ ق.آ.د.ک»

۸. درخواست نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه «م ۴۷۱ ق.آ.د.ک»

۹. شرکت در جلسات هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منظور ایجاد وحدت رویه «م ۴۷۱ ق.آ.د.ک»

۱۰. درخواست تجویز اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور نسبت به احکام صادره قطعیت یافته از محاکم «م ۴۷۵ ق.آ.د.ک»

۱۱. درخواست تجویز اعاده دادرسی فوق‌العاده از رییس قوه قضاییه «م ۴۷۷ ق.آ.د.ک»

۱۲. اعلان نظر مشورتی در مورد تغییر سمت یا محل خدمت قضات «اصل ۱۶۴ ق.ا.»

۱۳. صدور کیفرخواست نسبت به تخلف اعضای دادگاه‌های عالی و عالی تجدیدنظر و دادستان «م ۷ قانون نظارت بر رفتار قضات»

۲. **دادسرای عمومی و انقلاب:** دادسراهای عمومی و انقلاب به تحقیقات مقدماتی تمامی جرائمی که در صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک و دو و دادگاه انقلاب می‌باشد، البته به جز مواردی که قانون آن‌ها را مستثنا نموده، می‌پردازند. در رأس دادسرای عمومی و انقلاب، دادستان قرار دارد که به تعداد لازم معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری خواهد داشت.

• **دادسرای ویژه نوجوانان:** دادسرای ویژه نوجوانان مطابق ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری تشکیل می‌شود.

✓ این دادسرا شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب است.

✓ سرپرست آن یکی از معاونان دادستان می‌باشد.

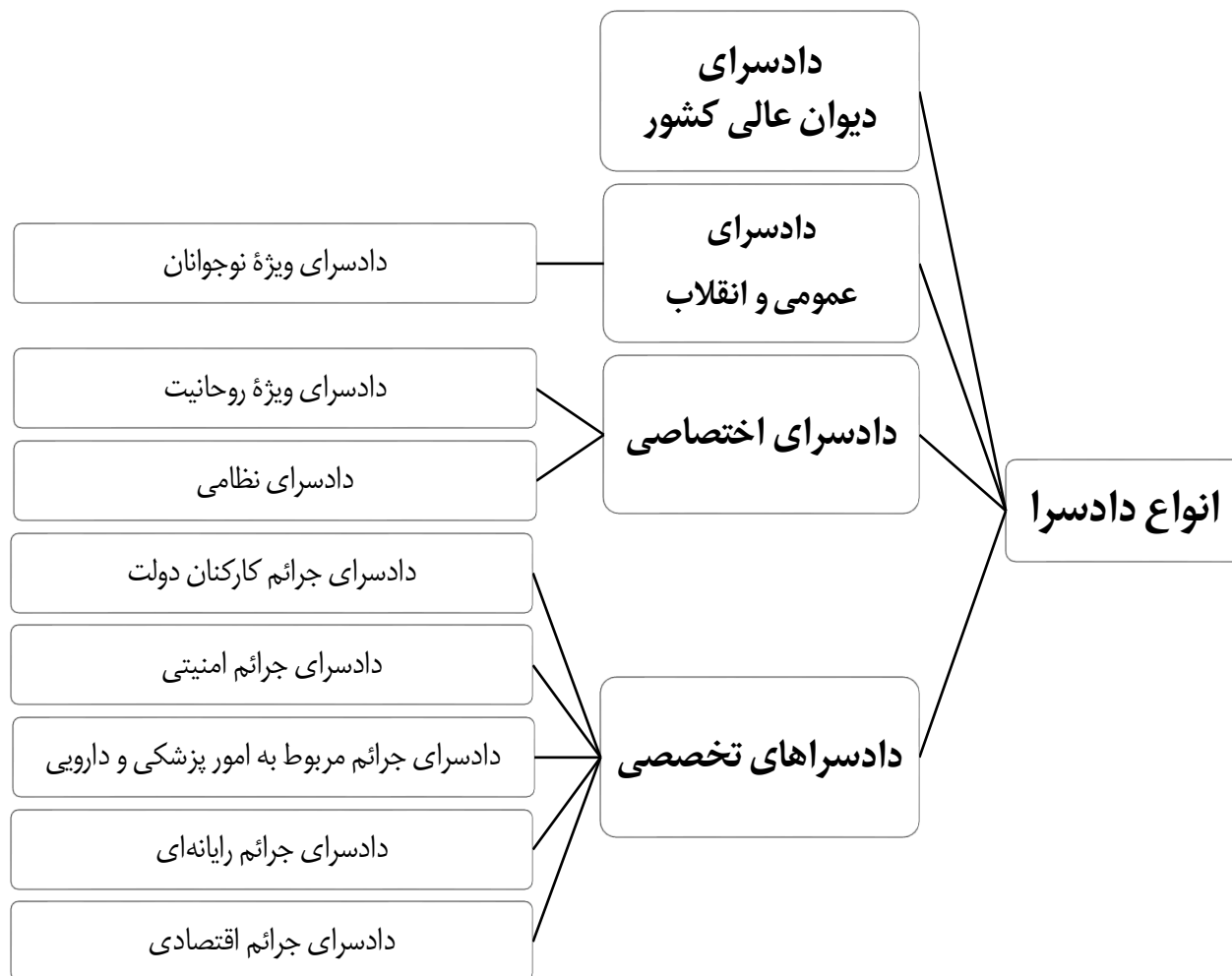
- ✓ مقام تحقیق در آن بازپرس می‌باشد.
- ✓ تحقیقات مقدماتی جرائم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال در این دادسرا به عمل می‌آید.
- ✓ هرگاه افراد ۱۵ تا ۱۸ سال جرائم منافی عفت یا جرائم درجه ۷ یا ۸ را مرتکب شوند، به جرائم آنان به صورت مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود.
- ✓ دادسرای ویژه نوجوانان را نباید یک دادسرای اختصاصی تلقی کرد، بلکه این دادسرا شعبه‌ای تخصصی از دادسراهای عمومی و انقلاب است.

دادسراهای اختصاصی

۳. **دادسرای ویژه روحانیت:** دادسرای ویژه روحانیت مطابق «آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت» مصوب ۱۳۶۹/۵/۱۴ تشکیل می‌شود.

- ✓ دادستان ویژه روحانیت توسط مقام معظم رهبری منصوب خواهد شد. «ماده ۲ آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت»
 - ✓ مسؤولیت، ریاست و نظارت همه دادسراها به عهده دادستان منصوب خواهد بود. «ماده ۳ آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت»
 - ✓ دادسرای ویژه روحانیت فاقد بازپرس است.
 - ✓ ریاست، نظارت و بودجه این دادسرا خارج از اختیارات قوه قضاییه است.
 - ✓ تشکیلات هر دادسرا عبارت است از: دادستان، معاون ارشاد، معاون تحقیقات و امور اجرائی، مدیر اداری و مالی و به تعداد کافی دادیار و کادر اداری «ماده ۶ آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت»
 - ✓ این دادسرا صرفاً به کلیه جرائم و اعمال خلاف شأن روحانیون، کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی در صورتی که طرف اختلاف روحانی باشد و همچنین اموری که از سوی مقام رهبری ارجاع گردد، رسیدگی می‌نماید.
۴. **دادسرای نظامی «دادسرای نیروهای مسلح»:** دادسرای نظامی مطابق ماده ۵۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری تشکیل می‌شود.
- ✓ دادسرای نظامی، در مرکز هر استان تشکیل می‌شود.
 - ✓ در شهرستان‌ها در صورت نیاز، دادسرای نظامی ناحیه تشکیل می‌شود.
 - ✓ حوزه قضائی دادسرای نظامی نواحی به تشخیص رییس قوه قضائیه تعیین می‌شود.

- **دادسراهای تخصصی:** مطابق ماده ۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «به تشخیص رییس قوه قضاییه، دادسراهای تخصصی (نه اختصاصی) از قبیل دادسرای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادسرای شهرستان تشکیل می‌شود.»



تعقیب مرتکب: گام دوم در دادرسی، تعقیب مرتکب است.

جهات قانونی شروع به تعقیب: دانستیم که مقام تعقیب داستان و مقام تحقیق بازپرس است، استثنائاتی چون مجازات‌های تعزیری درجه ۷ و ۸ ارتباطی به دادستان ندارد، مگر در هنگام اجرای احکام، اما کلیت موضوع با داستان در ارتباط است. اولین مطلب آن است که دارا بودن سمت قضایی هرگز دلیلی بر اعمال سلیقه و تعقیب‌های شخصی نیست، به همین خاطر ماده ۶۴ ق.آ.د.ک برای تعقیب از جهات قانونی یاد نموده است. این مصادیق در ۵ مورد معرفی شده‌اند؛ که مورد پنجم از ماده ۶۴ ق.آ.د.ک چون از باب تمثیل مطرح شده همچنان دست دادستان را باز گذاشته است، با این اوصاف جهات قانونی که هر یک شرح تفصیلی دارند به شرح ذیل است:

الف - شکایت شاکی یا مدعی خصوصی

ب - گزارش ضابطان دادگستری «ضابط عام، ضابط خاص، ضابط نظامی» گزارش مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن

پ - وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس

ت - اظهار و اقرار متهم

ث - اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر

شکایت شاکی یا مدعی خصوصی: اولین و مهم‌ترین جهت از جهات شروع به تعقیب، شکایت شاکی است. هرگاه شاکی جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

✓ ۲ عنوان شاکی و مدعی خصوصی با یکدیگر متفاوت است، در ماده ۱۰ ق.آ.د.ک با ۳ اصطلاح مواجه می‌شویم:

— بزه‌دیده: شخصی که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده است.

— شاکی خصوصی: شخصی که به موجب شکواییه از یک مقام ذی‌صلاح امر تعقیب را مطالبه می‌کند.

— مدعی خصوصی: شخصی که از مقام ذی‌صلاح با رعایت تشریفات تقاضای جبران ضرر و زیان وارده را می‌کند.

✓ هر مدعی خصوصی شاکی هم می‌باشد، برخی از شاکی‌ها مدعی خصوصی می‌باشند و برخی هم مدعی خصوصی نمی‌باشند.

شکواییه: شاکی به موجب شکواییه شکایت خود را مطرح می‌کند، در امور کیفری تا حد امکان از تشریفات پرهیز شده است، به همین دلیل قانون‌گذار صرف یک برگه برای ثبت شکایت کافی می‌داند، در صورتی که دادخواست یک فرم چاپی مخصوص است.

شرایط شکواییه: شکواییه یا همان عرض حال طبق ماده ۶۸ ق.آ.د.ک باید دارای شرایطی از قرار ذیل باشد:

الف - نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام‌نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی

ب - موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم

پ - ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی

ت - ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان

ث - مشخصات و نشانی مُشتکی‌عنه یا مظنون در صورت امکان

✓ به موجب بند «ب» در شکواییه لازم است «موضوع شکایت» قید شود. منظور از موضوع شکایت، یک واقعه یا رخداد است، نه عنوان مجرمانه؛

به عبارت دیگر، شاکی موظف نیست که عنوان مجرمانه عملی را که مدعی وقوع آن علیه خود است تعیین نماید و حتی به صلاح او نیست چنین کند تا از عواقب احتمالی انتساب صریح جرمی به دیگری در امان بماند. شاکی باید موضوع قضیه‌ای که مدعی وقوع عمل مجرمانه در جریان آن علیه خود است را بیان نماید، پس از آن تشخیص و تطبیق عنوان مجرمانه با عمل مُشتکی‌عنه بر عهده مقام قضایی است. با فرض تعیین آن توسط شاکی نیز، مقام مزبور ملزم به تبعیت از وصفی که شاکی برای عمل مورد نظر برگزیده، نیست.

✓ در بند «ب» ذکر تاریخ وقوع جرم از نظر تشخیص قانون حاکم بر عمل متهم (مسأله عطف بماسبق نشدن قانون) و محاسبه مرور زمان (در صورت مرور زمان پذیر بودن جرم) و ذکر محل وقوع جرم از لحاظ تشخیص مرجع قضایی صالح به رسیدگی (مسأله صلاحیت محلی) حائز اهمیت است.

✓ در مورد لزوم ذکر تاریخ وقوع جرم باید به این مطلب توجه داشت که به عنوان یک اصل کلی، جرائم تابع قانونی هستند که در زمان ارتکاب آن‌ها حاکم است و اگر بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم، قانون جدیدی وضع و لازم‌الاجراء شود (و حتی صریحاً هم قانون سابق را نسخ نماید)، قانون جدید فقط باید در مورد جرائمی اعمال شود که پس از تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن ارتکاب یافته‌اند، ولی جرائم ارتکابی قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون جدید، تحت حاکمیت قانون سابق باقی می‌مانند. در این حال، نباید تصور نمود که قانون منسوخ قابلیت استناد ندارد، زیرا نسخ یک قانون، مانع حکومت آن بر جرائمی است که پس از تاریخ نسخ ارتکاب می‌یابند، ولی جرائمی که قبل از این تاریخ واقع شده‌اند، تحت حکومت قانون سابق باقی می‌مانند. از اصل یادشده قاعده‌ای شکل گرفته که از آن به عنوان قاعده عدم تأثیر قانون در گذشته (یا عطف بماسبق نشدن قانون) یاد می‌شود.

✓ شکواییه فرم مخصوصی نیست، اما قوه قضاییه **مکلف** شده است که اوراق چاپی را تهیه و در اختیار مراجعان قرار دهد، در صورتی که شخصی شکواییه خود را در این فرم مخصوص تنظیم نکند، منعی برای استماع شکایت وجود ندارد.

✓ نظریه شماره ۷/۹۳/۱۳۲۴ مورخ ۹۳/۶/۸ اداره حقوقی قوه قضاییه «موارد ذکر شده در ماده ۶۸ ... مواردی است که برای تعقیب متهم، تحقیقات دادسرا، رسیدگی دادگاه‌ها و حتی دیوان عالی کشور ضروری است ... (ولی) قانون‌گذار ضمانت‌اجرایی نیز برای برطرف کردن نواقص ماده ۶۸ ذکر نکرده و نمی‌توان به علت عدم تکمیل یک یا چند مورد از موارد مذکور در این ماد، شکواییه را بایگانی کرد یا نادیده گرفت.»

✓ برای امور کیفری هزینه دادرسی ثابت می‌باشد و در حال حاضر ۱۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد، برخلاف دعاوی حقوقی، در دعاوی کیفری اگر شخص، ناتوان از پرداخت هزینه دادرسی باشد از پرداخت آن معاف می‌شود.

✓ بر اساس مواد ۳۷ و ۶۹ ق.آ.د.ک پذیرش شکواییه یک تکلیف برای دادستان که مقام تعقیب و همچنین ضابطان می‌باشد.

✓ به موجب ماده ۶۹ ق.آ.د.ک، دادستان **مکلف** به قبول شکایت کتبی و شفاهی در همه وقت می‌باشد.

✓ اما به دلیل فراموش شدن، شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد.

✓ در صورت عدم پذیرش شکایت توسط مقامات ذی‌ربط، عمل آنان به موجب ماده ۵۹۷ ق.م.ا (بخش تعزیرات) جرم تلقی می‌شود.

بزه‌دیدۀ محجور: (مواد ۷۰ و ۷۱ ق.آ.د.ک)

تشریح ماده ۷۰ ق.آ.د.م:

۱. حالت اول ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به **شکایت شاکی** باشد و بزه‌دیدۀ **محجور** باشد و ولی یا قیم نداشته باشد یا بزه‌دیدۀ به ولی یا قیم دسترسی نداشته باشد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم دادستان شخصی را به‌عنوان **قیم موقت** تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.
۲. حالت دوم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به **شکایت شاکی** باشد: در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد: دادستان شخصی را به‌عنوان **قیم موقت** تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.
۳. حالت سوم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به **شکایت شاکی** باشد: در مواردی که بزه‌دیدۀ، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد: دادستان شخصی را به‌عنوان **قیم موقت** تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.
۴. حالت چهارم ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری، منوط به **شکایت شاکی** باشد: شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد: ولی یا قیم نداشته باشد یا بزه‌دیدۀ به ولی یا قیم دسترسی نداشته باشد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم: دادستان شخصی را به‌عنوان **قیم موقت** تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می‌کند.

تشریح ماده ۷۱ ق.آ.د.ک:

۱. حالت اول ماده ۷۱ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است: اگر بزه‌دیدۀ **طفل** یا **مجنون** باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او با وجود مصلحت مؤلّی علیه اقدام به شکایت نکند: دادستان موضوع را تعقیب می‌کند.
۲. حالت دوم ماده ۷۱ ق.آ.د.ک: هرگاه تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است: بزه‌دیدگانی که به عللی از قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوا هستند، دادستان موضوع را با جلب موافقت آنان تعقیب می‌کند.

نکات مربوط به مواد ۷۰ و ۷۱ ق.آ.د.ک:

- ✓ ملاک اهلیت برای طرح شکایت کیفری، سن بلوغ قانونی (۹ سال تمام قمری برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران) است، مگر اینکه جرم جنبه مالی داشته باشد (مثلاً صدمات بدنی ناشی از تصادفات رانندگی یا ترک انفاق پدر نسبت به فرزند) که در این صورت با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۳/۱۰/۶۴ و ملاک حکم مقرر در تبصره ماده فوق، تعیین قیم موقت برای او ضروری است.
 - ✓ حکم عام ماده فوق، ناسخ حکم خاص مندرج در ماده ۳۵۶ ق.م.ا مصوب ۹۲ نیست که در مورد جنایت بر اشخاص و صاحبان حق قصاص وضع شده و در صورت فقدان ولی، نیاز به تعیین قیم اتفاقی در مورد آنها وجود ندارد.
 - ✓ در مرتکب جرم بودن ولی یا قیم، تفاوتی ندارد که ولی یا قیم مباشر، شریک یا معاون در جرم باشند.
- حقوق شاکی:** حقوق شاکی در قانون آیین دادرسی کیفری از قرار ذیل است:

۱. حق حضور در تحقیقات مقدماتی: صدر ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، ...»
۲. حق مطالعه و اخذ تصویر برخی اوراق پرونده: تبصره ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.»
۳. حق درخواست تأمین خواسته: ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.»
۴. حق داشتن مترجم: ماده ۲۰۰ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای شاکی ... که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق ... تعیین می‌کند.» ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای شاکی ... که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند.»

رد مال: در قانون مجازات، هرگاه ذکر شده باشد که: «مَحْكُومٌ عَلَیْهِ مَحْكُومٌ بِرَدِّ عَیْنِ مَالِ مِی‌شود»، دادگاه باید علاوه بر تعیین مجازات، مَحْكُومٌ عَلَیْهِ را بر رد عین مال محکوم کند؛ اما در صورتی که در قانون مجازات حکم به رد عین مال علاوه بر مجازات تعیین نشده باشد، مدعی خصوصی برای رد عین مال باید دادخواست تقدیم کند.

جبران ضرر و زیان: با توجه به مقررات آیین دادرسی کیفری و با الهام از قانون مجازات و دیگر قوانین درمی‌یابیم که در ابتدای امر باید شکواییه تنظیم شود، و بعد دادخواست جبران ضرر و زیان تقدیم شود، مگر مواردی که مقام دادستان اعلام‌کننده جرم باشد. برای جبران ضرر و زیان به ۲ روش عمل می‌شود:

۱. مواردی که به صرف شکواییه مقام قضایی علاوه بر مجازات، حکم به رد مال می‌دهد، در این موارد جبران ضرر و زیان نیازمند تقدیم دادخواست نیست، مانند کلاهبرداری، سرقت، تحصیل مال نامشروع، اختلاس.

۲. مواردی که علاوه بر تنظیم شکواییه نیازمند تنظیم و ثبت دادخواست می‌باشد، مانند چک بلامحل، خرید اموال مسروقه، ترک انفاق، خیانت در امانت و مواردی که در قانون اشاره به رد مال نشده است.

✓ ماده ۱۵ ق.آ.د.ک صریحاً اعلام می‌کند که زیان‌دیده از جرم می‌تواند با آغاز تعقیب مدارک و اسناد خود را ارائه کند، اما این حق را دارد که تا ختم دادرسی ضرر و زیان خود را با رعایت تشریفات مطالبه کند.

✓ مطابق رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۷۱/۱۲/۲: «مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم که ... در دادگاه کیفری مطرح می‌شود عنوان دعوی حقوقی دارد. شروع رسیدگی به دعاوی حقوقی در دادگاه‌های دادگستری هم ... مستلزم دادن دادخواست با شرایط قانونی آن می‌باشد.»

✓ به موجب ماده ۱۵ ق.آ.د.ک: «زیان‌دیده از جرم می‌تواند ...» این بدان معنا نیست که شاکی و زیان‌دیده الزامی به تنظیم دادخواست جهت مطالبه در مرجع کیفری ندارد، بلکه این حق قلمداد می‌شود، نه یک تکلیف.

✓ اگر زیان‌دیده در مواردی که دادخواست لازم است، اقدام به تنظیم دادخواست نکند در اینجا از حق خود عدول نموده، اما این انصراف به معنای اسقاط حق نیست، چون می‌تواند به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

— مثال: با وقوع جرم سرقت، بزه‌دیده از این جرم با تنظیم شکواییه، مَحْكُومٌ عَلَیْهِ هم به مجازات و هم به رد عین محکوم می‌شود.

— مثال: با وقوع جرم خیانت در امانت، بزه‌دیده از این جرم در ابتدا شکواییه تنظیم می‌کند، سپس در جایگاه شاکی خصوصی قرار می‌گیرد و پس از تحت تعقیب قرار گرفتن متهم، شاکی ۲ اقدام را انجام می‌دهد:

۱. دادخواست مطالبه ضرر و زیان را تنظیم می‌کند، که دادگاه کیفری به موجب این دادخواست رد مال را حکم می‌کند.

۲. دادخواست مطالبه ضرر و زیان را تنظیم نمی‌کند، که دادگاه کیفری دیگر حق ورود به مطالبه ضرر و زیان را ندارد.

گزارش ضابطان: گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود. «ماده ۳۶ ق.آ.د.ک»

شروط اعتبار گزارش ضابطان: گزارش ضابطان در صورتی معتبر است که دارای دو شرط زیر باشد:

۱. بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد.

۲. بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه شده باشد.

تعریف ضابط: ماده ۲۸ ق.آ.د.ک: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.»

انواع ضابط: «مواد ۲۹ و ۶۰۲ ق.آ.د.ک»: ضابط به انواع ضابط عام و ضابط خاص و ضابط نظامی تقسیم می‌شود:

ضابط عام: شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند.

وظایف این نیرو به استناد بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ به این شرح احصاء شده است:

«انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل: الف - مبارزه با مواد مخدر ب - مبارزه

با قاچاق ج - مبارزه با منکرات و فساد د - پیشگیری از وقوع جرم ه - کشف جرائم

و - بازرسی و تحقیق ز- حفظ آثار و دلایل جرم ح - دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها ط - اجرا و ابلاغ احکام قضایی»
ضابطه خاص: مقامات و مأموران که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول شود، ضابط محسوب می‌شوند.

ضابطه نظامی: مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضائی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

وظایف ضابطان: وظایف ضابطان مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری از قرار ذیل است:

۱. کشف جرم،
۲. حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم،
۳. شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم،
۴. تحقیقات مقدماتی،
۵. ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی.

وظایف ضابطان در جرائم غیر مشهود و مشهود: وظایف ضابطان در جرائم مشهود و غیر مشهود مطابق مواد ۴۴ و ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری از قرار ذیل است:

۱. به محض اطلاع از وقوع جرم (در جرائم غیر مشهود) مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند.
۲. در جرائم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند. همچنین چنانچه شاهد یا مطلعی در صحنه وقوع جرم حضور داشته باشد؛ اسم، نشانی، شماره تلفن و سایر مشخصات ایشان را اخذ و در پرونده درج می‌کنند. (نکته: ضابطان فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد.)

۳. ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند.

وظایف خاص ضابطان: وظایف خاص ضابطان در مواد ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۱، ۱۳۳، ۱۸۴ و ۱۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است.

جرائم مشهود: ماده ۴۵ ق.آ.د.ک: «جرم در موارد زیر مشهود است:

الف - در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.

ب - بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند.

پ - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد.

ت - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود.

ث - جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند.

ج - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد.

چ - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.»

✓ جرم مشهود جرمی است که به راحتی پس از وقوع، مرتکب آن قابل تشخیص و علایم و آثار ارتکاب جرم قابل جمع‌آوری است.

- ✓ جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری به وقوع نپیوندد، ذاتاً جرم مشهود نیست اما مقنن در بندهای ب تا ج ماده ۴۵ با آوردن قید «بلافاصله» که بیانگر گذشت زمان اندکی از وقوع جرم است، جرائم در حکم مشهود را بیان کرده است.
- ✓ نظریه شماره ۷/۹۳/۹۶۳ مورخ ۹۳/۴/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه: «منظور از شخص ساکن، در بند (ث) ماده ۴۵ ... کلیه افرادی است که در محل موردنظر در ماده (منزل یا محل سکناى افراد) به صورت دائم یا موقت سکونت دارند، اعم از اینکه بزه‌دیده واقع شده باشند یا خیر؛ اما افرادی نظیر همسایگان در مجتمع‌های آپارتمانی و نظایر آن را شامل نمی‌گردد و در فرض قضیه در اینجا تنها شامل آن قسمتی از آپارتمان می‌گردد که اختصاص به سکونت افراد ذی‌ربط دارد؛ اما بدهی است که چنانچه جرم در مشاعات اماکن مسکونی نظیر پارکینگ، حیاط و مانند آن رخ دهد، کلیه افرادی که در این اماکن به اعتبار سکونت در قسمت اختصاصی سهیم می‌باشند، ساکن شناخته شده و مشمول شخص ساکن مذکور در بند (ث) ماده ۴۵ ... می‌باشد.
- ✓ در جرائم مشهود، ضابطان دادگستری موظفند پس از اطلاع از وقوع جرم، آن را به دادسرا گزارش نمایند ولی قبل اقدام به این کار بنا بر ماده ۴۴ ق.آ.د.ک «... تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می‌آورند؛ تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند...»
- ✓ «تمام اقدامات» در ماده فوق دلالتی قوی‌تر از اطلاق دارد و بدین معنی که اختیارات ضابطان در جرائم مشهود به اندازه‌ای است که اگر برای حفظ آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی او با دیگران لازم باشد، حتی می‌توانند بدون اجازه مالک وارد منزل او شوند و دست به تفتیش محل بزنند، اشخاص یا اشیاء را بازرسی کنند و یا حتی متهم را جلب نمایند. برای اعمال این اختیارات در جرائم مشهود نیازی به کسب اجازه قبلی از مقام قضایی نیست و لزوم اجازه مقام قضایی برای ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها و بازرسی اشخاص و اشیاء محدود به جرائم غیر مشهود است. همانطور که قانونگذار در ماده ۵۵ ق.آ.د.ک مقرر کرده: (ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آن‌ها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرائم غیر مشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هرچند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد).
- ✓ در تبصره ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مقام مقنن شرایطی را پیش‌بینی نموده است که در صورت وجود این شرایط تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند. این شرایط از قرار ذیل است:
- جرم به صورت مشهود رخ دهد.
 - در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری،
 - جرم از مصادیق بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون باشد.
- ✓ این اختیار به تمام شهروندان اعطاء شده است.
- ✓ مداخله شهروندان به صورت اختیاری است نه الزامی، به عبارت دیگر شهروندان تکلیفی ندارند.
- ✓ مداخله شهروندان در حدود حفظ صحنه جرم است.
- ✓ بند «الف» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات سلب حیات
- ✓ بند «ب» ماده ۳۰۲: جرائم موجب حبس ابد
- ✓ بند «پ» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن
- ✓ بند «ت» ماده ۳۰۲: جرائم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر
- جرائم غیر مشهود:** ماده ۴۵ ق.آ.د.ک به جرائم مشهود اشاره نموده است، در سایر موارد جرائم غیر مشهود است.
- اصل:** عدم دستگیری اشخاص بدون حکم قانونی؛ مطابق اصل سی و دوم قانون اساسی: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...»
- استثناء:** چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. درهرحال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. «ماده ۴۶ ق.آ.د.ک»
- تکلیف ضابطان در صورت نگهداری متهم:** ضابطان فقط در جرائم مشهود و آن هم در صورتی که نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، می‌توانند متهم را با رعایت شرایط ذیل تحت نظر قرار دهند:

۱. ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را **بلافاصله** و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند.
۲. مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. اعلام این امر به دادستان نمی‌تواند تا پایان مدت تحت نظر به تأخیر افتد، بلکه این امر باید به همراه ذکر مشخصات متهم و علت تحت نظر قرار گرفتن او حداکثر ظرف یک ساعت به دادستان اعلام گردد، حتی در صورت تحت نظر قرار دادن متهم در خارج از اوقات اداری نیز باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود.
۳. ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند. چنانچه بازجویی از متهم حاکی از توجه دلایل اتهام به او باشد، وی باید جهت تعیین تکلیف به دادسرا اعزام گردد، در غیر این صورت یعنی ادامه نگهداری تحت نظر، ضابطان مرتکب جرم توقیف غیرقانونی شده‌اند و طبق ماده ۵۸۳ ق.م.ا قابل مجازات خواهند بود.
۴. مراتب دستگیری فرد باید به اطلاع خانواده او برسد ضابطان دادگستری مکلفند که به متهم مساعدت کنند که به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه نماید، مگر آنکه بنا به ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند که در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند زیرا به موجب بند ۵ ماده واحده قانون حقوق شهروندی: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.»
۵. در خاتمه باید به یک ممنوعیت مهم هم اشاره نمود: (ضابطان دادگستری نمی‌توانند برای تضمین حضور متهم، از او تأمین بگیرند و این اختیار در صلاحیت انحصاری مقام قضایی است و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند.)

اعلام و اخبار مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن

• شرایط اعلام جرم: «ماده ۶۵ ق.آ.د.ک»

۱. اعلام‌کننده خود ناظر وقوع جرمی بوده باشد.
 ۲. جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد.
 ۳. قرائن و اماراتی مبتنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد.
- #### • گزارش‌ها و نامه‌هایی که هویت گزارش‌دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست: «ماده ۶۷ ق.آ.د.ک»

این گزارش و نامه‌ها نمی‌تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آنکه:

۱. گزارش‌ها و نامه‌ها دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است.
۲. گزارش‌ها و نامه‌ها همراه با قرائنی باشد که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند.

وقوع جرم مشهود، در برابر دادستان یا بازپرس

✓ قید «در برابر دادستان یا بازپرس» موجب محدود ساختن جرم مشهود شده، همچنین باید جرائم در برابر دادستان یا بازپرس آن حوزه قضایی به وقوع پیوسته باشد.

✓ هنگامی وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، یکی از جهات قانونی برای شروع به تعقیب به شمار می‌رود که مقامات مذکور در حین انجام وظیفه (در دادسرا یا در هنگام حضور در صحنه وقوع جرمی دیگر) باشند و مشاهده وقوع جرم مثلاً در هنگام مرخصی یا تعطیلات را شامل نمی‌شود. چنین فرضی می‌تواند از طریق بند «ث»: «اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر» موجب شروع به تعقیب متهم گردد.

اظهار و اقرار متهم: در خصوص جرائمی که جنبه عمومی دارند، (جرائم غیرقابل گذشت) با اقرار مرتکب می‌توان تعقیب را شروع کرد، بنابراین در جرائم غیرقابل گذشت اقرار متهم برای شروع به تعقیب کفایت می‌کند و مقام قضایی موظف است پس از تشریفات قانونی تحقیقات مقدماتی را شروع نماید.

اطلاع دادستان از وقوع جرم به طرق قانونی دیگر: شخص دادستان به هر طریق دیگری که از وقوع جرم مطلع شود، از جهات تعقیب محسوب شده و مکلف به تعقیب متهم است.

موانع تعقیب: به مجرد وقوع جرم و با وجود جهات تعقیب، دادستان مکلف به تعقیب مظنون است. در برخی مواقع تعقیب با موانعی مواجه می‌شود.

موانع موقتی تعقیب: گاهی اوقات موانع مذکور به طور موقت تعقیب را متوقف می‌سازند، مانند اناطه، مصونیت و جنون.

اناطه: توقف رسیدگی در دادگاه کیفری و اظهارنظر دادگاه حقوقی بر ثبوت امر دیگر را اناطه می‌گویند.

- ✓ در اناطه صلاحیت دادگاه حقوقی موضوعیت ندارد بلکه «عدم صلاحیت مرجع کیفری» برای رسیدگی به آن مهم است.
- ✓ اناطه زمانی صورت می‌گیرد که اثبات امر کیفری وابسته به امور حقوقی باشد و آن امور توأم با شک و تردید باشد.
- ✓ با صدور قرار اناطه، شخص ذی‌نفع به مرجع حقوقی فرستاده می‌شود تا دادخواست حقوقی خود را ثبت کند، در صورتی که امر حقوقی پیگیری نکند، مقام قضایی دادگاه کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.
- ✓ ماده ۲۱ ق.آ.د.ک برای ذی‌نفع یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه را تعیین نموده است که محاسبه آن با قانون آیین دادرسی مدنی است.
- ✓ در صورتی که شخص ذی‌نفع عذر موجه داشته باشد این مدت نقض می‌شود.
- ✓ جهات عذر موجه، مصادیق شش‌گانه مندرج در ماده ۱۷۸ ق.آ.د.ک می‌باشد.
- ✓ اگر رسیدگی به موضوع مذکور در صلاحیت دادگاه صلح یا کمیسیون‌های ویژه هم باشد باز مورد از موارد صدور قرار اناطه خواهد بود.
- ✓ با صدور قرار اناطه پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود و تعقیب تا صدور رأی حقوقی به صورت معلق متوقف می‌شود.
- ✓ این توقیف تا زمان صدور رأی حقوقی جریان دارد و به هیچ وجه مرور زمان را حاصل نمی‌کند، به عبارتی مرور زمان معلق است.

اناطه از سوی مقامات قضایی: در ۳ صورت ذیل قرار اناطه صادر می‌شود:

۱. در صورت صدور قرار اناطه از جانب دادیار: نظر دادستان جاری است.
 ۲. در صورت صدور قرار اناطه از جانب بازپرس: نظر دادستان اخذ می‌شود؛ دادستان یا موافق و یا مخالف قرار اناطه از جانب بازپرس می‌باشد که در این مورد حل اختلاف با دادگاه صالح است.
 ۳. در صورت صدور قرار اناطه از جانب دادرس دادگاه: دادرس دادگاه در صدور قرار اناطه مستقل است.
- اعتراض به اناطه:** در صورت صدور قرار اناطه لازم است که جهت اعتراض آن نیز لحاظ شود. برای اعتراض به قرار اناطه باید توجه داشت که:

۱. در صورت صدور قرار اناطه در دادرس: ظرف مدت ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. مگر اینکه دادگاه صالح، دادگاه کیفری یک یا انقلاب باشد و این دادگاه در حوزه قضایی دادرس تشکیل نشده باشد که در این صورت دادگاه کیفری دو محل صالح به رسیدگی اعتراض است. «م ۲۷۰ ق.آ.د.ک»
 ۲. در صورت صدور قرار اناطه در دادگاه بدوی: با توجه به مجازات قانونی عمل، ظرف مدت ۲۰ روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور خواهد بود. «م ۴۲۷ ق.آ.د.ک»
 ۳. در صورت صدور قرار اناطه در دادگاه تجدیدنظر: قرار اناطه قطعی است.
- ✓ اموال منقول از شمول قرار اناطه مستثنا هستند.

مصونیت: مصونیت یعنی در امان بودن، برخی از مقامات به دلیل اهمیت شغلی از سوی قانون‌گذار یا بعضی کنوانسیون‌ها از مصونیت برخوردارند، مصونیت مانع موقتی است که تعقیب و دادرسی را تا مقطعی متوقف می‌کند، چون شخص به دلیل مصونیت داشتن با افراد دیگر متفاوت است، اما نباید برداشت ناصواب شود که مصونیت به معنای عدم محاکمه است، بلکه به معنای تأخیر یا تعویق در تعقیب و محاکمه است.

انواع مصونیت: انواع مصونیت از قرار ذیل است:

۱. **مصونیت قضایی:** قضات به دلیل تصدی منصب قضا و اهمیت شغلی آنان از مصونیت بهره‌مند هستند، یعنی در صورت ارتکاب جرم، چون مصونیت دارند، تعقیب و دادرسی آنان با یک دادرسی مواجه می‌شود. ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضات: «هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدی قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رأی قطعی توسط مرجع ذی‌صلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می‌کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.»

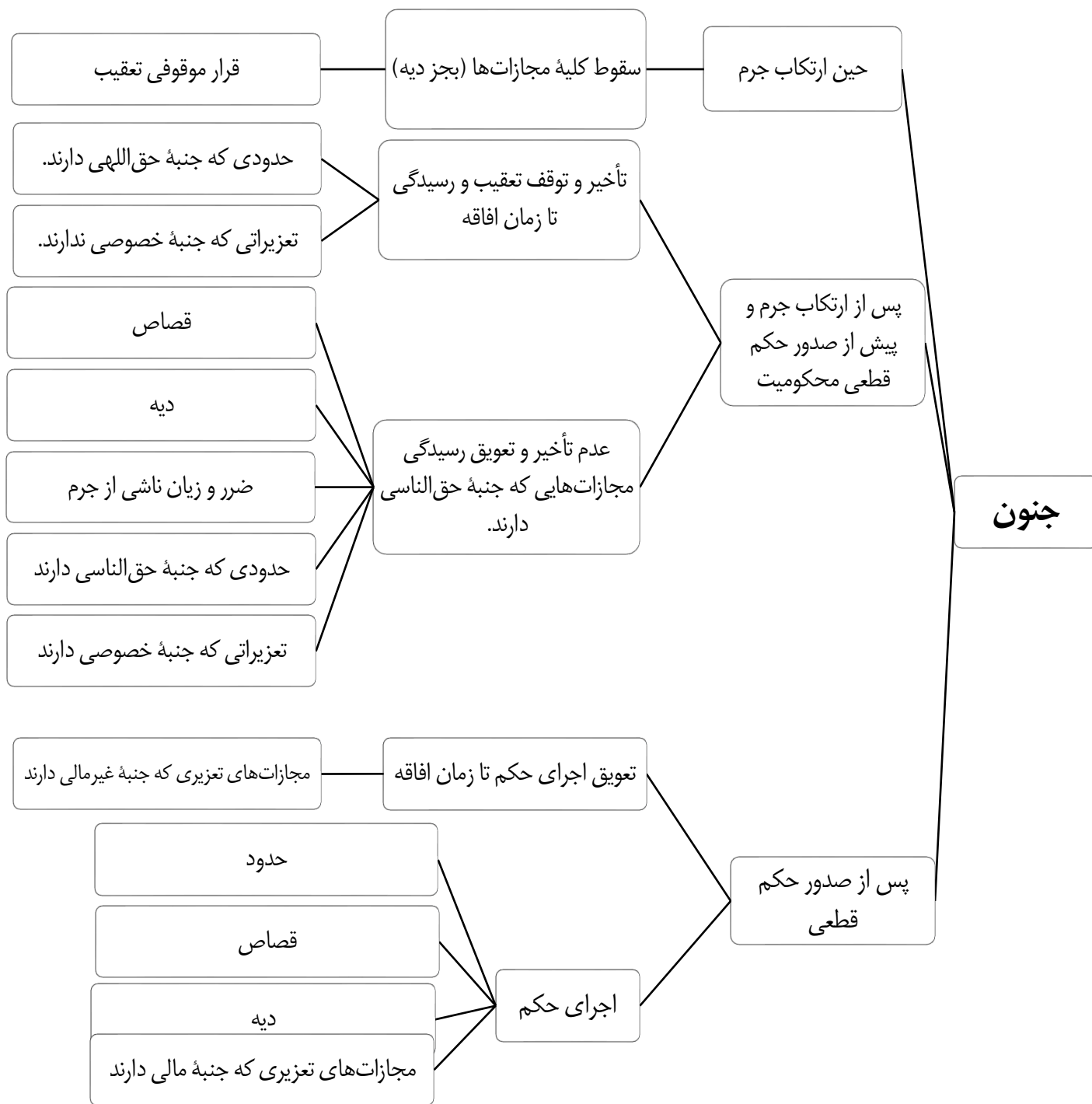
- ✓ تعلیق قاضی فقط در جرائم عمدی صورت می‌گیرد. «ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضات»
- ✓ دادستان انتظامی قضات در صورت توجه اتهام به قاضی درخواست تعلیق را از دادگاه عالی انتظامی قضات به عمل می‌آورد.
- ✓ قاضی تعلیق شده در ایام تعلیق از یک‌سوم تمام حقوق و مزایا برخوردار و در صورت برائت یا منع تعقیب، مستحق دریافت مابقی آن است. «ماده ۴۲ قانون نظارت بر رفتار قضات»
- ✓ طبق ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک، رسیدگی به اتهامات دارندگان پایه قضایی دادگاه کیفری تهران است.
- ✓ قضات دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت مصونیت دارند، اما به تخلفات انتظامی آنان مطابق آیین‌نامه دادسراها و دادگاه‌های ویژه روحانیت رسیدگی می‌شود.
- ✓ مصونیت قضایی نسبت به همه قضات لحاظ می‌شود؛ قضات مستثنا از مصونیت قضایی:
 ۱. قضات شاغل در سازمان تعزیرات حکومتی در باب قاچاق کالا و ارز
 ۲. کارآموزان قضایی
- ۲. **مصونیت پارلمانی:** نمایندگان مجلس از یک مصونیت نسبی بهره‌مند هستند، چون نماینده مردم و حوزه انتخابی هستند باید در مجلس به سهولت اظهارات خود را اعلام نمایند. در صورت وجود ۲ شرط ذیل مصونیت پارلمانی محقق می‌شود:
 ۱. اظهارات نماینده و اعلان موافقت یا مخالفت در خصوص مصوبات مجلس باشد.
 ۲. اظهار عقیده نماینده در صحن علنی مجلس باشد.
- ✓ به این مصونیت در تعقیب کیفری، غیرقابل تعرض بودن گفته می‌شود که تعقیب کیفری نماینده مجلس منوط به اجازه قبلی مجلسی باشد که نماینده مزبور عضو آن است.
- ✓ در صورتی که نماینده‌ای در اظهارات علنی خود، مرتکب جرم توهین یا افتراء شود؛ از مصونیت پارلمانی برخوردار نیست.
- ✓ قانون در صورت ارتکاب جرم از سوی نماینده مجلس، خارج از ایفای وظایف نمایندگی مصونیتی برای آنان قائل نشده است، که در این حالت آنان قابل تعقیب هستند؛ مانند اینکه نماینده‌ای مرتکب کلاهبرداری شود.
- ۳. **مصونیت سیاسی:** تعرض ناپذیری نمایندگان سیاسی یک کشور به واسطه ارتکاب جرم در کشور دیگر. به موجب این نوع مصونیت در صورت ارتکاب جرم از سوی نماینده یا نمایندگان سیاسی یک کشور در کشوری دیگر، مقامات ذی‌صلاح کشور محل وقوع جرم حق تعقیب و دستگیری نماینده مذکور را ندارند.
- ✓ کنوانسیون وین درباره روابط سیاسی مورخ ۱۹۶۱ به مصونیت مأموران سیاسی، محل اقامت آنان نوع مصونیت آن‌ها و مصونیت بستگان مأموران سیاسی و کارمندان اداری و فنی و خدمه اشاره دارد.
- ✓ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی مورخ ۱۹۶۳ به مصونیت شخصی مأموران کنسولی، اعلام موارد توقیف و بازداشت و تعقیب کارکنان کنسولی و مصونیت قضایی آنان اشاره دارد.
- ✓ کنوانسیون مزایا و مصونیت‌های مأموریت‌های مخصوص مورخ ۱۹۶۹ به مصونیت شخصی نمایندگان دولت فرستنده در مأموریت مخصوص و شخص کارمند سیاسی، مصونیت اقامتگاه، مصونیت قضایی آنان، مصونیت کارمندان اداری و فنی و خدمه اشاره دارد.
- **مأمور دیپلماتیک** در کلیه جرائم، اعم از مهم و غیر مهم و اعم از اینکه جرم مرتبط با وظایف او یا بی‌ارتباط با آن باشد، از مصونیت برخوردار است و نمی‌توان او را تحت تعقیب جزایی قرار داد و یا توقیف و بازداشت نمود.
- ✓ مصونیت سیاسی علاوه بر رییس و کارکنان سیاسی هیأت دیپلماتیک، شامل بستگان مأمور سیاسی که اهل خانه او هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشند، نیز می‌شود.
- **کارمندان اداری و فنی** مأموریت و بستگان آن‌ها که اهل خانه آن‌ها هستند، مشروط بر اینکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند از مصونیت برخوردارند.
- **خدمه مأموریت** که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن نباشند، نسبت به اعمال ناشی از اجرای وظایف دارای مصونیت سیاسی هستند.
- ✓ مأمور سیاسی در هنگام عزیمت به محل مأموریت یا بازگشت از آن، چنانچه از کشور ثالثی عبور کند، در محل اخیر نیز از مصونیت برخوردار است.
- ✓ مصونیت سیاسی حتی در صورت وجود منازعه مسلحانه میان دولت فرستنده و دولت پذیرنده برقرار است و تا زمانی که شخص در

مأموریت به سر می‌برد ادامه دارد.

✓ با خاتمه یافتن دوره مأموریت این مصونیت از زمان ترک کشور محل خدمت یا پس از انقضای مهلت مناسبی که برای ترک محل خدمت به مأمور داده می‌شود، پایان می‌یابد. پس از ترک محل مأموریت یا انقضای مدتی که برای این کار لازم بوده است، مأمور دیپلماتیک دیگر مصونیت نداشته و در برابر ارتکاب جرم قابل تعقیب است. البته وی نسبت به آن دسته از اعمالی که در اجرای وظایف خود به عنوان مأموریت انجام داده دارای مصونیت بوده و قابل تعقیب نمی‌باشد ولی نسبت به سایر اعمال، امکان تعقیب کیفری او وجود دارد.

✓ **مأموران کنسولی** فقط در مورد اعمالی که در مقام انجام وظایف کنسولی مرتکب شوند دارای مصونیت هستند و در جرائم مهم که کنوانسیون از آن‌ها به عنوان جنایات بزرگ یاد می‌کند می‌توان مأمور کنسولی را توقیف یا در انتظار محاکمه بازداشت نمود.

جنون: در حقوق کیفری جنون دائمی و جنون موقت (ادواری) و تشخیص آن‌ها از اهمیت برخوردار است تا مشخص شود که مرتکب در حین زمان وقوع جرم دارای سلامت عقلانی بوده است یا خیر؛ با این وجود مرجع تشخیص جنون، پزشک قانونی است و نظر هیچ مرجع دیگری برای مقام قضایی منشأ تصمیم قانونی نخواهد بود. در مواردی که پرونده در دادسرا منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب شود ولی لزوم به تعیین تکلیف برای پرداخت دیه باشد، پرونده به **دستور دادستان** «نه کیفرخواست» جهت صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.



موانع دائمی تعقیب: در برخی موارد دیگر موانع به صورت دائم تعقیب را متوقف می‌سازند، مانند: گذشت شاکی خصوصی در جرائم قابل گذشت، فوت متهم و عفو و دیگر موارد.

ماده ۱۳ ق.آ.د.ک: «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف - فوت متهم یا محکوم‌علیه

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

چ - اعتبار امر مختوم»

نکته: سقوط دعوی عمومی منجر به سقوط دعوی خصوصی نمی‌شود.

فوت متهم یا محکوم علیه: در صورتی که جرم وقوع یافته مشمول مجازات حد و تعزیر باشد و متهم پس از شروع به تعقیب فوت شود، تعقیب متوقف خواهد شد و اگر جرم وقوع یافته مشمول مجازات قصاص و دیه باشد (با لحاظ منطوق و مفهوم ماده ۴۳۵ ق.م.ا) و پس از شروع به تعقیب، متهم فوت شود، تعقیب متوقف می‌شود؛ پرونده با این قرار در دادسرا مختومه می‌شود و پل ارتباطی دادسرا با دادگاه قطع می‌شود، چون قرار موقوفی تعقیب زمینه صدور کیفرخواست را به وجود نمی‌آورد؛ اما طبق ماده ۸۵ ق.آ.د.ک و تبصره ۱ آن، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

✓ اگر مجازات از نوع **جزای نقدی** باشد، با فوت متهم **ساقط** می‌شود.

✓ مصادره اموال با فوت متهم نیز اجرا می‌شود.

✓ فوت شاکی یا مدعی خصوصی از موانع تعقیب نخواهد بود.

گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت: اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرائم است و قابل گذشت بودن یک جرم امری استثنایی و نیازمند تصریح است.

✓ ماده ۱۲ ق.آ.د.ک: «تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.»

✓ تبصره ماده ۱۰۲ ق.م.ا: «حق گذشت، به وراثت قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت **همگی** وراثت حسب مورد تعقیب، رسیدگی یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.»

✓ گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می‌شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد.

✓ عدول از گذشت مسموع نیست.

✓ چنانچه قیم اتفاقی بخواهد از طرف مولی علیه خود اعلام گذشت نماید، این امر باید به **تأیید دادستان** برسد.

حالت‌های گذشت شاکی:

۱. گذشت در جرائمی که مطلقاً مؤثر است: قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

۲. گذشت در جرائمی که مطلقاً مؤثر نیست: گذشت بلااثر است.

۳. گذشت در جرائمی که نسبتاً مؤثر است: از موجبات تخفیف است.

اقسام گذشت: «ماده ۱۰۱ ق.م.ا»

۱. گذشت مطلق: در این نوع گذشت شخص شاکی هیچ شرط یا تقاضایی ندارد.

۲. گذشت مقید: اثر گذشت زمانی متصور است که شرط یا قید تعلیقی حاصل شود، مانند اینکه شاکی بگوید، از متهم گذشت می‌کنم در صورتی که حق الوکاله وکیل را بپردازد.

تعدد متضررین از جرم: «ماده ۱۰۲ ق.م.ا»

۱. تعقیب جزائی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود.

۲. موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده‌اند.

✓ برای تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت نظام دادرسی کیفری ما ۲ رویه را تجربه نموده است:

۱. ضابطه قانونی: تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت با قانون‌گذار است.

۲. ضابطه قضایی: تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت با قاضی است.

✓ اما به موجب تبصره ماده ۱۲ ق.آ.د.ک که بیان می‌دارد: «تعیین جرائم قابل گذشت به موجب قانون است.» پس طبق این تبصره ضابطه قانونی برای تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت پذیرفته شده است؛ چون ضابطه قضایی بسته به نظر قضات متغیر و متفاوت بود.

✓ تفکیک جرائم قابل گذشت از غیرقابل گذشت باعث می‌شود که در جرائم قابل گذشت یا حق الناسی فقط شاکی دعوا را آغاز کند، ادامه دهد با اراده خود مختومه کند؛ اما در جرائم غیرقابل گذشت یا حق الهی این اختیار درید شاکی نیست، چون دادستان مقام تعقیب است و جرم هم غیرقابل گذشت می‌باشد.

✓ **گذشت** یک کاربرد عملی هم دارد آن هم به تفکیک جرائم قابل گذشت از جرائم غیرقابل گذشت بازمی‌گردد، به عبارتی دیگر؛ فایده عملی شناخت جرائم قابل گذشت به شرح ذیل است:

۱. در جرائم قابل گذشت به موجب گذشت شاکی، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود. «م ۱۳ ق.آ.د.ک.»

۲. در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست **ترک تعقیب** کند. «م ۷۹ ق.آ.د.ک.»

۳. در جرائم قابل گذشت تحقیق از شاکی و متهم در دادسرا حتی الامکان به صورت **ترافعی** رسیدگی می‌شود. «م ۱۹۲ ق.آ.د.ک.»

۴. در جرائم قابل گذشت طرفین یا شاکی، می‌توانند غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. «م ۳۵۲ ق.آ.د.ک.»

✓ جرائم قابل گذشت مانند: توهین، افتراء، هجو، سقط جنین، ترک انفاق و ...

✓ جرائم قابل گذشت موجبات ۲ قرار را فراهم می‌کند:

۱ - قرار موقوفی به موجب ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ۲ - قرار ترک تعقیب به موجب ماده ۷۹ ق.آ.د.ک

قاضی در مواجهه با گذشت در جرم قابل گذشت چه تصمیم اتخاذ می‌کند؟

برای قرار موقوفی تعقیب شخص شاکی باید به صورت صریح و مکتوب اعلام گذشت کند، اما برای قرار ترک تعقیب شخص شاکی باید درخواست خود را به شعبه تسلیم کند.

تفاوت بین قرار موقوفی تعقیب با قرار ترک تعقیب آن است که در موقوفی تعقیب شاکی پرونده را مختومه می‌کند اما در ترک تعقیب پرونده تا یک سال مفتوح است و شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک‌بار تا یک‌سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

شمول عفو: گذشتی است که از سوی مقام رسمی صورت می‌گیرد و باعث موقوف گردیدن تعقیب و یا اجرای مجازات خواهد شد.

تفاوت عفو و گذشت:

۱. عفو از جانب حکومت اعمال می‌شود، لیکن گذشت از طرف شاکی امکان‌پذیر است.

۲. گذشت از جانب شاکی در جرائم قابل گذشت منتهی به توقف تعقیب می‌شود، اما عفو غالباً در جرائم دارای جنبه عمومی اعمال می‌شود.

انواع عفو:

۱. **عفو عمومی:** «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود.»

✓ عفو عمومی صرفاً در جرائم موجب **تعزیر** اعطاء می‌شود و در مجازات‌های حد، قصاص و دیه قابل اعمال نیست.

✓ عفو عمومی بر **شرکاء و معاونین** جرم نیز تسری پیدا می‌کند.

✓ عفو عمومی تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند.

✓ در عفو عمومی در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار مجازات‌های تبعی و تکمیلی محکومیت نیز زائل می‌شود.

✓ عفو عمومی هم مجازات و هم اثر آن را هم از بین می‌برد ولی تأثیری در پرداخت **دیه** ندارد.

✓ در عفو عمومی امکان مطالبه خسارت مدعی خصوصی وجود دارد.

۲. **عفو خصوصی:** «عفو یا تخفیف مجازات محکومان، در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضائیه با مقام رهبری است.»

✓ عفو خصوصی بر شرکاء و معاونین جرم نیز تسری پیدا نمی‌کند.

✓ عفو خصوصی فقط بعد از صدور حکم می‌تواند تأثیرگذار باشد، به عبارتی فقط در حق محکومان تأثیر دارد.

✓ عفو خصوصی فقط اجرای مجازات اصلی را متوقف می‌کند، مجازات‌های تبعی را متوقف نمی‌کند مگر اینکه تصریح شده باشد.

✓ در عفو خصوصی امکان مطالبه خسارت مدعی خصوصی وجود دارد.

• عفو خصوصی به ۲ روش ذیل اعطاء می‌شود:

۱. اعطاء عفو بر اساس میزان محکومیت: در این روش شخص خاصی مدنظر قرار نمی‌گیرد، بلکه جرم و میزان محکومیت ملاک شمول

عفو است. البته این نوع اعمال عفو دارای شرایط خاصی است که تعیین آن بر عهده رییس قوه قضائیه است تا پس از تأیید آن توسط

مقام رهبری، اعمال شود.

۲. عفو موردی و خاص: در این روش پرونده هر یک از محکومین، در صورت دارا بودن برخی شرایط و معمولاً به تقاضای محکوم‌علیه یا خانواده او، در کمیسیون عفو، تخفیف و تبدیل مجازات مطرح می‌گردد، پس از اینکه کمیسیون مذکور محکوم‌علیه را مستحق عفو دانست به رییس قوه قضاییه جهت پیشنهاد به مقام رهبری معرفی می‌کند.

نسخ مجازات قانونی: نسخ قانون عبارت است اسقاط یک قانون به وسیله قانون دیگر.

- ✓ نسخ مجازات قبل از تعقیب: پرونده بایگانی می‌شود.
- ✓ نسخ مجازات حین تعقیب: قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
- ✓ نسخ مجازات بعد از حکم: حکم اجراء نمی‌شود.
- ✓ به موجب قانونی در آینده مجازاً قانونی رفتاری نسخ گردد، قانون مذکور در این قسمت عطف بماسبق می‌گردد.
- ✓ نسخ قانون به ۲ صورت صریح و ضمنی می‌باشد.

شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون: سپری شدن مدتی خاص و معین به موجب قانون از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تعقیبی یا اطلاع شاکی از وقوع جرم (در جرائم تعزیری قابل گذشت) و یا قطعیت حکم که پس از آن تعقیب جرائم و اجرای احکام قطعی میسر نباشد.

انواع مرور زمان:

۱. **مرور زمان شکایت:** یعنی سپری شدن مدّت زمانی خاص (به موجب قانون) از تاریخ اطلاع شاکی از جرم و عدم شکایت وی در مراجع قانونی. ماده ۱۰۶ ق.م.ا: «در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت **یک سال** از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می‌شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ **رفع مانع** محاسبه می‌شود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرف نظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت **شش ماه** از تاریخ وفات حق شکایت دارد.»

✓ به موجب این ماده مرور زمان شکایت یک سال از تاریخ اطلاع شاکی از وقوع جرم تعزیری قابل گذشت می‌باشد و اگر ظرف مهلت یک‌ساله شکایت خود را مطرح ننماید، حق طرح شکایت در خصوص آن جرم از وی سلب خواهد شد.

✓ در مرور زمان شکایت، درجه ملاک نیست، یعنی اگر جرم هجو درجه ۷ یا جرم توهین درجه ۶ یا جرم تهدید درجه ۵ باشد همچنان یک سال لحاظ می‌شود.

✓ یک سال قابل تمدید نیست مگر اینکه:

— شاکی فوت کند.

— شاکی در سلطه متهم باشد.

— شاکی به دلیل خارج از اختیار قادر به شکایت نباشد.

✓ در صورت فوت شاکی در طی زمان یک سال که حق شکایت دارد، چون امری غیرقابل پیش‌بینی است؛ ورثه ۶ ماه معادل ۱۸۰ روز حق طرح شکایت دارند. ۶ ماه در نظر گرفته شده از تاریخ فوت محاسبه شده، هر چند فوت در روز تعطیل باشد. مدت ۶ ماه به کل ورثه برای طرح شکایت اعطا می‌شود.

۲. **مرور زمان تعقیب:** یعنی سپری شدن مدت زمانی خاص (به موجب قانون) از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی که پس از آن، اقدام به تعقیب ممکن نباشد.

ماده ۱۰۵ ق.م.ا: مرور زمان، در صورتی تعقیب جرائم موجب تعزیر را موقوف می‌کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد زیر تعقیب نشده یا از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای این مواعد به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد: (طبق جدول زیر)

✓ بسته به درجه تعزیر مدت مرور زمان تعقیب متغیر است، بدین صورت که هرچه درجه شدیدتر باشد، مرور زمان آن بیشتر است. بیشترین

مدت مرور زمان تعقیب ۱۵ سال و کمترین مدت مرور زمان تعقیب ۳ سال است.

✓ مرور زمان تعقیب از تاریخ وقوع جرم محاسبه می‌شود.

✓ در مرور زمان تعقیب فرقی بین جرائم قابل گذشت و جرائم غیرقابل گذشت نیست.

✓ مرور زمان تعقیب زمانی محقق می‌شود که در مدت‌زمان مشخص شده طبق ماده ۱۰۵ ق.م.ا و با لحاظ درجه هیچ اقدام تعقیبی یا تحقیقی صورت نگیرد.

✓ با حصول مرور زمان تعقیب، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

۳. **مرور زمان مجازات:** به معنی سپری شدن مدتی خاص و معین به موجب قانون از تاریخ **قطعیت حکم** است که از پس از آن اجرای حکم قطعی میسر نیست. برخی اوقات اتفاق می‌افتد که حکم قطعی از سوی مرجع قضایی صالح صادر گردیده است لیکن پس از آن اقدام خاصی بر روی پرونده صورت نگرفته است که در این حالت اگر مرور زمان مُصَرَّح در قانون سپری شود، پرونده آماده صدور قرار موقوفی اجرا به واسطه مرور زمان خواهد بود. ماده ۱۰۷ ق.م.ا: مرور زمان، اجرای احکام قطعی تعزیری را موقوف می‌کند و مدت آن از تاریخ قطعیت حکم به قرار زیر است: (طبق جدول زیر)

✓ بسته به درجه تعزیر مدت مرور زمان تعقیب متغیر است، بدین صورت که هرچه درجه شدیدتر باشد، مرور زمان آن بیشتر است. بیشترین مدت مرور زمان تعقیب ۲۰ سال و کمترین مدت مرور زمان تعقیب ۵ سال است.

✓ مرور زمان اجرا خود بیانگر این است که حکم محکومیت صادر شده باشد؛ اما ملاک در ماده ۱۰۷ ق.م.ا حکمی است به قطعیت رسیده است.

✓ قطعیت می‌تواند از همان دادگاه بدوی صورت بگیرد، یا از دادگاه تجدیدنظر یا اینکه محکوم علیه حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط نماید.

✓ با حصول مرور زمان مجازات (اجرا)، قرار موقوفی اجرا صادر می‌شود.

| مرور زمان تعقیب «متهم» ماده ۱۰۵ ق.م.ا | درجه | مرور زمان مجازات «مجرم» ماده ۱۰۷ ق.م.ا |
|---|-------|--|
| انقضای ۱۵ سال | ۱-۲-۳ | انقضای ۲۰ سال |
| انقضای ۱۰ سال | ۴ | انقضای ۱۵ سال |
| انقضای ۷ سال | ۵ | انقضای ۱۰ سال |
| انقضای ۵ سال | ۶ | انقضای ۷ سال |
| انقضای ۳ سال | ۷-۸ | انقضای ۵ سال |

شرایط مرور زمان

۱. جرائم موجب تعزیر: مرور زمان کیفری صرفاً در جرائم موجب تعزیر پذیرفته شده است و در جرائم موجب حد، قصاص و دیه، مرور زمان جاری نیست.

۲. انقضاء مواعد مصرحه در مواد ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۷ ق.م.ا: از دیگر شرایط لازم در خصوص اعمال مرور زمان انقضاء مواعد تعیین شده در مواد قانونی فوق به تناسب مرور زمان تعقیب، شکایت و اجرای حکم است؛ به عبارت دیگر اگر مواعد مذکور منقضی نگردد اجرای مرور زمان منتفی خواهد شد.

۳. عدم شمول مرور زمان در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر و جرائم اقتصادی: ماده ۱۰۹ ق.م.ا: «جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی‌شوند: الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور ب

- جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده پ - جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر»

نکته مهم: مرور زمان یک قاعده آمره می‌باشد و عملکرد آن موضوعی است، نه شخصی؛ پس اگر مرور زمان حاصل شود به صورت موضوعی همه اشخاص از این عنوان بهره‌مند می‌شوند؛ مانند شریک، مباشر یا معاون، نسبت به همه اجرا می‌شود.
نکته مهم: اگر جرمی ماهیتاً تعزیراتی باشد و قابل گذشت نیز باشد، یک سال از تاریخ اطلاع از زمانی محاسبه می‌کنیم که مرور زمان تعقیب حاکم به موضوع نباشد.

توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون: ماده ۱۱۷ ق.م.ا: «در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.»

- ✓ قضات دادسرا نقشی در اعمال توبه ندارند.
- ✓ در صورت اثبات تظاهر مرتکب به توبه در مجازات تعزیری، سقوط مجازات و تخفیفات لغو و مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.
- ✓ توبه در قذف و دیات جایگاهی ندارد و چون قذف طبق ماده ۲۵۵ ق.م.ا قابل گذشت می‌باشد، تمام اختیارات آن با شاکی یعنی مقذوف می‌باشد.
- ✓ دیه همانند قصاص به اختیار ولی دم یا مجنی علیه است.

جرائم موضوع توبه: «مواد ۱۱۴، ۱۱۵ و ۱۱۶ ق.م.ا» با توجه به این مواد توبه در حدود زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، قوادی، سب النبی، شرب خمر، سرقت، بغی، افساد فی الارض و تعزیری درجه شش، هفت و هشت پذیرفته شده است. البته در حد محاربه نیز اگر محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او توبه کند، حد ساقط خواهد شد. توبه در جرائم موجب دیه، قصاص، حد قذف و محاربه و تعزیری درجه یک تا پنج و تعزیرات منصوص شرعی پذیرفته نشده است.

شرایط توبه قانونی

۱. ابراز ندامت مجرم و احراز اصلاح شدن او نزد قاضی: صرف اینکه مجرم به ظاهر (زبانی) توبه نماید، کافی برای اعمال نمودن آثار توبه نیست. بلکه ابراز ندامت و اصلاح او باید برای مقام قضایی صالح محرز شود.
 - ✓ «متهم... توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود» ماده ۱۱۴ ق.م.ا
 - ✓ «چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود.» ماده ۱۱۵ ق.م.ا
 - ✓ «توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود.» ماده ۱۱۷ ق.م.ا
۲. توبه مجرم در صورتی سبب سقوط مجازات خواهد شد که **قبل از اثبات جرم** صورت پذیرد.
 - ✓ «... هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند...» ماده ۱۱۴ ق.م.ا
۳. عدم تکرار جرائم تعزیری: از شرایط پذیرش توبه مجرم، **عدم تکرار جرم** می‌باشد.
 - ✓ «مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.» تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا

آثار توبه: آثار توبه مرتکب گاهی به صورت سقوط مجازات و برخی مواقع تخفیف مجازات قانونی و در مواردی نیز به صورت تقاضای عفو از مقام رهبری می‌باشد.

توبه در انواع مجازات‌ها

۱. قصاص: توبه پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۱۶ ق.م.ا
۲. دیات: توبه پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۱۶ ق.م.ا
۳. حدود: به غیر از قذف و محاربه (که آن هم نسبی است) توبه پذیرفته می‌شود. ماده ۱۱۴ ق.م.ا
۴. در تعزیرات: ماده ۱۱۵ ق.م.ا

✓ درجات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵: دادگاه می‌تواند تخفیف دهد.

✓ درجات ۶، ۷، ۸: سقوط مجازات

✓ مجازات حدود در صورتی ساقط می‌شود که توبه قبل از اثبات جرم صورت بگیرد. توبه مرتکب در جرائم حدی به جز «قذف» پس از اثبات جرم نیز مؤثر است به شرط اینکه با اقرار متهم ثابت شده باشد؛ که در این صورت برای سقوط مجازات، عفو وی توسط مقام رهبری به درخواست دادگاه از طریق رییس قوه قضاییه صورت می‌گیرد.

اعتبار امر مختوم: با اتمام رسیدگی به شکایت شاکی در مرجع قضایی و صدور تصمیم نهایی و قطعی در این خصوص، امکان رسیدگی مجدد به همان شکایت و شاکی و متهم همان پرونده وجود نخواهد داشت. به عنوان مثال اگر (الف) علیه (ب) شکایت سرقت را مطرح کند و مرجع قضایی در خصوص جرم سرقت تصمیم نهایی و قطعی اتخاذ کند، رسیدگی به شکایت مجدد (الف) علیه (ب) به همان جرم سرقت امکان‌پذیر نیست.

✓ اعتبار امر مختوم یعنی تصمیم نهایی مرجع قضایی کیفری از چنان اعتباری برخوردار است که هیچ‌گونه شکایت مجددی (با شرط وحدت اصحاب دعوا، وحدت موضوع دعوا و وحدت سبب دعوا) به آن خدشه‌ای وارد نخواهد آورد.

✓ اعتبار امر مختوم بر اساس قاعده صحت احکام و جاهت قانونی خود را کسب می‌کند.

✓ اعتبار امر مختوم یک قاعده آمره است و قضات باید به آن استناد کنند.

✓ در صورتی که شکایت اول از سوی اصیل باشد و شکایت دوم از سوی وکیل باز هم اصحاب دعوا واحد تلقی می‌شوند.

• اعتبار امر مختوم بر اساس نوع تصمیم قضاوت شده به شرح ذیل تعریف می‌شود:

۱. احکام: حکم تصمیمی است که از سوی دادگاه صالح صادر می‌شود از نظر ماهیتی به ۲ شکل می‌باشد، احکام بلاشک اعتبار امر مختومه دارند.

✓ حکم برائت

✓ حکم محکومیت

استثنائاً به موجب ماده ۴۷۴ ق.آ.د.ک، زمانی که حکم محکومیت به صورت قطعی یافته قرار گرفته و شخص محکوم با ارائه ادله قابل قبول تقاضای اعاده دادرسی داشته باشد، به اعتبار امر مختوم توجهی نمی‌شود.

۲. قرارها: به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱/۱. قرارهای اعدادی «تمهیدی - ابتدایی»: از جمله قرارهایی هستند که پرونده را آماده و مهیا برای اتخاذ یک تصمیم نهایی می‌کنند؛ مانند قرار کارشناسی، معاینه محل، احضار و جلب شهود، نظارت قضایی، نیابت و...

این قرارها چون برای آماده‌ساختن پرونده به کار می‌روند و در جهت کشف حقیقت استفاده می‌شوند اعتبار امر مختوم ندارند.

۱/۲. قرارهای نهایی: به موجب ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک و مواد بعد از آن در خاتمه تحقیقات به کار گرفته می‌شوند این قرارها مسؤولیت بازپرس را خاتمه می‌دهند و شامل: قرار منع تعقیب، قرار جلب دادرسی، قرار موقوفی، قرار عدم صلاحیت.

قرارهای نهایی چون قاعده فراغ دادرسی را حاصل می‌کند، از اعتبار امر مختوم برخوردار است.

نقض قرار منع تعقیب برای یک بار: ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک: «هرگاه به علت جرم نبودن عمل ارتكابی، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد. هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و در دادسرا قطعی شود، نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، با نظر دادستان برای یک بار قابل تعقیب است و اگر این قرار در دادگاه قطعی شود، پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یک بار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می‌کند.»

ویژگی‌های اعتبار امر مختوم

۱. لزوم صدور تصمیم نهایی قطعی از سوی مرجع کیفری می‌باشد، به عبارت دیگر دادگاه کیفری در خصوص شکایت مطروحه حکم قطعی بر محکومیت یا برائت صادر کند. قطعیت تصمیم قضایی سابق، شرط اولیه منع رسیدگی حاضر است. حکم یا قرار قطعی نیز رأی است که یا قانوناً در هنگام صدور، قطعی و غیر قابل اعتراض باشد و یا مدت اعتراض شده و قطعیت یافته باشد.

۲. اعتبار امر مختوم کیفری محدود به زمان خاصی نیست، به عبارت دیگر، مقام قضایی رسیدگی کننده در هر زمان و مرحله متوجه وجود شرایط اعتبار امر مختوم کیفری گردد، ادامه رسیدگی را متوقف می‌نماید.

۳. عدم لزوم ایراد از سوی مُشتکی‌عنه یا متهم، به عبارت دیگر مقام قضایی رسیدگی کننده موظف به توقف تعقیب و تحقیقات است.

شرایط اعتبار امر مختوم کیفری

۱. **وحدت اصحاب دعوا:** اولین شرط این است که شاکی و مُشتکی‌عنه شکایت فعلی، همان شاکی و مُشتکی‌عنه پرونده سابق باشند؛ یعنی شاکی و مُشتکی‌عنه هر دو پرونده واحد باشند.

۲. **وحدت موضوع:** یعنی عنوان مجرمانه‌ای که شاکی به واسطه آن از مرتکب قبلاً شکایت کرده است، همان عنوان مجرمانه‌ای باشد که مجدداً طرح شکایت کرده است.

۳. **وحدت سبب:** سبب شکایت کیفری اعاده منافع تقویت شده اجتماع به واسطه نقض نظم عمومی از طریق اعمال کیفر یا اقدامات تأمینی و تربیتی بر مجرم است. صدور حکم از سوی مراجعی که در خصوص جنبه عمومی جرم اتخاذ تصمیم نموده‌اند از قبیل مراجع انضباطی یا اداری، مانع طرح شکایت کیفری علیه مُشتکی‌عنه نیست.

جایگزین‌های تعقیب «مواد ۷۹، ۸۰، ۸۱ و ۸۲ ق.آ.د.ک»

قرار ترک تعقیب: «در جرائم قابل گذشت مطابق ماده ۷۹ ق.آ.د.ک»: در صورتی که جرم قابل گذشت باشد، شاکی گذشت کند قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و پرونده مختومه می‌شود؛ اما طبق ماده ۷۹ ق.آ.د.ک شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک بار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.

✓ ترک تعقیب مختص جرائم قابل گذشت مانند: توهین، افتراء یا هجو می‌باشد.

✓ طبق قانون مجازات اسلامی، جرائم قابل گذشت جرائمی است که آغاز، ادامه، اختتام و اجرای آن به نظر شاکی بستگی دارد.

✓ ترک تعقیب از ناحیه شاکی صورت می‌گیرد.

✓ در صورت درخواست قرار ترک تعقیب، شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را تا یک سال درخواست کند.

✓ شاکی برای تعقیب مجدد نیاز به هزینه و بار اثباتی ندارد.

✓ در قرار موقوفی تعقیب گذشت شاکی اعلام می‌شود، اما در قرار ترک تعقیب شاکی باید درخواست ترک تعقیب بدهد.

✓ قرار ترک تعقیب چون به درخواست شاکی است قابل اعتراض نیست و قطعی است، به همین جهت ابلاغ نمی‌شود.

✓ قرار ترک تعقیب با قرار موقوفی تعقیب قابل جمع می‌باشد؛ یعنی در صورتی که پس از درخواست شاکی و صدور قرار ترک تعقیب پرونده باز باشد و شاکی گذشت کند، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و قرار ترک تعقیب از بین می‌رود.

✓ مقام دادستان در صدور قرار ترک تعقیب مکلف است، چون این قرار حق شاکی است.

✓ نسبت به جرم قابل گذشت واحد نمی‌توان ۲ مرتبه قرار ترک تعقیب را مطالبه نمود، چون قرار ترک تعقیب از زمان صدور فقط یک مرتبه جریان می‌یابد، پس به عبارتی ترک تعقیب در ترک تعقیب جایز نیست.

✓ زمانی که قرار ترک تعقیب صادر می‌شود، الزاماً به معنای جلب به دادرسی یا محکومیت نیست شاید پس از تعقیب مجدد ادله‌ای مبنی بر بی‌گناهی متهم یافت شود، پس بهتر است بگوییم با درخواست تعقیب مجدد شخص شاکی در مدت یک سال مقام قضایی تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

✓ در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود نیز امکان صدور قرار ترک تعقیب وجود دارد و دلیلی بر سلب حق تقاضای صدور این قرار از شاکی به نظر نمی‌رسد.

• شخص شاکی در جرائم قابل گذشت می‌تواند:

۱. گذشت کند: صدور قرار موقوفی تعقیب.

۲. درخواست ترک تعقیب کند: صدور قرار ترک تعقیب.

۳. درخواست ادامه دادرسی داشته باشد: جریان پرونده ادامه پیدا می‌کند.

قرار بایگانی پرونده: «در جرائم غیر قابل گذشت تعزیری درجه ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۰ ق.آ.د.ک» در ماده ۸۰ ق.آ.د.ک ویژگی‌های قرار بایگانی پرونده به شرح ذیل قید شده است:

- ✓ قرار بایگانی پرونده مختص درجات ۷ و ۸ می‌باشد، چون درجات ۷ و ۸ ارجاع مستقیم می‌شود، پس مقام صادرکننده آن دادرس دادگاه است.
- ✓ از قید «چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد» معلوم می‌شود که صدور این قرار فقط در جرائم غیر قابل گذشت امکان‌پذیر است، زیرا در جرائم قابل گذشت، اگر پرونده شاکی نداشته باشد، به جریان نمی‌افتد و اگر شاکی گذشت کرده باشد پرونده با صدور قرار موقوفی تعقیب، مختومه خواهد شد.
- ✓ قرار بایگانی پرونده از اختیارات مقام قضایی است، یعنی مخیر است که تعقیب را ادامه دهد یا قرار بایگانی پرونده صادر کند.
- ✓ برای صدور قرار بایگانی پرونده متهم نباید سابقه کیفری مؤثر داشته باشد. منظور از «محکومیت کیفری مؤثر کیفری» محکومیتی است که اثر آن محروم نمودن محکوم‌علیه از برخی حقوق اجتماعی است. این محکومیت‌ها که مربوط به جرائم عمدی بوده و مجازات تبعی در پی دارند، در ماده ۲۵ ق.م.ا ذکر شده‌اند.
- ✓ ماده ۸۰ ق.آ.د.ک بایگانی را زمانی تجویز می‌کند که نسبت به مرتکب **تفهیم اتهام** شده باشد، پس اگر عمل موردنظر جرم نباشد یا ادله برای انتساب جرم موجود نباشد، قرار منع تعقیب اولویت دارد.
- ✓ قرار بایگانی پرونده فقط **یک مرتبه** قابل صدور است، اما مقید به مهلت نیست، یعنی در صورت صدور این قرار، پرونده در دادگاه مختومه می‌شود.
- ✓ ماده ۸۰ ق.آ.د.ک اعلام می‌دارد که قرار بایگانی پرونده در مرجع تجدیدنظر قابل اعتراض است و مهلت این اعتراض ۱۰ روز است.
- ✓ از آنجا که صدور این قرار به سود متهم و موجب خروج پرونده از فرایند کیفری است، از سوی او قابل اعتراض نیست، اما توسط دادستان (مثلاً به لحاظ وجود سابقه محکومیت مؤثر کیفری) یا شاکی (مثلاً به لحاظ تأکید بر عدم گذشت و بقاء بر شکایت خود) قابل اعتراض است. (در مورد امکان اعتراض به این قرار توسط شاکی به قسمت اخیر ماده ۴۴۷ ق.آ.د.ک رجوع کنید.)
- قرار تعلیق تعقیب «در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۱ ق.آ.د.ک»:** تعلیق تعقیب به معنای تعلیق اجرا نیست، زیرا تعلیق اجرا در درجات ۳ الی ۸ زمانی که حکم محکومیت صادر شده باشد و مقام قضایی نظر به اجرا ندارد اعمال می‌شود. (ماده ۴۶ ق.م.ا) اما تعلیق تعقیب که یک جایگزین تعقیب است در خصوص شخص متهم اعمال می‌شود.
- ✓ قرار تعلیق تعقیب مختص درجات ۶، ۷ و ۸ است.
- ✓ قرار تعلیق تعقیب با توجه به درجه، در «درجه ۶» صدور آن با **دادستان** و در «درجات ۷ و ۸» صدور آن با **دادگاه** است.
- ✓ قرار تعلیق تعقیب زمانی صورت می‌گیرد که شاکی وجود ندارد یا اعلام گذشت نموده است.
- ✓ در صدر ماده ۸۱ ق.آ.د.ک بیان شده است که درجات ۶، ۷ و ۸ مشروط به اینک مجازات آن قابل تعلیق باشد قرار تعلیق تعقیب صادر می‌شود. جرائمی که مجازات آن‌ها قابل تعلیق نیست در ماده ۴۷ ق.م.ا ذکر شده است. تعلیق اجرا درجه ۳ الی ۸ است اما تعلیق تعقیب درجه ۶ الی ۸ می‌باشد، مشاهده می‌شود که جرائم درجات ۶ الی ۸ در میان جرائم درجات ۳ الی ۸ قرار دارد؛ اما مراد از ماده ۸۱ آن است که جرمی قابل تعلیق تعقیب است که طبق ماده ۴۷ ق.م.ا تعلیق اجرای آن ممنوع نباشد. برای مثال: تخلیه اطلاعاتی جرمی است درجه ۷ از کتاب تعزیرات. به ظاهر تعلیق اجرا جایز است، اما طبق ماده ۴۷ ق.م.ا تعلیق اجرا این عنوان مجرمانه را ممنوع اعلام نموده است، پس قابلیت صدور قرار تعلیق تعقیب هم ندارد.
- ✓ صدور قرار تعلیق تعقیب از اختیارات قضات اعم از دادستان و دادرس است، اما هرکس که نظر به تعلیق تعقیب داشته باشد، باید موافقت متهم را کسب کند. برخلاف ماده ۸۰ ق.آ.د.ک که موافقت متهم لازم نیست.
- ✓ مقام قضایی پس از صدور قرار تعلیق تعقیب متهم را به انجام برخی دستورات مندرج در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک مکلف می‌کند.
- ✓ برای صدور قرار تعلیق تعقیب شخص متهم نباید سابقه کیفری مؤثر داشته باشد.
- ✓ قرار تعلیق تعقیب وابسته به مدت زمان است که در ماده ۸۱ ق.آ.د.ک اعلام شده است. مدت زمان تعلیق تعقیب ۶ ماه الی ۲۴ ماه است (۶ ماه تا ۲ سال) طبیعتاً انتظار می‌رود که در این مدت متهم، مرتکب جرم دیگری نشود؛ در صورت وقوع جرم با رعایت تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک قرار تعلیق تعقیب لغو می‌شود.
- ✓ این قرار به موجب تبصره ۱ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک به ۲ صورت لغو می‌شود:

۱. متهم، مرتکب جرم شود. این جرم عبارت است از: حدود، قصاص، تعزیرات درجات ۱ الی ۷
۲. دستورات مقام قضایی را اجرا نکند.
- ✓ اگر شخصی در مدت تعلیق تعقیب مرتکب جرائم فوق فوق‌الذکر شود، طبیعتاً جرم ثانویه اثر قهقرایی دارد و قرار تعلیق تعقیب را لغو می‌کند. در این مورد با توجه به ماده ۱۳۴ ق.م.ا قواعد کلی **تعدد جرم** حاکم می‌شود.
- برای مثال: الف مرتکب جرم درجه ۶ شده است، قرار تعلیق تعقیب نسبت به او صادر می‌شود، در مدت تعلیق تعقیب (۱۰ ماه) مرتکب تعزیر درجه ۳ می‌شود، در این مورد قاعده **تعدد** حاکم است.
- الف مرتکب جرم درجه ۶ شده است، قرار تعلیق تعقیب نسبت به او صادر می‌شود، در مدت تعلیق تعقیب (۱۰ ماه) مرتکب جرم درجه ۷ می‌شود، در این مورد قاعده **تجمع** حاکم است.
- ✓ تعزیر درجه ۸ و دیه در تبصره ماده ۸۱ ق.آ.د.ک لحاظ نشده است، حال اگر شخص متهم، مرتکب جرم درجه ۸ در مدت تعلیق تعقیب شود، اثر قهقرایی ندارد و به این جرم درجه ۸ به صورت مستقل رسیدگی می‌شود.
- ✓ در صورتی که شخص دارای سابقه کیفری مؤثر باشد، اما به آن توجه نشده باشد و قرار تعلیق تعقیب صادر شود، به موجب تبصره ۳ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک به محض اطلاع از آن سابقه کیفری مؤثر قرار تعلیق تعقیب لغو می‌شود.
- ✓ تبصره ۲ ماده ۸۱ ق.آ.د.ک صراحتاً اعلام می‌دارد که مرجع اعتراض به قرار تعلیق تعقیب دادگاه صالح می‌باشد، اما مراد از دادگاه صالح آن است که اگر دادسرا قرار را صادر کرده باشد، مرجع اعتراض دادگاه بدوی صالح حسب مورد دادگاه انقلاب، کیفری ۱ یا کیفری ۲ می‌باشد، اما در صورتی که قرار تعلیق تعقیب را دادگاه صادر کرده باشد، مرجع اعتراض دادگاه تجدیدنظر استان است. در هر ۲ صورت مهلت اعتراض ۱۰ روز است.

ارجاع به میانجی‌گری «در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ مطابق ماده ۸۲ ق.آ.د.ک»: ارجاع به میانجی‌گری طبق ماده ۸۲ ق.آ.د.ک مختص جرائم درجات ۶، ۷ و ۸ می‌باشد، به شرط آنکه این جرائم طبق ماده ۴۷ ق.م.ا، اجرای آن قابل تعلیق باشد؛ در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک ۲ موضوع مطرح شده است:

۱. اعطای مهلت برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی که مهلت آن حداکثر ۲ ماه است.
۲. ارجاع به میانجی‌گری که مهلت آن حداکثر ۳ ماه است.
- ✓ مهلت‌های فوق ۱ مرتبه به همان میزان قابل تمدید است.
- ✓ میانجی‌گری به موجب ماده ۸۲ ق.آ.د.ک زمانی صورت می‌گیرد که فی‌مابین طرفین توافق صورت گیرد، یعنی با درخواست اصحاب دعوا می‌باشد.
- ✓ برای میانجی‌گری ماده ۸۲ ق.آ.د.ک از ۳ مقام یا مرجع یاد نموده است:

۱. شورای حل اختلاف

۲. شخص

۳. مؤسسه

- ✓ در صورتی که در مدت میانجی‌گری گذشت از سوی شاکی صورت گیرد و جرم قابل گذشت باشد، **قرار موقوفی تعقیب** صادر می‌شود، اما در صورتی که جرم غیرقابل گذشت باشد و گذشت ضمیمه شود؛ مقام قضایی می‌تواند مقررات راجع به ماده ۸۱ ق.آ.د.ک یا به عبارتی **قرار تعلیق تعقیب** را لحاظ کند.
- ✓ منظور از «مقام قضایی» در صدر این ماده، مقامی است که رسیدگی به پرونده را در اختیار دارد، اعم از بازپرس (در جرائم تعزیری درجه ۶ یا دادیار و دادستان در مواردی که حق انجام تحقیقات را دارند) یا قاضی دادگاه (در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸).

تحقیقات مقدماتی

ماده ۹۰ ق.آ.د.ک: «تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.» منظور از اقدامات قانونی در ماده فوق مواردی است که قانون جهت کشف حقیقت و نیل به عدالت به بازپرس جواز به‌کارگیری آن را اعطا نموده است؛ مانند کارشناسی، معاینه محل، تحقیق

محلی و ... به عبارت بهتر تحقیقات مقدماتی عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدامات تحقیقی مرتبط با جرم که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات صالح قضایی یا توسط ضابطان دادگستری رأساً و به موجب قانون و یا به دستور مقامات قضایی مذکور، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن مرتکب جرم صورت می‌گیرد که به واسطه آن پرونده آماده صدور تصمیم نهایی اعم از ارسال به دادگاه یا مختومه ساختن (از قبیل صدور قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب، تعلیق تعقیب، ترک تعقیب؛ یا صدور حکم محکومیت یا حکم برائت) می‌گردد.

جهت قانونی برای شروع به تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس «ماده ۸۹ ق.آ.د.ک»

۱. ارجاع دادستان

۲. بازپرس ناظر وقوع جرم باشد.

✓ در اکثر شهرها ارجاع پرونده‌ها توسط دادیار ارجاع صورت می‌گیرد، اما به نام دادستان ختم می‌شود.

✓ در صورتی که بازپرس ناظر بر وقوع جرم باشد، باید موضوع را به اطلاع دادستان برساند، چون دادستان مقام تعقیب است و شاید نظر بر آن داشته باشد که تصمیم دیگری اتخاذ نماید.

✓ منظور از «جرم» در ماده ۸۹ ق.آ.د.ک اختصاص به جرم غیر قابل گذشت دارد؛ چون آغاز، استمرار، اختتام و اجرای جرم قابل گذشت، به اراده شاکی بسته دارد.

اصل: تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است. «صدر ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»

استثناء: با تحقق شرایط ذیل دادستان می‌تواند استثنائاً تحقیقات مقدماتی را خود بر عهده بگیرد یا به دادیار تحقیق واگذار نماید:

۱. موضوع اتهام از جرائم مستوجب مجازات‌های مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک که جرائم مهمی هستند، نباشد.

۲. در صورت کمبود بازپرس.

✓ در صورتی که دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند.

✓ در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا در جرائم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، **دادرس دادگاه** به تقاضای دادستان و تعیین رییس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد. «تبصره ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»

✓ منظور از دادرس در تبصره فوق، مطلق قاضی دادگاه است و منحصر به دادرس علی‌البدل نمی‌باشد.

✓ با آمدن بازپرس جدید یا بازگشت بازپرس موجود به دادسرا یا رفع معذوریت او، دادرس پرونده را برای ادامه تحقیقات، به دادسرا اعاده خواهد کرد.

✓ در صورتی که دادرس هم به دلایلی مانند مرخصی، تعلیق یا ... در آن حوزه نباشد. یا مثلاً به لحاظ وجود یکی از جهات رد دادرس نتواند تحقیق کند، به نظر می‌رسد که باید با استفاده از وحدت ملاک ماده ۴۲۲، پرونده برای انجام تحقیقات مقدماتی به نزدیک‌ترین مرجع قضایی هم‌عرض فرستاده شود.

مقامات تحقیق: مقامات تحقیق طبق ماده ۹۲ ق.آ.د.ک عبارتند از: بازپرس و دادیار، حال اگر ارجاعات مستقیم را نیز لحاظ کنیم، دادرس دادگاه نیز به این ۲ مقام اضافه می‌شود. بر اساس ماده ۹۲ ق.آ.د.ک و تبصره آن و با لحاظ ماده ۳۰۶ و ۳۴۰ ق.آ.د.ک مقامات تحقیق به اشخاص ذیل تقسیم می‌شود:

۱. بازپرس

۲. دادیار

۳. دادرس دادگاه

بازپرس: همان مُسْتَنْطِق سابق است که به «قاضی تحقیق» معروف است.

وظایف بازپرس

۱. ضرورت مطلع نمودن دادستان از وقوع جرم در صورتی که بازپرس ناظر بر وقوع آن جرم بوده است، ماده ۸۹ ق.آ.د.ک: «... چنانچه بازپرس، ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع می‌کند، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.»
۲. رسیدگی در کمال بی‌طرفی، ماده ۹۳ ق.آ.د.ک: «بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.»
۳. اتخاذ تصمیمات و اقدامات فوری به منظور جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، ماده ۹۵ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورد و در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.»
۴. اصل: جمع‌آوری ادله و انجام تحقیقات مقدماتی توسط بازپرس، صدر ماده ۹۸ ق.آ.د.ک: «بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد...»
۵. استثناء: جمع‌آوری ادله و انجام تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان پس از تعلیمات لازم و نظارت بازپرس، انتهای ماده ۸۹ ق.آ.د.ک: «بازپرس ... می‌تواند در غیر جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آن‌ها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.»
۶. لزوم اخذ ارجاع دادستان در صورت کشف جرم دیگر که با جرم اول (جرم در حال رسیدگی) مرتبط نباشد، ماده ۹۹ ق.آ.د.ک: «هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می‌آورد و هم‌زمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.»
۷. ضرورت صدور قرار ردّ درخواست مطالعه یا اخذ تصویر یا رونوشت اوراق پرونده، تبصره ۱ ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک: «در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.»
۸. اتخاذ تدابیر لازم قانونی برای جلوگیری از دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده در صورت احتمال خطر و تهدید جدی علیه وی، ماده ۱۰۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رییس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود.»
۹. عدم تحقیق در جرائم منافی عفت، ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود.»
۱۰. لزوم تکمیل تحقیقات در صورت ارجاع پرونده، ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک: «بازپرس نمی‌تواند به عذر آنکه متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند.»
۱۱. اجرای تقاضای قانونی دادستان در جریان تحقیقات، ماده ۱۰۵ ق.آ.د.ک: «بازپرس در جریان تحقیقات، تقاضای قانونی دادستان را اجراء و مراتب را در صورت مجلس قید می‌کند ...»
۱۲. اقدام لازم قانونی بازپرس نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آن‌ها در بازداشت بوده پیش از عدم حضور در شعبه، ماده ۱۰۶ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند آن، نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آن‌ها بازداشت می‌باشند، اقدام قانونی لازم را انجام دهد و در صورتی که امکان آزادی زندانی به هر علت فراهم نشود، مراتب را به‌طور کتبی به دادستان اعلام کند.»

۱۳. صدور قرار تأمین خواسته به تقاضای شاکی در صورتی که مقرون به ادله قابل قبول بوده و رفع ابهام و اجمال از آن، ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک: «شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.»

۱۴. ماده ۱۱۰ ق.آ.د.ک: «رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می‌آید.»

اختیارات بازپرس

- انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم با رعایت تشریفات قانونی، ماده ۹۶ ق.آ.د.ک: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:
الف - متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.
ب - متهمان دستگیرشده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.»
- صدور دستور انجام برخی اقدامات احتیاطی در خصوص طرفین پرونده به ضابطین دادگستری، ماده ۹۷ ق.آ.د.ک: «بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند.»

دادیار: یکی از دادیاران به دادیار تحقیق معروف است، تعامل او با دادستان باید به این وضع صورت گیرد که نظر دادستان همیشه برای او لازم‌الاتباع است؛ در ماده ۹۲ ق.آ.د.ک بیان شده است که اگر بازپرس حاضر نباشد و از طرفی هم جرم از جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک نباشد، پرونده جهت انجام تحقیقات به دادیار ارجاع می‌یابد. طبق ماده ۹۲ ق.آ.د.ک در صورتی که تحقیقات توسط دادیار تحقیق انجام شود، ۲ مورد باید به نظر دادستان برسد:

- قراره‌های نهایی «منع تعقیب، موقوفی تعقیب، جلب به دادرسی، عدم صلاحیت»
- قرار تأمین منتهی به بازداشت: کفالت یا وثیقه حاضر نکرده باشد.
- مورد فوق از سوی **دادیار** باید همان روز به نظر دادستان برسد، دادستان نیز **مکلف** است ظرف مدت ۲۴ ساعت در این موضوع اظهارنظر کند.
- موارد فوق در خصوص **بازپرس** طبق ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک به نحو دیگری است طبق این ماده بازپرس قرار نهایی را فوری به نظر دادستان می‌رساند و دادستان ظرف ۳ روز اظهارنظر می‌کند.
- اظهارنظر بازپرس و نظر دادستان این امکان را دارد که باعث اختلاف شود اما اظهارنظر دادیار و نظر دادستان نمی‌تواند منتهی به اختلاف شود، چون دادیار تابع دادستان است.
- دادیار بر اساس جنسیت (زن یا مرد بودن) در پرونده‌های ارجاعی اقدام به تحقیق می‌کند.

دادرس دادگاه: در برخی مواقع دادرسی دادگاه اقدام به تحقیق می‌نماید که عبارت‌اند از:

- پرونده‌های با ارجاع مستقیم «جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ / جرائم منافی عفت / جرائم افراد زیر ۱۵ سال تمام»
- پرونده‌های مربوط به حوزه قضایی بخش
- پرونده‌هایی که مربوط به بازپرس است، اما بازپرس در مجموعه حاضر نیست. «مثل تبصره ماده ۹۲ ق.آ.د.ک»

زمانی که دادرسی دادگاه اتخاذ تصمیم می‌کند، بی‌نیاز از اظهارنظر دادستان است.

نهادهای تحقیق: با توجه به مقامات فوق نهادهای مربوط به تحقیق عبارتند از:

دادسرا: در اکثر پرونده‌ها دادسرا اعم از عمومی و انقلاب، تخصصی‌ها و اختصاصی‌ها در امر تحقیق فعالیت می‌نمایند.

دادگاه: در برخی از جرائم اقدام به تحقیق می‌کنند. مصداق بارز این جرائم: جرائم منافی عفت، جرائم افراد زیر ۱۵ سال تمام، جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ می‌باشد.

✓ اگر پرونده‌ای با کیفرخواست از دادسرا به دادگاه ارجاع یابد، دادرس دادگاه هیچ محدودیتی در انجام تحقیق ندارد، در اینجا اگر دادرس مزاد بر تحقیقات بازپرس اقدام به تحقیق نماید، به دلیل کشف حقیقت می‌باشد.

دیوان عالی کشور: قانون، تخلف مربوط به مقامات کشوری را برای تحقیقات به دیوان عالی کشور ارجاع می‌دهد.

✓ دقت شود که در ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک قانون‌گذار تأکید دارد بر تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری، چون اگر اتهام مدنظر او باشد، ماده ۳۰۷ ق.آ.د.ک مطرح می‌شود.

حوزه تحقیق: حوزه صلاحیت محلی باید رعایت شود. طبق ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک بازپرس در ۳ عنوان اقدام به تحقیق می‌نماید که بر اساس اولویت عبارتند از:

۱. جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شود.
 ۲. جرم در حوزه قضایی دیگری واقع گردد و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شود.
 ۳. جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.
- حالت اول اصل است، اما در حالت دوم ۲ وضعیت طبق مواد ۱۱۷ و ۱۱۸ ق.آ.د.ک به وجود می‌آید که عبارتند از:
۱. طبق ماده ۱۱۷ ق.آ.د.ک اگر جرم در حوزه بازپرس کشف شود و یا آن متهم آن جرم در حوزه بازپرس دستگیر شود. در اینجا تحقیقات آغاز می‌شود، ولی هر زمان که محل وقوع جرم مشخص شود بازپرس با قرار عدم صلاحیت پرونده را ظرف ۴۸ ساعت به دادسرای محل وقوع جرم محول می‌کند.

- ✓ در مورد فوق اخذ تأمین از شخص متهم دستگیرشده هیچ منعی ندارد، حتی اگر منتهی به بازداشت شود.
۲. طبق ماده ۱۱۸ ق.آ.د.ک اگر جرم در حوزه‌ای (نامعلوم) رخ دهد، اما در حوزه قضایی دیگری کشف شود در اینجا مقام بازپرس تحقیقات خود را انجام می‌دهد و اگر نتواند محل وقوع جرم را مشخص کند، در خصوص پرونده اظهارنظر می‌نماید، یعنی تصمیم نهایی اخذ می‌کند.
- ✓ در این حالت چون محل وقوع جرم مشخص نیست، قرار عدم صلاحیت موضوعیت ندارد.

ممنوعیت تعقیب و تحقیقات مقدماتی

اصل: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست» «صدر ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک»

استثناء: در ۴ مورد تعقیب و تحقیقات مقدماتی در جرائم منافی عفت ممنوع نیست:

۱. وقوع جرائم منافی عفت در مرئی و منظر عام
 ۲. وقوع جرائم منافی عفت به عنف
 ۳. وقوع جرائم منافی عفت به صورت سازمان‌یافته
 ۴. وقوع جرائم منافی عفت در صورت وجود جود شاک
- ✓ در این موارد ضابطان و دادسرا حق تعقیب و تحقیق ندارند، تعقیب، تحقیق و دادرسی توسط مقام قضایی یعنی قاضی دادگاه انجام می‌شود.
- ✓ مرئی و منظر عام، اعم از مکانی است که معمولاً مهیای حضور عمومی است، چه در لحظه وقوع جرم کسی در آن محل حضور داشته یا حضور نداشته باشد (مانند سینما در اوقات کاری، کوچه و خیابان)، یا مکانی که مهیای پذیرش عمومی نیست، ولی در برابر چند نفر (سه نفر یا بیشتر) واقع شود، مانند ارتکاب عمل منافی عفت در منزل شخصی اما در مقابل چند نفر.
- ✓ جرائم سازمان‌یافته، در قوانین ما تعریف نشده‌اند و به نظر می‌رسد که منظور از آن‌ها جرائم ارتكابی توسط گروه‌های مجرمانه سازمان‌یافته است. گروه مجرمانه سازمان‌یافته نیز گروهی است «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.»
- ✓ شاک شخصی است که:

۱. مستقیماً از وقوع جرم لطمه دیده و قانون‌گذار با جرم‌انگاری یک رفتار مباح قصد حمایت از او را دارد و تقاضای تعقیب کیفری متهم را می‌نماید. (مانند مالک مال در جرم سرقت)

۲. قائم‌مقام قانونی فردی که از جرم لطمه دیده است محسوب می‌شود و تقاضای کیفری متهم را می‌نماید.

(مانند ورثه در جرم قتل)

✓ اگر کسی که نسبت به او عمل منافی عفت انجام یافته بالای هجده سال تمام داشته باشد و محجور نباشد، شخص دیگری غیر از خودش شاکی محسوب نمی‌شود.

✓ جرائم منافی عفت عنوان عامی است که شامل چند جرم، از جمله زنا و لواط می‌شود. این عنوان از لحاظ مفهومی به معنای جرائمی است که عفت عمومی را نقض می‌کنند، ولی تعیین مصادیق آن به راحتی ممکن نیست. علت آن نیز این است که اصطلاح عفت عمومی در قانون تعریف نشده و عنوان کلی و قابل انعطاف بر حسب زمان و مکان است. با این وجود، تبصره الحاقی ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک، مفهوم جرائم منافی عفت از نظر این قانون را تبیین کرده است که بر اساس آن جرائم منافی عفت عبارتند از: جرائم جنسی حدی، همچنین رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می‌باشد.

✓ در صورت جواز تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت نیز، از نظر نحوه رسیدگی، باید به صدر ماده ۲۴۱ ق.م.ا نیز توجه نمود که مقرر می‌دارد: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازرجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب با عنف است از شمول این حکم مستثنی است.»

اصول و ویژگی‌های تحقیق: تحقیقات مقدماتی واجد ویژگی‌هایی است که رویکرد و خاستگاه آن مکتب تفتیشی است. در قانون آیین دادرسی کیفری، برای انجام تحقیقات ویژگی‌هایی در نظر گرفته شده است که این ویژگی‌ها بر اصل تحقیقات اعمال می‌شود. تغییر مقام تحقیق به اصول و ویژگی‌های تحقیق خدشه‌ای وارد نمی‌کند.

۱. **محرمانه بودن تحقیقات** طبق ماده ۹۱ ق.آ.د.ک، تحقیقات مقدماتی به صورت محرمانه صورت می‌گیرد و هیچکس نباید از مفاد آن مطلع شود کلیه اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی حضور دارند موظف به حفظ این اسرار هستند و در صورت تخلف، به مجازات جرم افشای اسرار شغلی و حرفه‌ای محکوم می‌شوند. ماده ۹۶ ق.آ.د.ک: انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

۱ - متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره‌نگاری آنان منتشر می‌شود.

۲ - متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

۲. **بی طرفی در تحقیقات:** به موجب ماده ۹۳ ق.آ.د.ک، بازپرس باید در کمال بی طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد. خروج از بی طرفی تحقیقات را از انصاف خارج می‌کند.

در جهت حفظ بی طرفی مقنن به جهات ردّ دادرسی هم اشاره می‌کند (ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک) در ماده ۹۳ ق.آ.د.ک به بازپرس اشاره می‌کند اما با توجه ماده ۳ ق.آ.د.ک بی طرفی را در معنای موسع به مراجع قضایی نسبت می‌دهد.

۳. **استمرار و تسریع در تحقیقات «وحدت ملاک از تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک»** به دلیل حساسیت امور کیفری و حفظ ادله و تعقیب نسبت به متهم، تحقیقات باید در اسرع وقت صورت گیرد، حتی تعطیلات مانع تحقیقات نیست. این عنوان در صراحتاً در تبصره ۲ ماده ۲۸۵ ق.آ.د.ک بیان شده است.

۴. **قائم به شخص بودن تحقیقات توسط بازپرس «ماده ۹۸ ق.آ.د.ک»** به دلیل تخصصی بودن موضوع، بازپرس پس از ارجاع پرونده از سوی دادستان شخصاً اقدام به تحقیق می‌نماید، اما طبق ماده ۹۸ ق.آ.د.ک می‌تواند تحقیقات را با اِجراز شرایطی به ضابطان محول کند. در ماده ۹۸ و تبصره آن ۲ وضعیت از یکدیگر تمیز داده شده است: وضعیتی که جرم غیر از جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک باشد یا به عبارتی در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ باشد بازپرس می‌تواند انجام تحقیقات را به ضابطان ارجاع دهد، وضعیتی که جرم از جرائم

- مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک باشد در این مورد به دلیل اهمیت موضوع بازپرس شخصاً مداخله می‌کند، اما طبق تبصره ماده ۹۸ ق.آ.د.ک بازپرس می‌تواند با همکاری ضابطان دادگستری، تحقیقات لازم در مورد جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ را انجام دهد.
۵. **غیرعلنی بودن تحقیقات «تبصره ماده ۳۲۵ ق.آ.د.ک»** بازپرس در جایگاه تحقیق با متهم مواجه می‌شود و ممکن است در انتها متهم تبرئه شود، به همین دلیل علنی بودن تحقیقات تبعات منفی دارد. منظور از علنی بودن، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. علنی بودن اختصاص به جلسات رسیدگی دادگاه داشته و شامل جلسات تحقیقات مقدماتی در دادسرا نمی‌شود.
۶. **انفرادی بودن تحقیقات «ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک»** به موجب ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است. با رعایت محرمانه بودن تحقیقات بازپرس از اصحاب دعوا به صورت انفرادی تحقیق به عمل می‌آورد، به این علت که اگر تحقیق به صورت ترافیعی یا تدافعی باشد، از موجبات اطالۀ دادرسی است که اطالۀ دادرسی با تسریع در تحقیقات تعارض دارد.
- ✓ ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک در خصوص جرائم قابل گذشت استثناء قائل شده است، به نحوی که در این جرائم می‌توان تحقیقات را به صورت **ترافیعی** برگزار نمود.
- ✓ ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک در خصوص جرائم قابل گذشت، فقط جنبۀ ترافیعی بودن آن لحاظ شده است، علنی بودن به هیچ‌عنوان امکان ندارد.
- ✓ در ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک مقنن امر به ارجاع موضوع به میانجی‌گری نموده است، دقت می‌شود که این عنوان به ماده ۸۲ ق.آ.د.ک، درجات ۶، ۷ و ۸ ارجاع می‌یابد.
۷. **کتبی بودن تحقیقات «ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک»** به موجب ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک تمامی اقدامات در تحقیقات باید مکتوب شود، چه از سوی اصحاب دعوا، چه دستورهای مقام قضایی، چه از سوی ضابطان یا کارشناسان. دقت می‌شود که اصول تحقیق با تغییر مقام تغییر نمی‌کند.
۸. **جایگزین تحقیقات «ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک»** برای تحقیقات مقدماتی با احراز شرایطی می‌توان از جایگزین تحقیقات استفاده نمود، جایگزین تحقیق عبارت است از قرار توقف تحقیقات، نهادی است نوپا که از نظر برخی از اساتید یک قرار نهایی محسوب می‌شود.
- قرار توقف تحقیقات «ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک»** ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک برای صدور قرار توقف تحقیقات شرایطی دارد که در ذیل به آن اشاره می‌شود:
- ✓ قرار توقف تحقیقات مختص جرائم تعزیری درجه ۴ تا ۸ می‌باشد.
- ✓ قرار توقف تحقیقات با توجه به درجه آن در درجات ۴، ۵ و ۶ از سوی مقام تحقیق و در درجات ۷ و ۸ از سوی دادرس دادگاه صادر می‌شود.
- ✓ در صدور قرار توقف تحقیقات توسط بازپرس، موافقت دادستان الزامی است اما در صدور آن توسط دادرس دادگاه دادرس رأساً اقدام به صدور قرار می‌کند.
- ✓ صدور قرار توقف تحقیقات زمانی جایز است که ۲ سال تمام شمسی سپری شود.
- ✓ ۲ سال فوق از زمان وقوع جرم است، نه از زمان ثبت شکواییه.
- ✓ قرار توقف تحقیقات هم در جرائم قابل گذشت و هم در جرائم غیرقابل گذشت قابل صدور است، در صورت وجود شاکی جهت اعتراض به قرار، قرار به او ابلاغ می‌شود.
- ✓ مهلت اعتراض در قرار توقف تحقیقات، در صورتی که توسط دادرس دادگاه صادر شود ۲۰ روز است و در صورتی که توسط بازپرس صادر شود طبق تبصره ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک ۱۰ روز است.
- ✓ با صدور قرار توقف تحقیقات پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود.
- ✓ بایگانی موقت بدان معنا است که هرگاه شخص شاکی اقدام به ارائه مشخصات متهم نماید، تعقیب مجدداً ادامه می‌یابد.
- ✓ درست است که عبارت «هرگاه» معنای موسع دارد، به شرطی که به مرور زمان برنخورد، یعنی در صورتی که مرور زمان حاکم شود، دیگر تعقیب مجدد جایز نیست.
- ✓ صدور قرار توقف تحقیقات زمانی ممکن است که **هویت** مرتکب نامعلوم باشد، نه اقامتگاه و محل سکناى متهم.
- ✓ منظور از «مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود»، جرائم افراد زیر ۱۵ سال تمام، جرائم منافی عفت و جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ است که تحقیقات مقدماتی در مورد آن‌ها نه در دادسرا، بلکه در دادگاه انجام می‌شود.

✓ صدور قرار توقف تحقیقات فرع بر این است که اساساً جرمی واقع شده باشد، ولی مرتکب آن معلوم نباشد. پس اگر به رغم انجام تحقیقات کافی، دلیلی بر وقوع جرم وجود نداشته باشد، باید قرار منع تعقیب صادر گردد.

اقدامات تحقیقی: مقام تحقیق برای انجام تحقیقات از اقداماتی استفاده می‌کند که این اقدامات تجویز قانونی دارد، حال به شرح و بررسی هر یک از این اقدامات می‌پردازیم:

۱. **اخذ اظهارات و تحقیق از شاکی:** پس از ارجاع پرونده از سوی مقام صالح قضایی به شعبه تحقیق، مرجع تحقیق مکلف است پس از صدور دستور ثبت پرونده و مقید نمودن آن به وقت نظارت در جرائمی که شاکی خصوصی وجود دارد شاکی را احضار و از وی راجع به شکایت تحقیق نماید، در صورت عدم حضور شاکی، شاکی جلب نخواهد شد و همچنین به موجب رأی وحدت رویه ۵۲۵ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹: «تا زمانی که گذشت (شاکی) از تعقیب شکایت جزایی احراز نشود دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود.»

۲. **معاینه محل، تحقیق محلی و تشکیل پرونده شخصیت:** در برخی مواقع اهمیت کشف واقع و نوع جرم ارتكابی، مقام قضایی را موظف به معاینه محل و یا تحقیق محلی می‌نماید؛ بنابراین مقام قضایی مکلف است برای تشخیص واقعیت، شخصاً یا با دستور به ضابطان تحت امر خود به معاینه محل وقوع جرم و یا تحقیق محلی پیرامون جرم بپردازد. ماده ۱۳۳ ق.آ.د.ک مؤید همین امر است: «هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت یابد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می‌کند.»

• در ۲ حالت این اقدام تحقیقی به عمل می‌آید:

۱. در صورت تشخیص ضرورت انجام اقدامات مذکور از سوی مقام تحقیق

۲. به درخواست شاکی یا متهم

• به موجب ماده ۱۲۶ ق.آ.د.ک بازپرس در ۲ موضوع مکلف است شخصاً حاضر شود:

۱. در جرائم موضوع بند (الف) ماده (۳۰۲) قانون آیین دادرسی کیفری: «جرائم موجب مجازات سلب حیات»

۲. هنگام معاینه اجساد

پرونده شخصیت: هدف از تشکیل پرونده شخصیت شناخت بهتر مرتکب به منظور اتخاذ تدابیر کیفری یا تأمینی مناسب با آن است. ماده ۲۰۳ ق.آ.د.ک «در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مَجْنُوعِیَّه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید.»

در مورد اطفال و نوجوانان، علاوه بر این موارد، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده مذکور لازم است.

تشریفات معاینه محل و تحقیق محلی

✓ بازپرس در این موارد اقدام به تحقیق یا معاینه محلی می‌کند: ۱. برای کشف واقع یا روشن شدن موضوع ضرورت داشته باشد. ۲. متهم یا شاکی درخواست نماید.

✓ صدور دستور قضایی، به عبارت دیگر معاینه محل و تحقیق محلی به صورت قرار صادر نمی‌شود.

✓ لزوم انجام معاینه محل و تحقیق محلی در روز مگر در صورت **ضرورت** نه فوریت «م ۱۲۴ ق.آ.د.ک»

✓ انجام معاینه محل و تحقیق محلی توسط مرجع تحقیق یا ضابطان، به دستور آن مرجع «م ۱۲۵ ق.آ.د.ک»

✓ اصحاب دعوای کیفری در صورتی که حضورشان در هنگام معاینه محل از جانب بازپرس ضروری تشخیص داده شود، مکلف‌اند که حاضر شوند.

✓ اصحاب دعوای کیفری «متهم، شاکی و دادستان نه شهود و مطلعین» مجازند در هنگام تحقیق یا معاینه محلی حضور یابند لکن بازپرس تکلیفی به اعلام جریان تحقیق یا معاینه محلی به آنان ندارد و عدم حضور آنان نیز مانع انجام دادن تحقیق یا معاینه محلی یا سبب به تعویق افتادن آن نیست.

اقدامات قانونی معاینه محل و تحقیق محلی

✓ اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند حق حضور در معاینه محل و تحقیق محلی دارند. «م ۱۲۵ ق.آ.د.ک»

✓ جمع‌آوری تمام آثار و نشانه‌های مؤثر در کشف جرم «م ۱۲۹ ق.آ.د.ک»

✓ دعوت از کارشناس رسمی یا خبره «م ۱۲۸ ق.آ.د.ک»

تفتیش، بازرسی و کنترل ارتباطات: در برخی موارد قانون با نقض مصونیت افراد جامعه به منظور کشف جرم، دستگیری بزهکاران و حفظ ادله وقوع جرم، تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء و کنترل ارتباطات را مجاز برشمرده است.

تشریفات بازرسی منازل، اماکن و اشیاء

✓ لزوم صدور دستور قانونی مرجع تحقیق در جرائم غیرمشهود «م ۱۳۷ ق.آ.د.ک»

✓ وجود ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله جرم در محل وقوع تفتیش و بازرسی

✓ تأیید رییس کل دادگستری استان و حضور مقام قضایی صالح در تفتیش و بازرسی منزل و محل کار اشخاص موضوع مواد (۳۰۷) و (۳۰۸)

و متهمان جرائم موضوع بند (ث) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک «م ۱۳۸ ق.آ.د.ک»

✓ عدم تراحم با حقوق سایر اشخاص «م ۱۳۹ ق.آ.د.ک»

✓ تفتیش در روز به عمل می‌آید «م ۱۴۰ ق.آ.د.ک»

✓ لزوم صدور دستور موردی برای تفتیش و بازرسی و تعیین موضوع، زمان، دفعات ورود و نشانی آن «صدرم ۱۴۱ ق.آ.د.ک»

✓ تنظیم صورت‌مجلس تفتیش و بازرسی «انتهای ماده ۱۴۱ ق.آ.د.ک»

✓ حضور متصرف یا ارشد حاضران در تفتیش و بازرسی «صدرم ۱۴۲ ق.آ.د.ک»

✓ هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل، با حضور دو نفر از اهل محل به عمل

می‌آید و مراتب فوریت در صورت‌مجلس قید می‌شود. «تبصره ماده ۱۴۲ ق.آ.د.ک»

✓ حضور اشخاصی که در امر کیفری دخیل هستند در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف است. «صدر ماده ۱۴۳ ق.آ.د.ک»

✓ عدم ورود خسارت و رعایت موازین شرعی و قانونی با حفظ نظم محل و مراعات حرمت ساکنان، مجاوران و متصرفان «م ۱۴۵ ق.آ.د.ک»

ارتباط مخابراتی و مراسلات پستی: کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است. «م ۱۵۰ ق.آ.د.ک»

✓ مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون

لازم تشخیص داده شود. «ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک»

✓ شرایط و کیفیات کنترل ارتباطات مخابراتی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود. «تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.آ.د.ک»

✓ لزوم موافقت رییس کل دادگستری استان

✓ کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع ماده ۳۰۷ این قانون منوط به تأیید رییس قوه قضاییه است.

کنترل حساب‌های بانکی اشخاص: ماده ۱۵۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس می‌تواند در موارد ضروری، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع

جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را با تأیید رییس حوزه قضائی کنترل کند.»

تفتیش و بازرسی مراسلات پستی

✓ مراسلات پستی باید مربوط به متهم باشد.

✓ ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد.

✓ بررسی مراسلات در حضور متهم یا وکیل او صورت می‌گیرد.

✓ بازپرس مراتب را در صورت‌مجلس قید می‌کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده می‌نماید یا در محل مناسب نگهداری می‌کند.

✓ در موارد ضروری بازرسی مکاتبات و مراسلات محکومان به تشخیص دادگاه به وسیله مأموران مورد اعتماد زندان اعمال می‌گردد.

جلب نظر کارشناس

✓ ارجاع به کارشناس با تقاضای یکی از طرفین یا تشخیص بازپرس امکان‌پذیر است. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»

✓ ارجاع به کارشناس باید ضرورت داشته باشد. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»

✓ بازپرس باید قرار ارجاع امر به کارشناسی صادر کند. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»

✓ بازپرس باید موضوع کارشناسی را تعیین نماید. «م ۱۵۵ ق.آ.د.ک»

✓ تعیین کارشناس به قید قرعه از بین کارشناسان رسمی دادگستری «م ۱۵۶ ق.آ.د.ک»

- ✓ فرد بودن کارشناسان منتخب در صورت تعدد کارشناسان «م ۱۵۶ ق.آ.د.ک»
 - ✓ تعیین دستمزد کارشناس پیش از ارجاع امر و در حین صدور قرار کارشناسی صورت می‌گیرد. «م ۱۵۷ ق.آ.د.ک»
 - ✓ تعیین مهلت برای اعلام نظر کارشناس و تمديد آن برای یک‌بار با وصول تقاضای کتبی کارشناس «م ۱۵۹ ق.آ.د.ک»
 - ✓ اخطار به کارشناس جهت تقدیم نظر کارشناسی پس از پرداخت دستمزد «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
 - ✓ پرداخت دستمزد کارشناس توسط شاکی
 - ✓ ابلاغ وصول نظریه کارشناس به طرفین «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
 - ✓ فرصت یک هفته‌ای از تاریخ ابلاغ وصول نظریه کارشناسی به طرفین جهت ملاحظه نظریه کارشناس و اعلام نظر خویش «م ۱۶۱ ق.آ.د.ک»
 - ✓ صدور قرار تکمیل نظریه کارشناسی «تبصره ماده ۱۶۳ ق.آ.د.ک»
- نظریه پزشکی قانونی:** ماده ۱۳۶ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای معاینه جراحات، آثار و علائم ضرب، صدمات جسمی، آسیب‌های روانی و سایر معاینات و آزمایش‌های پزشکی، نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می‌کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک متخصص معتمد دعوت می‌شود.»

احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

وظایف و تکالیف بازپرس راجع به احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

- ✓ احضار شهود و مطلعان مطابق مقررات «مواد ۲۰۴ و ۲۰۵ ق.آ.د.ک»
- ✓ جلب شاهد یا مطلع در صورت عدم حضور و عدم اعلام عذر موجه «تبصره ۱ م ۲۰۴ ق.آ.د.ک»
- ✓ غیرعلنی بودن تحقیق از شهود و مطلعان «م ۲۰۶ ق.آ.د.ک»
- ✓ تحقیق از شهود و مطلعان به صورت جداگانه و بدون حضور متهم «م ۲۰۷ ق.آ.د.ک»
- ✓ بازپرس پیش از شروع به تحقیق، حرمت و مجازات شهادت دروغ و کتمان شهادت را به شاهد تفهیم می‌کند. «م ۲۰۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ ثبت مشخصات، سؤالات و اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس و قید امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع «مواد ۲۰۹ و ۲۱۲ ق.آ.د.ک»
- ✓ ممنوعیت تفهیم اتهام به کسی که به عنوان متهم احضار نشده است. «م ۲۱۳ ق.آ.د.ک»
- ✓ حضور بازپرس در محل شاهد یا مطلع در صورت علنی از قبیل بیماری یا کهولت سن «م ۲۱۶ ق.آ.د.ک»

احضار و تحقیق از متهم: با تحصیل دلیل در خصوص انتساب جرم به متهم، مقام تحقیق موظف است متهم را احضار و تحقیقات مقدماتی را با حضور او ادامه دهد.

شرایط احضار متهم: شرط لازم برای احضار متهم وجود جهات شروع به تعقیب مندرج در ماده ۶۴ ق.آ.د.ک است؛ به عبارت دیگر بدون وجود شکایت شاکی یا اعلام جرم نمی‌توان شخصی را احضار کرد.

- ✓ شرط کافی برای احضار متهم در ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک بیان شده است: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار و یا جلب کند.»
- ✓ شرط لازم برای احضار متهم: وجود جهات شروع به تعقیب «ماده ۶۴ ق.آ.د.ک»
- ✓ شرط کافی برای احضار متهم: وجود دلیل کافی برای توجه اتهام «ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک»

روش‌های احضار متهم

- احضاریه:** صدر ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک: «احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید. ...»
- ✓ احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می‌گردد و نسخه دیگر پس از امضاء به مأمور ابلاغ مسترد می‌شود. «م ۱۶۹ ق.آ.د.ک»
- ✓ در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شونده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید می‌شود و به امضاء مقام قضایی می‌رسد. «م ۱۷۰ ق.آ.د.ک»
- ✓ فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد. «م ۱۷۱ ق.آ.د.ک»
- ✓ ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی و با ارائه کارت شناسایی انجام می‌شود. «م ۱۷۲ ق.آ.د.ک»

نشر آگهی: ماده ۱۷۴ ق.آ.د.ک: «هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار ملی یا محلی و با ذکر عنوان اتهام و مهلت یک‌ماه از تاریخ نشر آگهی، احضار می‌شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضای مهلت مقرر به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند.»

سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی: ماده ۱۷۵ ق.آ.د.ک: «استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نامبر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است.»

جلب متهم: در صورتی که متهم پس از احضار و عدم حضور و گذشت زمان و مهلت قانونی، با وجود شرایطی می‌توان دستور جلب وی را صادر نمود.

شرایط ماهوی جلب متهم

۱. برای صدور دستور جلب متهم احضاریه ارسال شده باشد. «مفهوم ماده ۱۶۹ ق.آ.د.ک»

۲. عدم حضور متهم بدون عذر موجه باشد. «ماده ۱۷۹ ق.آ.د.ک»

موارد جلب متهم بدون صدور ارسال احضاریه: ماده ۱۸۰ ق.آ.د.ک:

«در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون آن که ابتدا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند:

الف - در مورد جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است.

ب - هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد.

پ - در مورد جرائم تعزیری درجه پنج و بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود، بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود.

ت - در مورد اشخاصی که به جرائم سازمان‌یافته و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم باشند.»

شرایط شکلی جلب متهم

✓ جلب متهم باید به موجب برگ جلب باشد. «صدرم ۱۸۱ ق.آ.د.ک»

✓ برگ جلب باید حاوی مشخصات متهم و علت جلب باشد و توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود. «م ۱۸۱ ق.آ.د.ک»

✓ مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می‌کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. «م ۱۸۲ ق.آ.د.ک»

✓ جلب متهم به استثنای موارد ضروری باید در روز به عمل آید و در همان روز به وسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود.

تبصره - تشخیص موارد ضرورت با توجه به اهمیت جرم، وضعیت متهم، کیفیت ارتکاب جرم و احتمال فرار متهم با نظر بازپرس است. بازپرس

موارد ضرورت را در پرونده درج می‌کند. «م ۱۸۳ ق.آ.د.ک»

انواع جلب

✓ **جلب ساده از طریق اقامتگاه متهم:** ماده ۱۸۲ ق.آ.د.ک: «مأمور جلب پس از ابلاغ برگه جلب، متهم را دعوت می‌کند که با او نزد

بازپرس حاضر شود. چنانچه متهم امتناع کند، مأمور او را جلب و تحت‌الحفظ نزد بازپرس حاضر می‌نماید و در صورت نیاز می‌تواند از سایر

مأموران کمک بخواهد.»

✓ **جلب سیار:** ماده ۱۸۴ ق.آ.د.ک: «در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگه جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار

ضابطان دادگستری قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند.

تبصره ۲ - در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند برگه جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی

مربوط، متهم را جلب کنند و تحویل دهند.»

✓ **جلب با اذن ورود به محل اختفاء متهم:** در مواردی که متهم در اقامتگاه خود مخفی شده است و یا بازپرس تشخیص می‌دهد با توجه

به نوع جرم یا سوابق متهم امکان مخفی شدن و استتکاف حضور از جانب وی متصور باشد، در چنین وضعیتی به استناد تبصره ۳ ماده ۱۸۴

ق.آ.د.ک: «ضابطان باید حکم ورود به آن محل را از مقام قضایی اخذ کنند.»

تحقیق از متهم: با احضار یا جلب متهم و به تبع حضور او نزد مقام قضایی صالح، تحقیق از متهم شروع می‌شود.

حقوق متهم

۱. شروع به تحقیقات بلافاصله پس از احضار یا جلب متهم: صدر ماده ۱۸۹ ق.آ.د.ک: «بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند»
 ۲. حق داشتن وکیل: ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود...»
 - تعیین وکیل تسخیری در دادسرا:
 - تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک: «هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف‌نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.»
 - تبصره ۲ ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک: «در جرائمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند.»
 ۳. حق اعلام اقامتگاه قانونی: ماده ۱۹۴ ق.آ.د.ک: «بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌نماید، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی به محل اقامت اعلام‌شده قبلی فرستاده می‌شود...»
 ۴. حق سکوت: ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک: «متهم می‌تواند سکوت اختیار کند. در این صورت مراتب امتناع وی از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود.»
 ۵. حق داشتن مترجم: ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک: «بازپرس برای ... متهم، شاهد ... که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند.»
 ۶. حق نوشتن پاسخ سوالات مقام تحقیق: ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک: «... متهم باسواد خودش پاسخ را می‌نویسد، مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند.»
 ۷. حق اظهار آخرین دفاع: ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای براءت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا براءت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.»
- تفهیم اتهام:** تفهیم اتهام به معنای فهماندن و شناساندن موضوع اتهام و دلایل آن به مُشتکی‌عنه یا مظنون است تا با درک دقیق موضوع و دلایل اتهام، توانایی دفاع آگاهانه برای متهم ایجاد گردد. با تفهیم اتهام، مُشتکی‌عنه یا مظنون به متهم تبدیل می‌شوند. ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک در مقام تفهیم اتهام بیان می‌دارد که: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند. پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است.»
- اقدامات پیش از تفهیم اتهام**
- ✓ استعلام هویت متهم «ماده ۱۹۳ ق.آ.د.ک»
 - ✓ ابلاغ و تفهیم حق داشتن وکیل «ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک»
 - ✓ تفهیم نمودن حق اعلام محل اقامت قانونی از سوی مُشتکی‌عنه یا مظنون به جهت ابلاغ احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی «ماده ۱۹۴ ق.آ.د.ک»
 - ✓ بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد. «صدر ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک»
- قرارهای تأمین و نظارت قضایی:** قرارهای تأمین و نظارت قضایی از مهم‌ترین مبحث در مباحث تحقیقات مقدماتی است. قرارهای تأمین مصادیق ده‌گانه مندرج در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک و قرارهای نظارت قضایی مصادیق پنج‌گانه مندرج در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک می‌باشد.

قرار تأمین: طبق ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین مندرج در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک را صادر می‌کند.

قرار نظارت قضایی: طبق ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک، بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را برای مدت معین صادر کند.

✓ قرارهای تأمین باید بعد از تفهیم اتهام و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم و ارتكاب آن توسط متهم، صادر شوند. در چنین شرایطی، صدور قرار تأمین برای تضمین دسترسی به متهم یک تکلیف و عدم صدور آن تخلف است. در عین حال، اگر در همان بازجویی اول معلوم شود که جرمی واقع نشده یا متهم آن را مرتکب نشده است یا به دلایل دیگری قابل تعقیب نیست، نباید قرار تأمین در مورد او صادر شود. در این صورت نامبرده تا جمع‌آوری دلایل و قرائن کافی بلاقید آزاد خواهد شد.

✓ صدور قرار تأمین قبل از تفهیم اتهام جایز نیست.
✓ صدور قرار تأمین اختیاری است،
✓ قرار تأمین باید متناسب باشد.
✓ قرار تأمین دارای ۱۰ مصداق می‌باشد که با رعایت تناسب فقط ۱ مورد را می‌توان صادر نمود، به عبارت دیگر ۲ مصداق در یک قرار تأمین را نمی‌توان اخذ نمود.

✓ صدور قرار تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی درجه ۴ به بالا است.
✓ قرار نظارت قضایی قابل جمع است.

✓ قرارهای تأمین با قرار نظارت قضایی قابل جمع است.
✓ بازداشت موقت الزامی نداریم، مگر در ماده ۶۱۸ ق.آ.د.ک

✓ صدور این قرارها از اختیارات مقام قضایی یعنی حسب مورد بازپرس، دادستان، دادیار، قاضی دادگاه و قاضی اجرای احکام است و ضابطان دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان محول کنند.

✓ در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام، مقام قضایی نمی‌تواند از صدور **قرار تأمین** امتناع ورزد.
✓ مقام صادرکننده قرار اختیار تجدیدنظر، خفیف‌تر یا شدیدتر کردن آن را دارد.

✓ تخفیف یا تشدید قرار تأمین توسط بازپرس نیاز به موافقت دادستان ندارد.
✓ تشدید تأمین، از سوی متهم قابل اعتراض است. مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه صالح است؛ مگر در آن محل دادگاه انقلاب یا کیفری

یک تشکیل نشده باشد که در این صورت دادگاه کیفری دو به آن رسیدگی خواهد کرد.
قرارهای تأمین و نظارت قضایی ۳ حالت را به وجود می‌آورند:

۱. قرار تأمین با قرار تأمین دیگر قابل جمع نیست، به عبارت دیگر؛ در قرار تأمین باید یک مصداق از مصادیق مندرج ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک صادر شود.

۲. قرار نظارت قضایی با قرار نظارت قضایی قابل جمع است، به عبارت دیگر؛ در قرار نظارت قضایی می‌توان چند مصداق از مصادیق مندرج در ماده ۲۴۷ ق.آ.د.ک صادر نمود.

۳. قرار تأمین با قرار نظارت قضایی قابل جمع می‌باشند.
تشریح ماده ۲۱۸ ق.آ.د.ک:

۱. اتهام واحد است. «کلاهدراری»: ۱ تأمین اخذ می‌شود.
۲. اتهام متعدد است: ۲ حالت دارد:

• تعدد اتهام در صلاحیت ذاتی یک دادگاه مطرح می‌شود: دادگاه یک قرار تأمین صادر می‌کند.
• تعدد اتهام در صلاحیت ذاتی چند دادگاه مطرح می‌شود: هر دادگاه قرار تأمین مستقل و متناسب صادر می‌کند.

الف - قرار التزام به حضور با قول شرف: اولین و خفیف‌ترین قرار تأمین که در جرائم بسیار خفیف و با اطمینان مقام قضایی از شخصیت مرتکب از آن استفاده می‌کند. متهم به مقام قضایی تعهد و قول می‌دهد که هر زمان حضور او برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند.

✓ «وضعیت و شخصیت متهم» در صدور این قرار ملاک و معیار است.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌شود.

✓ این قرار غیرقابل اعتراض است.

ب - قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام: در این قرار شخص رأساً متعهد می‌شود که هر زمان حضور او برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند و در صورت عدم حضور مبلغ تعیین شده در قرار را بپردازد.

✓ به هیچ عنوان مال یا پولی در همان لحظه صدور قرار تأمین اخذ نمی‌شود. در واقع هنگام انعقاد این توافق هیچ تضمینی برای اجرای

آن از متهم اخذ نمی‌گردد و تنها پس از نقض عهد و عدم حضورش در موقع احضار، دادستان برای اخذ مبلغ وجه التزام به نفع صندوق

دولت اقدام می‌کند.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ در صورت عدم حضور متهم در موردی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است،

در صورت ابلاغ **واقعی** اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

پ - قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف: این قرار که به نوعی تعهد کتبی از متهم است، متعهد را ملزم به عدم خروج

از حوزه قضایی می‌نماید، مگر با تجویز قاضی صالح که در این صورت می‌تواند از آن حوزه قضایی خارج شود و در این میان شرف و حیثیت خود را

ضامن حضورش قرار می‌دهد.

✓ «وضعیت و شخصیت متهم» در صدور این قرار ملاک و معیار است.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ در صورت تخلف از مفاد قرار بازپرس می‌تواند، قرار را تشدید کند.

✓ این قرار غیرقابل اعتراض است.

ت - قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام: در این قرار، شخص رأساً متعهد می‌شود که هر زمان حضور او

برای بازجویی و طی مراحل تحقیقاتی و یا رسیدگی در دادگاه و اجرای حکم لازم باشد، حضور به هم رساند و به علاوه به هیچ وجه از حوزه قضایی

تعیین شده خارج نشود مگر با تجویز قاضی صالح که در این صورت می‌تواند از آن حوزه قضایی خارج شود.

✓ در صورت عدم حضور متهم در موردی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است،

در صورت ابلاغ **واقعی** اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ می‌شود.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

ث - قرار التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام: شخص

متهم باید به صورت نوبتی و در مواعد مقرر از سوی مقام تحقیق که می‌تواند هفتگی یا ماهانه باشد به مرجع قضایی یا انتظامی مراجعه نماید. در

صورت تخلف از این قرار، وجه التزام مقرر در قرار به نفع دولت ضبط خواهد شد.

✓ مقام تحقیق مکلف است مرجع قضایی یا انتظامی را برای معرفی متهم تعیین کند.

✓ مقام تحقیق مکلف است مواعدی را که متهم ملتزم به معرفی است را تعیین کند.

✓ در صورت نقض قرار از سوی متهم اعم از اینکه در مواعد مقرر به مرجع مربوطه مراجعه نکند یا اینکه در موارد لزوم در مرجع قضایی

حضور نیابد، وجه التزام به نفع دولت ضبط می‌گردد.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

ج. قرار التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط: این قرار ناظر به شهروندانی است که در دولت استخدام شده‌اند، به موجب این قرار در صورتی که هر یک از مستخدمین کشوری یا نیروهای مسلح متهم به ارتکاب جرمی شوند، قرار التزام به حضور وی با تعیین وجه التزام پس از تعهد پرداخت از محل حقوق آن‌ها از سوی سازمان مربوط صادر می‌گردد.

✓ در صورتی که شخص مرتکب جرمی شده باشد که با منافع سازمان در تضاد باشد، دیگر این حمایت از شخص متهم منقضی می‌شود، مثلاً کارمند یک ارگان دولتی از سازمان متبوع خویش اختلاس نماید دیگر این تأمین مفید نیست.

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، با وحدت ملاک از تبصره ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

چ. قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات: به موجب این قرار در مواردی که اتهام انتسابی متهم می‌تواند وی را به موجب قرار بازداشت موقت روانه بازداشتگاه کند، می‌توان از قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده استفاده نمود و برای حصول اطمینان از رعایت این تضمین از طریق نظارت با کمک تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات وی را کنترل نمود؛ و در صورت عدم رعایت این قرار وجه التزام به نفع دولت ضبط می‌گردد.

نظارت الکترونیکی به صورت‌های گوناگونی حاصل می‌شود، مانند استفاده از GPS، مچ‌بند، پابند، وسیله علامت‌دهنده پیاپی، وسیله تماس برنامه‌ریزی شده، فن آوری تأیید صدا و مواردی این قبیل بهره گرفت.

ماده ۶۲ ق.م.ا: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد.»

✓ در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، با وحدت ملاک از تبصره ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک قرار کفالت صادر می‌شود.

✓ اعتراض به این قرار طبق ماده ۲۳۵ ق.آ.د.ک به عمل می‌آید.

ح. قرار اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله: کفیل تعهد می‌کند متهم را در هر مرحله که مقام قضایی حضور وی را لازم بداند، در آن مرحله اعم از تحقیقات، دادرسی یا اجرای حکم حاضر نماید؛ در صورت عدم حضور متهم، وجه الكفاله معرفی شده به نفع دولت ضبط می‌گردد، به عبارتی دیگر به موجب قرار کفالت، آزادی متهم مقید می‌گردد به معرفی کفیل با مقدار وجه الكفاله‌ای که از سوی مقام قضایی صالح تعیین می‌شود.

✓ کفالت یک عقد قائم به شخص است و در صورتی که کفیل متهم را تحویل ندهد، وجه الكفاله به نفع دولت ضبط می‌شود.

✓ کفیل یک ضامن است، الزاماً شخص ثالث کفیل می‌شود.

✓ معرفی اشخاصی که فاقد شغل هستند و درآمد آنان معلوم نیست یا ولگرد هستند به عنوان وکیل ممنوع است.

✓ شخص کفیل باید دارای اهلیت و ملائت باشد.

✓ اگر تمکن مالی کفیل مورد تردید قرار گیرد، بازپرس مراتب را به **دادستان** اعلام می‌کند و هر تصمیمی که دادستان اتخاذ کند، برای بازپرس **الزامی** است.

✓ در جرائم **غیر عمدی** و با شرط تضمین حقوق بزه‌دیده به طرق دیگر، صدور قرار کفالت جایز **نیست**.

✓ معرفی و تحویل متهم در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی توسط کفیل، شروع به اجرای حکم، مختومه شدن پرونده به هر کیفیت و فوت کفیل از موارد فک قرار کفالت می‌باشد.

✓ این قرار علی‌الاصول قابل اعتراض **نیست** مگر در مورد قرار کفالتی که منجر به بازداشت متهم می‌گردد. به موجب ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک، متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت **ده روز** از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به **اصل قرار** منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.

✓ خواستن متهم از کفیل فقط برای ۱- تحقیقات ۲- دادرسی ۳- اجرای حکم ضرورت دارد.

✓ کفالت اشخاص حقوقی نیز پذیرفته می‌شود. البته این موضوع شامل اشخاص حقوقی عمومی نگردیده و فقط ناظر بر اشخاص حقوقی خصوصی است.

- ✓ استمرار ملائت برای اعتبار کفالت شرط نیست؛ بنابراین اگر متهم در وقت مقرر نزد مقام قضایی حاضر نشد و کفیل هم او را حاضر نکرد، در مقابل دستور دادستان مبنی بر اخذ وجه‌الکفاله، کفیل می‌تواند به عذر اینکه بعداً معسر شده، نسبت به آن دستور اعتراض نماید.
 - ✓ پذیرش ملائت کفیل نیاز به موافق دادستان ندارد. ولی چنانچه بازپرس ملائت کفیل را نپذیرد باید این امر به موافقت دادستان هم برسد. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است.
 - خ - قرار اخذ وثیقه «اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول»: وثیقه مالی است که به دستور مقام قضایی صالح برای اطمینان از دسترسی متهم و حضور وی جهت بازجویی، محاکمه و اجرای حکم موقتاً از وی یا ثالث اخذ می‌شود که در صورت تخلف متهم از تکالیف قانونی خود، وثیقه به نفع دولت ضبط می‌شود و در غیر این صورت به موقع مسترد می‌شود، در قرار وثیقه در زمان صدور قرار قبولی وثیقه، مال در تصرف مرجع تحقیق قرار می‌گیرد.
 - ✓ در جرائم غیرعمدی و با شرط تضمین حقوق بزه‌دیده به طرق دیگر، صدور قرار وثیقه جایز نیست.
 - ✓ معرفی و تحویل متهم در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی توسط وثیقه‌گذار، شروع به اجرای حکم، مختومه شدن پرونده به هر کیفیت و فوت وثیقه‌گذار از موارد فک قرار وثیقه می‌باشد.
 - ✓ این قرار علی‌الاصول قابل اعتراض نیست مگر در مورد قرار وثیقه‌ای منجر به بازداشت متهم می‌گردد. به موجب ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک، متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می‌شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه به بازداشتگاه معرفی می‌گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.
 - ✓ مبلغ وجه التزام وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه دیده کمتر باشد.
 - ✓ در جرمی مانند کلاهبرداری که هم رد مال و هم جزای نقدی وجود دارد، مبلغ وثیقه ۲ برابر می‌شود، یک جزء آن خسارت و یک جزء آن جزای نقدی را تأمین می‌کند.
 - ✓ در قرار وثیقه، اگر مال منقول باشد، توقیف فیزیکی می‌شود اما اگر مال غیرمنقول باشد توقیف فیزیکی معنایی ندارد، مانند توقیف خانه که وثیقه‌گذار در آن خانه سکونت دارد، اما سند خانه در دایره ثبت بازداشت می‌شود.
 - ✓ بازپرس یک مقام قضایی مستقل است، اگر بازپرس نسبت به متهم نظر به قرار کفالت داشته باشد اما متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است.
 - ✓ خواستن متهم از وثیقه‌گذار فقط برای ۱ - تحقیقات ۲ - دادرسی ۳ - اجرای حکم ضرورت دارد.
 - ✓ وثیقه‌گذار ممکن است شخص متهم یا شخص ثالث باشد.
- تشریح ماده ۲۳۰ ق.آ.د.ک:
- در خصوص اجرای دستور دادستان نسبت به اخذ وثیقه وجه‌الکفاله یا وجه‌الضمان تشریفاتى به شرح ذیل بیان شده است:
۱. اگر خود متهم ملزم شده باشد یا وثیقه گذاشته باشد: در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود، در صورت عدم حضور به دستور دادستان عملیات اجرایی صورت می‌گیرد.
 ۲. اگر وثیقه‌گذار یا کفیل ملزم شده باشد یا وثیقه گذاشته باشد: به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد، در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان عملیات اجرایی صورت می‌گیرد.
- ✓ دادستان در قالب دستور نسبت به ضبط اقدام می‌کند.
 - ✓ موارد فوق در صورتی اجرا می‌شود که ابلاغ به اشخاص واقعی باشد.
 - ✓ پس از عملیات اجرا معادل مبلغ تأمین برداشت می‌شود و الباقی به متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار مسترد می‌شود.
 - ✓ دستور دادستان در واحد اجرای احکام کیفری اما با تشریفات اجرای احکام مدنی صورت می‌گیرد.
- د - قرار بازداشت موقت «توقیف احتیاطی»: بازداشت موقت مهم‌ترین و شدیدترین قرار تأمین کیفری است، توقیف متهم و اعزام وی به زندان در اثنا تحقیقات مقدماتی از سوی مقام تحقیق با در نظر گرفتن یکی از شرایط ماده ۲۲۸ ق.آ.د.ک می‌باشد.
- اصل: صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست. «صدر ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک»
- استثناء: مگر در مورد جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف - جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها **ثلث دیه** کامل یا بیش از آن است.

ب - جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آن‌ها درجه پنج و بالاتر است.

ت - ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای **یک فقره** سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرائم مذکور باشد.

✓ اگر مصادیق مجازات جرائم بند فوق و درجه آن منطبق با بند «ب» باشد: (درجه ۱، ۲، ۳ و ۴) در این موارد بازداشت موقت نیازی به سابقه ندارد.

مانند جرم سرقت تعزیری ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات ۲۰ سال حبس برای آن پیش‌بینی نموده است، درجه آن ۲ است پس برای بازداشت موقت نیاز به سابقه کیفری ندارد.

✓ اگر مصادیق مجازات جرائم بند فوق و درجه آن منطبق با بند «ب» نباشد: (درجه ۵، ۶، ۷ و ۸) در این موارد بازداشت موقت نیازی به سابقه دارد.

مانند جرم خیانت در امانت مواد ۶۷۳ و ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات حداکثر ۳ سال حبس برای آن پیش‌بینی نموده است، درجه آن ۵ است پس برای بازداشت موقت نیاز به سابقه کیفری دارد.

✓ در بند «ث» فوق نیاز به سابقه کیفری با هر یک از مصادیق بیان‌شده قابل جمع است، برای مثال می‌توان خیانت در امانت را با سابقه جعل مطرح نمود.

شرایط صدور قرار بازداشت موقت: «مواد ۲۳۸ و ۲۳۹ ق.آ.د.ک»

✓ قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه باشد و مستند قانونی و ادله آن در متن قرار ذکر شود.

✓ حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود.

✓ آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.

✓ بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

✓ آزاد بودن متهم مخل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

شرایط اجرای قرار بازداشت موقت:

۱. ارسال فوری قرار جهت اظهارنظر دادستان «ماده ۲۴۰ ق.آ.د.ک»

۲. ارسال پرونده به دادگاه کیفری صالح در صورت اعتراض متهم به قرار بازداشت موقت «مواد ۲۳۹ و ۲۴۱ ق.آ.د.ک»

فک و اعتراض به قرار بازداشت موقت:

✓ اعتراض ضمن صدور قرار: به موجب مواد ۲۳۹ و بند «ب» ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک متهم با صدور قرار بازداشت موقت، حق اعتراض به این قرار را ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قرار خواهد داشت.

✓ ماده ۲۴۱ ق.آ.د.ک: اگر علت بازداشت مرتفع شود، به ۲ شکل می‌توان بازداشت موقت را فک نمود:

۱. اگر بازپرس علت را مرتفع بداند، نظر خود را به دادستان اعلام می‌کند و دادستان اظهارنظر خود را به ۲ شکل بیان می‌کند:

✓ با فک قرار بازداشت موافقم.

✓ با فک قرار بازداشت مخالفم. (حل اختلاف با دادگاه صالح است) رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

۲. اگر متهم موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از **بازپرس** تقاضا کند. بازپرس به‌طور فوری و حداکثر

ظرف **پنج روز** به‌طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهارنظر می‌کند.

✓ لایحه پذیرفته می‌شود و مراتب مجدداً به نظر دادستان می‌رسد که یا مخالف است یا موافق.

- ✓ لایحه رد می‌شود و چون به ضرر متهم است به او ابلاغ می‌شود و از تاریخ ابلاغ ظرف ۱۰ روز می‌تواند نسبت به آن اعتراض نماید.
- ✓ فک یا تخفیف قرارهای تأمین منتهی به بازداشت نیازی به موافقت دادستان ندارد.
- ✓ تخفیف تأمین در دادسرا و تخفیف و تشدید تأمین در دادگاه غیرقابل اعتراض است.
- ✓ تشدید تأمین در دادسرا قابل اعتراض از سوی متهم است. (بند ب ماده ۲۷۰)
- ✓ ابقای قرار تأمین منتهی به بازداشت، ابقای قرار بازداشت موقت همچنین فک یا تخفیف قرار بازداشت موقت باید به موافقت دادستان برسد.

✓ متهم این حق را دارد که در هر ماه نسبت به برطرف شدن موجب بازداشت درخواست خود را مطرح کند.

مدت بازداشت موقت: «ماده ۲۴۲ ق.آ.د.ک»: مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت در جرائم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرائم از یک سال تجاوز نمی‌کند.

اقسام قرار بازداشت موقت:

✓ بازداشت موقت بر اساس مرجع: دادسرا، دادگاه

✓ بازداشت موقت بر اساس مقام قضایی: بازپرس، دادرس

✓ بازداشت موقت بر اساس موضوع: بازداشت موقت، نگهداری موقت

✓ بازداشت موقت بر اساس ماهیت: الزامی، اختیاری

✓ بازداشت موقت بر اساس میزان: ۱ ماه، ۲ ماه

نیابت قضایی: به استناد ماده ۱۱۶ ق.آ.د.ک بازپرس صرفاً در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه می‌کند. همچنین طبق ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک اگر انجام برخی از اقدامات تحقیق در خارج از حوزه قضایی باشد، بازپرس حق ورود به آن حوزه ندارد و باید از نیابت قضایی استفاده کند. ماده ۱۱۹ ق.آ.د.ک: «هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگری خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با صدور قرار نیابت قضایی مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آن‌ها را از بازپرس محل، تقاضا می‌کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطائی، موضوع نیابت را انجام می‌دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضاء به همراه سایر مدارک به‌دست‌آمده نزد مرجع نیابت‌دهنده می‌فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، اوراق را برای اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت‌دهنده اعلام می‌دارد.»

نیابت قضایی به ۲ روش صورت می‌گیرد:

۱. نیابت عام یا کلی

۲. نیابت خاص یا جزئی

✓ ماهیت نیابت قضایی، یک قرار است؛ اما تعامل ۲ مرجع قضایی است. مرجع نیابت‌دهنده معطی نیابت است و مرجع نیابت‌گیرنده مجری نیابت محسوب می‌شود.

✓ مرجع مجری نیابت در انجام نیابت محدود است بدان معنا که مرجع مجری در صدور قرارهای نهایی کاملاً ممنوع می‌باشد. چون باید این قرارها توسط بازپرس صورت گیرد که جرم در حوزه او رخ داده است.

✓ اگر انجام امور نیابت در حوزه‌ای غیر از حوزه مجری نیابت باشد، به نوعی می‌توان نیابت در نیابت را صورت داد، به شرط آنکه مقام مجری پس از اعطای نیابت به مرجع دیگری، موضوع را به مرجع معطی نیابت اطلاع دهد.

✓ قرار نیابت قابل اعتراض نیست، چه از دادسرا صادر شده باشد چه از دادگاه.

✓ ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک در خصوص صدور قرار تأمین در نیابت قضایی می‌باشد.

ماده ۱۲۰ ق.آ.د.ک به طرق ذیل تعریف می‌شود:

• مرجع معطی رأساً قرار تأمین را صادر می‌کند.

• مرجع معطی اختیار صدور قرار تأمین را به مرجع مجری تفویض می‌کند.

• مرجع معطی قرار تأمین صادر نمی‌کند، در این مورد مرجع مجری می‌تواند رأساً قرار تأمین صادر نماید.

- مرجع معطی قرار تأمین صادر می‌کند، اما نامتناسب باشد، در این مورد مرجع مجری قرار تأمین را متناسب می‌سازد.
- ✓ اگر در اجرای نیابت شخص متهم به دلیل تأمینی چون وثیقه و عجز از تودیع وثیقه به بازداشتگاه منتقل شود، ۲ مطلب لازم به ذکر است:

۱. دادستان در این مورد اظهار نظر بنماید. (دادستان محل اجرای نیابت)
 ۲. شخص بازداشتی به این بازداشت اعتراض نماید. (دادگاه صالح محل اجرای نیابت)
 - ✓ هر ۲ مورد اعم از نظر دادستان و اعتراض، در **مرجع مجری نیابت** صورت می‌گیرد.
 - ✓ مواعد اعتراض همچنان طبق اصول کلی لحاظ می‌شود، یعنی ۱۰ روز و مرجع رسیدگی به اعتراض هم دادگاه صالح است.
 - ✓ در بعضی از مواقع بازپرس باید شخصاً در تحقیقات حاضر شود، به عبارتی مباشرت او لازم است، اما مداخله او خارج از حوزه قضایی او می‌باشد؛ در این مورد بازپرس **مکلف** است که با دادستان تعامل کند:
۱. اعلام موضوع به دادستان محل متبوع خویش
 ۲. هماهنگی با دادستان محل مأموریت خویش
- ✓ نیابت در دادسرا، دادگاه، حوزه بخش و حتی تجدیدنظر بلامانع است.

اقدامات مرجع معطی نیابت

۱. صدور قرار نیابت قضایی
۲. ارسال اصل یا تصویر اوراق مورد نیاز پرونده
۳. تصریح موارد انجام نیابت

اقدامات مرجع مجری نیابت

۱. اقدام در حدود مفاد نیابت اعطایی
۲. ارسال اوراق جدیدالتحصیل به مرجع معطی نیابت
۳. ارسال نیابت اعطایی به حوزه قضایی صالح
۴. اخذ اظهار نظر دادستان در قرار تأمین صادره منتهی به بازداشت متهم

اقدامات تحقیقی ذیل در روز انجام می‌شود: تبصره ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک: «روز از طلوع آفتاب تا غروب آن است.»

۱. تحقیق محلی «ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک»
۲. معاینه محل «ماده ۱۲۴ ق.آ.د.ک»
۳. تفتیش «ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک»
۴. جلب «ماده ۱۸۳ ق.آ.د.ک»

انواع قرار نظارت قضایی: به منظور تکمیل تأثیر قرارهای تأمین و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط متهم صادر می‌شوند. قرارهای نظارت قضایی می‌توانند به همراه قرار تأمین صادر گردند. (در جرائم تعزیری **درجه هفت و هشتم** در صورت ارائه تضمین لازم برای جبران خسارات وارده، مقام قضایی می‌تواند **فقط** به صدور قرار نظارت قضایی اکتفا کند.)

۱. **معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهای تعیین شده توسط بازپرس:** در این قرار محل مراجعه و معرفی متهم محدود به مرجع «قضایی یا انتظامی» نیست، همچنین نوبت‌های مراجعه در قانون تعیین نشده و وجه التزام نیز برای قرار تعیین نمی‌گردد.
۲. **منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری:** در مورد این قرار مراتب به منظور اخذ گواهینامه رانندگی از متهم و ضبط موقت آن به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی حوزه قضایی صادرکننده قرار ابلاغ می‌شود.
۳. **منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی:** به موجب این قرار در صورتی که متهم دارای جواز کار یا پروانه اشتغال باشد، جواز کار یا پروانه مزبور باید از طریق مرجع مربوط موقتاً از وی اخذ و مراتب به مقام صادرکننده قرار گزارش شود.
۴. **ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز:** به موجب این قرار سلاح و پروانه مربوط اخذ و به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل داده می‌شود.

۵. ممنوعیت خروج از کشور: این قرار با دستور منع خروج از کشور متفاوت است. در قانون جدید آ.د.ک دو نوع دستور منع خروج از کشور پیش‌بینی شده است:

۱. به موجب ماده ۱۸۸ قبل از دسترسی به متهم

۲. در قالب قرار نظارت قضایی بعد از دسترسی به متهم

به موجب بند ث ماده ۲۴۷ قرار ممنوعیت خروج از کشور که پس از دسترسی به متهم صادر شده است در موارد زیر منقضی می‌شود:

۱. حضور متهم در بازپرسی

۲. صدور قرار موقوفی تعقیب

۳. صدور قرار ترک تعقیب

۴. صدور قرار منع تعقیب

در صورت منقضی شدن مدت ممنوع‌الخروجی، دستور خود به خود منقضی می‌شود و مراجع مزبور نمی‌توانند مانع خروج شخص شوند.

خاتمه تحقیقات

آخرین دفاع: ایجاد فرصت برای متهم یا وکیل او است تا آخرین اظهارات و دفاعیات خود را برای برائت یا کشف حقیقت در رابطه با جرم انتسابی به خویش یا موکل خویش پس از پایان تحقیقات ابراز نماید.

ماده ۲۶۲ ق.آ.د.ک درباره آخرین دفاع بیان می‌دارد: «بازپرس پس از پایان تحقیقات و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند یا مدرکی ابراز نماید که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.»

ماده ۲۶۳ ق.آ.د.ک: «در صورتی که متهم یا وکیل وی برای اخذ آخرین دفاع احضار شود و هیچ‌یک از آنان بدون اعلام عذر موجه، حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.»

✓ اصل بر برائت است و به همین دلیل کسی که مورد حمایت این اصل قرار دارد و علیه او ادعایی مطرح شده باید آخرین کسی باشد که مطلبی در خصوص اتهام می‌گوید. پس آخرین مطلبی که در پرونده در خصوص اتهام شنیده می‌شود، باید دفاع متهم باشد.

✓ از شرط «وجود دلایل کافی بر وقوع جرم» در صدر ماده چنین برمی‌آید که بازپرس در صورتی مکلف به اخذ آخرین دفاع از متهم قبل از اظهارنظر نهایی است که دلایل وقوع جرم (توسط متهم) را کافی بداند؛ به عبارت دیگر، اگر بر اساس دلایل و مدارک موجود در پرونده، بازپرس متهم را بی‌گناه دانسته، قصد صدور قرار منع تعقیب در مورد او داشته باشد، نیازی به احضار و اخذ آخرین دفاع از او نیست.

✓ دریافت احضاریه توسط متهم یا وکیل وی جهت آخرین دفاع می‌تواند قرینه‌ای بر این باشد که نظر بازپرس بر صدور قرار جلب به دادرسی است. در این حال، دفاع متهم یا وکیل او نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر نظر بازپرس و متقاعد ساختن وی به صدور قرار منع تعقیب دارد.

✓ آخرین دفاع حق متهم است که قابل اسقاط می‌باشد.

✓ در صورتی که متهم یا وکیل او با وجود ابلاغ احضاریه، برای ارائه آخرین دفاع حاضر نشوند، بازپرس نمی‌تواند حاضر نمودن متهم را از کفیل یا وثیقه‌گذار بخواهد یا دستور جلب متهم را بدهد.

✓ از ۲ ماده فوق برمی‌آید که بازپرس می‌تواند آخرین دفاع متهم را از وکیل وی اخذ نماید و متهم همانگونه که می‌تواند اصلاً برای ارائه آخرین دفاع حاضر نشود، می‌تواند این امر را به عهده وکیل خود بسپارد. معنای این مطلب آن است که اگر بازپرس تحقیقات را کافی دانسته و برای جمع‌بندی و مهیا شدن برای صدور قرار جلب به دادرسی، متهم را برای اخذ آخرین دفاع احضار کند، نمی‌تواند مقرر کند که متهم شخصاً جهت ارائه آخرین دفاع در شعبه بازپرس حضور یابد.

✓ آخرین دفاع مقدمه جلب به دادرسی است.

قرارهای نهایی: پس از خاتمه تحقیقات و انجام اقدامات قانونی مقام تحقیق نظر خود را در غالب یک قرار نهایی اعلام می‌کند.

اوصاف قرارهای نهایی

✓ قرار نهایی با پایان یافتن تحقیقات مقدماتی و اعلام ختم تحقیقات از سوی مقام تحقیق، صادر می‌شود. ماده ۲۶۴ ق.آ.د.ک: «پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، بازپرس مکلف است به صورت مستدل و مستند، عقیده خود را حداکثر ظرف پنج روز در قالب قرار مناسب، اعلام کند.»

✓ قرار نهایی پس از صدور غیرقابل عدول هستند.

ماده ۲۸۲ ق.آ.د.ک: «دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند دلایل جدید له یا علیه متهم را که کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند.»

✓ با صدور قرار نهایی، موضوع مطروح اعتبار امر مختوم پیدا می‌کند و شکایت مجدد در خصوص همان موضوع و با اصحاب واحد و سبب واحد مشمول اعتبار امر مختوم کیفری خواهد شد.

✓ قرارهای نهایی قابل جمع نیستند.

شرایط صدور قرارهای نهایی

✓ قرار نهایی پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات باید صادر شود.

✓ قرار نهایی باید به صورت **مستند و مستدل** باشد، یعنی مقام تحقیق موظف است در متن قرار مذکور استدلال و استناد قانونی خود را بیان نماید.

✓ قرار نهایی باید **حداکثر ظرف پنج روز** از تاریخ اعلام ختم تحقیقات صادر شود.

✓ قرار نهایی پس از صدور باید از جانب مقام تحقیق **فوری نزد دادستان** ارسال شود. دادستان باید ظرف **سه روز** از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند.

✓ در کلان‌شهرها دادیار اظهار نظر می‌کند.

✓ در صورتی که دادستان با قرار جلب به دادرسی موافق باشد، ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.

✓ قرارهای نهایی اعم از اینکه توسط بازپرس صادر شوند یا دادیار، به دلیل اهمیت آن‌ها و تأثیری که در سرنوشت پرونده دارند باید **به تأیید دادستان** نیز برسند.

✓ استثنای: **قرار بایگانی پرونده** که در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت توسط **دادگاه** صادر شده باشد نیاز به موافقت مرجع دیگری **ندارد**.

• قرارهای نهایی از بُعد قابلیت اعتراض یا عدم قابلیت اعتراض فارغ از ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک به شرح ذیل تقسیم می‌شود:

✓ قرار منع تعقیب: قابل اعتراض است: ابلاغ می‌شود.

✓ قرار موقوفی تعقیب: قابل اعتراض است: ابلاغ می‌شود.

✓ قرار جلب به دادرسی: قابل اعتراض نیست: ابلاغ نمی‌شود.

✓ قرار عدم صلاحیت: قابل اعتراض نیست: ابلاغ نمی‌شود.

— قرارهای قابل اعتراض فقط توسط شاکی می‌توانند مورد اعتراض قرار گیرند، جز **قرار بایگانی پرونده** که هم توسط شاکی و هم توسط دادستان قابل اعتراض هستند.

— مهلت اعتراض به قرارهای مذکور **ده روز** و برای اشخاص مقیم خارج از کشور **یک ماه** از تاریخ ابلاغ است.

— رأی که دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض صادر می‌کند اصولاً قطعی و غیرقابل اعتراض است جز در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک که فقط در صورت تأیید این قرارها (نه نقض آن‌ها) مطابق مقررات قابل تجدیدنظر است.

انواع قرارهای نهایی

۱. **قرار موقوفی تعقیب:** مقام تحقیق بدون ورود به ماهیت پرونده و بررسی ادله شاکی در صورت وجود موارد مصرح قانونی قرار موقوفی

تعقیب صادر می‌نماید. مهم‌ترین مصادیق برای صدور قرار موقوفی تعقیب موارد مذکور در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک می‌باشد. ماده ۱۳

ق.آ.د.ک: «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف - فوت متهم یا محکوم علیه

ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ - شمول عفو

ت - نسخ مجازات قانونی

ث - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون

ج - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون

چ - اعتبار امر مختوم»

✓ با صدور قرار موقوفی تعقیب، مقام تحقیق مکلف است قرار مذکور را به طرفین ابلاغ کند از قرار تأمین رفع اثر نماید و در صورتی که متهم در بازداشت باشد، بلافاصله باید او را آزاد کند.

۲. **قرار منع تعقیب:** مقام تحقیق باید طبق ماده ۳۶۵ ق.آ.د.ک که بیان می‌دارد: «... در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر... (می‌کند)»
قرار منع تعقیب در ۲ حالت صادر می‌شود:

۱. در صورتی که رفتار ارتكابی مُشْتَكی عَنه جرم نباشد. مانند اینکه (الف) به (ب) مبلغی پول قرض می‌دهد و (ب) در پرداخت قرض (الف) تأخیر می‌کند و (الف) علیه (ب) شکایت خیانت در امانت مطرح می‌نماید که در چنین حالتی به توجه به اینکه رفتار (ب) جرم نبوده و صرفاً نقض تعهد محسوب می‌گردد، قرار منع تعقیب صادر می‌گردد.

۲. در صورتی که ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد؛ مانند شکایت (الف) علیه (ب) مبنی بر توهین در حالی که (الف) هیچ دلیلی در رابطه با توهین نمودن (ب) به خود ارائه نمی‌کند.

✓ با صدور قرار منع تعقیب، مقام تحقیق مکلف است قرار مذکور را به طرفین ابلاغ کند و از قرار تأمین رفع اثر نماید و در صورتی که متهم در بازداشت باشد، بلافاصله باید او را آزاد کند.

۳. **قرار جلب به دادرسی:** در صورتی که مقام تحقیق عقیده به جرم بودن رفتار ارتكابی داشته و ادله کافی نیز برای انتساب جرم به متهم وجود داشته باشد، قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند، پرونده پس از موافقت دادستان با قرار جلب دادرسی مقام تحقیق و صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال خواهد شد.

بازپرس باید پس از صدور قرار جلب به دادرسی، پرونده را فوری نزد دادستان ارسال کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول، پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند،

حالات مختلف نظر دادستان راجع به قرار جلب به دادرسی صادره از جانب بازپرس:

۱. **دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند:** ماده ۲۶۶ ق.آ.د.ک: «چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.»

۲. **دادستان قرار جلب به دادرسی صادر از جانب بازپرس را کامل و مبتنی بر رعایت تمامی تشریفات قانونی بداند:** ماده ۲۶۸ ق.آ.د.ک: «در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.»

۳. **مخالفت دادستان با قرار جلب به دادرسی صادره از جانب بازپرس:** ماده ۲۶۹ ق.آ.د.ک: «در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده برای حل اختلاف، به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود.»

✓ منظور از دادگاه صالح مطابق ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک، دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را داشته باشد. با این حال اگر مخالفت دادستان یا قرار جلب دادرسی بازپرس به واسطه صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن باشد، حل اختلاف با دادگاه کیفری ۲ که دادرسی در معیت آن است می‌باشد.

نقض قرار یا اعلام نقض تحقیقات از سوی دادگاه: با صدور قرار جلب به دادرسی و تنظیم کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، چنانچه دادگاه تحقیقات صورت گرفته را ناقص بداند:

۱. تکمیل تحقیقات را از مرجع صادرکننده قرار بخواهد.

۲. خود اقدام به تکمیل تحقیقات نماید.

✓ در صورتی که دادگاه تکمیل تحقیقات را از مرجع تحقیق بخواهد، مکلف است موارد نقص تحقیق را به تفصیل و بدون هرگونه ابهام بیان کند و مرجع تحقیق نیز با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. ماده ۲۷۵ ق.آ.د.ک در این باره بیان می‌دارد که: «هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده شود، دادسرای مربوط با انجام تحقیقات موردنظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند و اگر در تحقیقات موردنظر دادگاه ابهامی بیابد، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می‌کند.»

اعتراض به قرارهای صادره از جانب بازپرس: در ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک در خصوص تصمیمات قابل اعتراض بازپرس اعلام نظر شده است، این تصمیمات به ۲ شکل ذیل تقسیم‌بندی می‌شود:

۱. تصمیمات قابل اعتراض از ناحیه شاکی: قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب و قرار اناطه

۲. تصمیمات قابل اعتراض از ناحیه متهم: قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین

✓ در ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک مقنن از قید «علاوه بر» استفاده نموده است، این بدان خاطر است که تصمیماتی که از ناحیه بازپرس قابل اعتراض است و در این ماده ذکر نشده است، مانند: قرار توقف تحقیق، قرار عدم دسترسی به پرونده، قرار نظارت قضایی.

✓ مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ۱۰ روز و برای افراد مقیم خارج از کشور ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ است **اعتراض شاکی به قرار نسبت به قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب:** پرونده کیفری ممکن است به واسطه اعتراض شاکی نسبت به قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب، به دادگاه ارسال شود. در چنین حالتی، چنانچه دادگاه صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب را مبتنی بر قانون و صحیح بداند، قرار صادره را تأیید می‌نماید که در این صورت قرارهای مذکور **قطعی** می‌گردند. چنانچه دادگاه اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، قرارهای فوق را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌نماید. باید دقت کرد که دادگاه پس از بررسی اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب با ۳ وضعیت مواجه می‌شود:

۱. اعتراض شاکی موجه نباشد، قرار صادره تأیید می‌شود.

۲. اعتراض شاکی موجه بوده و با توجه به تحقیقات مقدماتی صورت پذیرفته، جرم رخ داده باشد که در چنین حالتی دادگاه قرار جلب به دادرسی صادر و پرونده جهت احضار متهم و تفهیم اتهام و اخذ آخرین دفاع به مرجع تحقیق اعاده می‌گردد.

مرجع تحقیق صرفاً ملزم به رعایت اقدامات فوق است و نباید قرار جلب به دادرسی صادر نماید، زیرا این قرار از سوی دادگاه صادر گردیده است و پس از انجام اقدامات فوق پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند.

ماده ۲۷۴ ق.آ.د.ک: «دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می‌کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادسرا کامل نباشد، بدون نقض قرار می‌تواند تکمیل تحقیقات را از دادسرا بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقص تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود. در صورت نقض قرار اناطه توسط دادگاه، بازپرس تحقیقات خود را ادامه می‌دهد.» ماده ۲۷۶ ق.آ.د.ک: «در صورت نقض قرار منع تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه، بازپرس مکلف است متهم را احضار و موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال نماید.»

۳. دادگاه بدون نقض قرار صادره، صرفاً تکمیل تحقیقات را از مرجع تحقیق می‌خواهد. در این حالت دادگاه مکلف است موارد نقص تحقیق را به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم خود قید نماید و مرجع تحقیق نیز ملزم به رفع نواقص مطروحه، بدون صدور قرار و ارسال پرونده به دادگاه است.

قرار منع تعقیب و اعتبار امر مختوم: قرار منع تعقیب یک قرار نهایی است که اعتبار امر مختوم دارد، اما ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک قرار منع تعقیب را با قاعده اعتبار امر مختوم به ۲ شکل ذیل جمع نموده است:

۱. قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن عمل: اعتبار امر مختوم به صورت مطلق یا تام است.

۲. قرار منع تعقیب به لحاظ فقدان ادله: در این مورد نمی‌توان بار دیگر متهم را به همان اتهام تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید؛

باید این دلیل جدید به مقام قضایی ارائه شود و با تجویز او قرار منع تعقیب نقض گردد:

۱. اگر قرار منع تعقیب در دادسرا قطعی شود: پس از کشف دلیل جدید با نظر دادستان برای یک بار قابل تعقیب است.

۲. اگر قرار منع تعقیب در دادگاه قطعی شود: پس از کشف دلیل جدید به درخواست دادستان می‌توان او را برای یک‌بار با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام، تعقیب کرد.

- ✓ نکته: تجویز ماده ۲۷۸ ق.آ.د.ک هرگز به معنای نقض قرار منع تعقیب به صورت فوری و الزامی نیست.
- ✓ در هر ۲ صورت فوق‌الذکر ۱ مرتبه این امکان وجود دارد، اگر تجویز صورت بگیرد، اما پس از بررسی ادله مقام قضایی به اغناء نرسد، همان قرار منع تعقیب پابرجا می‌ماند، به عبارت دیگر قرار جدید صادر نمی‌شود.
- ✓ درخواست نقض قرار منع تعقیب و ارائه دلیل جدید یک‌مرتبه مجاز می‌باشد و وابسته به مهلت نیست، مگر مرور زمان حادث شود.

قرار بایگانی پرونده

- ✓ این قرار در راستای اعمال اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب و به عنوان یکی از جایگزین‌های تعقیب صادر می‌شود.
- ✓ این قرار نه توسط بازپرس و نه توسط دادستان بلکه توسط قاضی دادگاه صادر می‌شود.
- ✓ از قید چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد معلوم می‌شود که صدور این قرار فقط در جرائم غیر قابل گذشت امکان‌پذیر است.
- ✓ قرار بایگانی پرونده در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری صادر می‌شود.
- ✓ مقام قضایی پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری کند.
- ✓ این قرار ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض است و مرجع اعتراض دادگاه تجدیدنظر می‌باشد.

قرار توقف تحقیقات: اگر هویت مرتکب جرم معلوم نشود «نه اینکه متهم دستگیر شود» در جرائم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و

هشت پس از گذشت دو سال بازپرس می‌تواند با موافقت دادستان در برخی جرائم تعزیری قرار توقف تحقیقات صادر نماید.

- ✓ این قرار ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است.
- ✓ کیفرخواست: کیفرخواست یا ادعانامه عبارت است از تقاضای مقام دادستان در جهت اعمال مجازات نسبت به متهم.
- ✓ دادرس دادگاه صالح هرگز تابع کیفرخواست نیست، هرچند کیفرخواست در اکثریت مواقع موجب محکومیت می‌شود.
- ✓ کیفرخواست پل ارتباطی دادرسی به دادگاه است.
- ✓ کیفرخواست نه حکم است نه قرار، بلکه یک تصمیم قضایی است.
- ✓ کیفرخواست خاتمه امر تعقیب و تحقیق است و به نوعی آغاز دادرسی در دادگاه است.
- ✓ کیفرخواست قابل اصلاح، استرداد و انصراف نیست، مگر در شرایط خاص قانونی مثل: سهو قلم یا کشف ادله جدید به نفع یا ضرر متهم یا گذشت در جرم قابل گذشت.
- ✓ کیفرخواست به ۲ صورت صادر می‌شود:
- ✓ کیفرخواست به صورت کتبی: طبقم ۲۷۹ ق.آ.د.ک در اکثر مواقع صادر می‌شود.
- ✓ کیفرخواست به صورت شفاهی: طبقم ۸۶ ق.آ.د.ک و با رعایت شرایط مندرج در این ماده صادر می‌شود.

صدور کیفرخواست کتبی: در صدور کیفرخواست کتبی شرایط ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک باید لحاظ شود.

ماده ۲۷۹ ق.آ.د.ک: «در کیفرخواست موارد زیر قید می‌شود:

- الف - مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، شماره ملی، شماره شناسنامه، تابعیت، مذهب، محل اقامت و وضعیت تأهل او
- ب - آزاد، تحت قرار تأمین یا نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت
- پ - نوع اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم اعم از بخش، دهستان، روستا، شهر، ناحیه، منطقه، خیابان و کوچه
- ت - ادله انتساب اتهام
- ث - مستند قانونی اتهام

ج - سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم

چ - خلاصه پرونده شخصیت یا وضعیت روانی متهم»

صدور کیفرخواست شفاهی

- ✓ کیفرخواست شفاهی در پرونده‌های جرائم مندرج در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک امکان‌پذیر نیست.
 - ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی که متهم و شاکی حاضر باشند امکان‌پذیر است.
 - ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی که متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد امکان‌پذیر است.
 - ✓ گذشت فوق به نحوی نیست که قرار موقوفی حاصل کند، به عبارتی گذشت در جرائم غیرقابل گذشت می‌باشد.
 - ✓ کیفرخواست به نام دادستان است، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس مطابق این ماده عمل کند.
 - ✓ کیفرخواست شفاهی زمانی ممکن است که تحقیقات مقدماتی کامل باشد. مراد از تحقیقات اقداماتی چون احضار طرفین، احضار شهود، کارشناسی، تحقیق محل و معاینه محلی.
 - ✓ به موجب ماده ۸۶ ق.آ.د.ک، أخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است.
 - ✓ کیفرخواست شفاهی مطابق با اظهارات شفاهی نیست، بلکه یک صورت‌جلسه مختصر و مفید از دادستان می‌باشد.
 - ✓ در کیفرخواست شفاهی ۳ بُعد زمانی که نشان از فوریت دارد وجود دارد که عبارتند از:
 ۱. طرح موضوع از دادسرا به دادگاه: بلافاصله
 ۲. تشکیل جلسه دادگاه برای محاکمه: بدون تأخیر
 ۳. عدم استفاده متهم از حق داشتن وکیل و رسیدگی در دادگاه: همان جلسه
 - ✓ تأکید می‌شود که عبارات بالا دلالت بر سرعت عمل و فوریت دارد.
 - ✓ در ماده ۸۶ ق.آ.د.ک، به ۲ بعد زمانی معین اشاره شده است که این ۲ بعد عبارتند از:
 ۱. مدت زمان متهم برای انتخاب وکیل: حداقل ۳ روز
 ۲. مدت زمان شاکی برای تنظیم دادخواست مطالبه ضرر و زیان: حداکثر ۵ روز
 - ✓ داشتن وکیل برای متهم حق است و دادرس دادگاه باید این حق را به متهم تفهیم کند، در غیر این صورت ضمانت‌اجرای تخلف این تکلیف تبصره ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک می‌باشد: «سلب حق همراه داشتن وکیل و عدم تفهیم این حق به متهم به ترتیب موجب مجازات انتظامی درجه هشت و سه است.»
 - ✓ به دلیل عدم امکان رسیدگی به امر کیفری و حقوقی ماده ۸۶ ق.آ.د.ک این اختیار را به دادرس دادگاه اعطاء کرده است که به صورت جداگانه به این موضوعات رسیدگی کند و رأی مقتضی صادر کند.
- گذشت شاکی پس از صدور کیفرخواست:** در صورتی که پس از صدور کیفرخواست شاکی گذشت کند:
۱. جرم قابل گذشت باشد: قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
 ۲. جرم غیرقابل گذشت باشد: با شرایطی قرار تعلیق تعقیب صادر می‌شود.

جزوه آیین دادرسی کیفری ۱ دکتر امید ملاکریمی؛ جهت دریافت جزوات آزمون‌های حقوقی به ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیام بدهید یا درخواستان را از طریق پیام‌رسان‌ها ارسال کنید!

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

از حضرت امیر (ع) نقل است: «نوکِ قلم‌های خود را تیز تراشید و خطوط را نزدیک به هم بنویسید، عبارت‌های اضافی را حذف و اصل سخن را مورد توجه قرار دهید؛ پیرهیزید از زیاده‌روی و مصرف بیش از حد که اموال مسلمانان، تحملِ ضرر و زیان را ندارد؛ انتخابِ قلم، چینش و آماده‌سازی این جزوه با هدف استفاده و صرفه‌جویی حداکثری از کاغذ انجام شده؛ امید داریم چنانچه احتمالاً از سهولت استفاده از مجموعه کاسته شده، خوانندگان عزیز من را بیخشدند و همچنین شایان ذکر است که: اگر در حین مطالعه با موارد سهو قلم و یا خطاهای انسانی دیگر که ما از آن غافل مانده‌ایم، مواجه شدید؛ از طریق ایمیل mollakarimi.omid@gmail.com یا شماره ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ با ما در میان بگذارید تا اصلاح نماییم. لازم به ذکر است در نگارش برخی از قسمت‌های این جزوه از کتاب دکتر خالقی استفاده شده است.

اینستاگرام نویسنده [omid_mollakarimi](https://www.instagram.com/omid_mollakarimi)

آخرین به‌روزرسانی جزوه: ۱۴۰۳

امید ملاکریمی هستیم؛ یه حواسِ پَرتِ متولدِ دهه ۶۰ توو تهران! ارزشِ اصلی من در زندگی، کمک به دیگران و تأثیرگذاری بر زندگی آنهاست. به یادگیری و اشتراک‌گذاری آموخته‌هایم با دیگران علاقه‌ی زیادی دارم. البته همه تلاشم را می‌کنم تا روش‌هایی را که به افزایش کیفیت یادگیری کمک می‌کنند یاد بگیرم و بعد از افزودن تجربیات خودم، آنها را به دیگران هم انتقال بدهم. در حوزه آموزش و نویسندگی در رشته حقوق با روش «ساده‌نویسی» و «به کار بردن نمودار» متفاوتم! من به این جمله ایمان دارم: «اگر موفقیت بیشتری می‌خواهی باید به دیگران کمک کنی تا به موفقیت بیشتری دست یابند.»



داستان نویسنده: بعد از اینکه لیسانس رو گرفتم مثل خیلی از دانش‌آموخته‌های حقوق وارد دوره کارشناسی ارشد شدم؛ البته باید بگم که یه کار ثابت هم داشتم که ماهانه یه حقوق ثابت از اوون می‌گرفتم. رفته رفته به این نتیجه رسیدم که اگه بخوام اینجوری ادامه بدم دست آخر بعد از دریافت مدرک کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری در بهترین حالت می‌خوام یه کارمند سطح بالا توو یه اداره بشم که نهایتاً یه حقوق خوب دریافت کنم. شاید برای خیلی‌ها رسیدن به یه حقوق کارمندی خوب نقطه اوج آرزوهاشون محسوب بشه اما من رسیدن به یه حقوق ثابت خوب رو مطلوب نمی‌دیدم. همیشه دوست داشتم مثل قهرمانای این فیلما به آدمایی که توو موقعیت‌های بد قرار گرفتن کمک کنم و با کلی غرور و کمال رضایت از مفید بودن خودم یه نفس عمیق بکشم و بگم «تونستم!». از این فیلما که بگذریم ذات زندگی آدمیزاد اینه که باید بجنگه و از «یه جا نشستن» یا همون «صبح به صبح کارت زدن توو یه محیط اداری» فراری باشه. خلاصه اواخر اسفند ماه بود که تصمیم گرفتم عطای حقوق ثابت را به لقایش ببخشم و از اول فروردین شروع کنم به خوندن! البته این اشتیاق سوزان باید اول اول توو خود آدم ایجاد بشه و حتی اگه دوستان و اطرافیان با تمسخر بهت بگن: «تو که کار ثابت داری، می‌خوای بشینی و بخونی که چی!»، یا بگن: «صد و ده هزار تا شرکت می‌کنن و نهایتاً سه هزار تا ور می‌دارن و تو بدون سهمیه عمراً شانس نداری!» اطمینان نداشتم که به موفقیت برسم اما با خودم عهد کردم که اول فروردین «بسمه‌الله» بگم و با همه توانم پیش برم؛ البته قبلش از خانواده‌ام خواستم که توو این مسیر کمک کنن و این هشت ماه یه کم توقع و انتظارشون رو از من کم کنن. من ریسک شیرین بلندپروازانه‌ای رو آغاز کرده بودم؛ خلاصش کنم برات: «با وجود تمام ترسی که از شکست داشتم، از تصمیم‌ام راضی بودم!». جمله یه بنده‌ی خدا اوومد توو ذهنم که می‌گفت اگر آرزوت اینه که یه ماشین بخری، اول برو یه جاسوییچی برای ماشینی که توو روپاته تهیه کن و یقین داشته باش که به ماشینه می‌رسی! منم بدون معطلی، رفتم یک سنجاق سینه کوچولو که رووش آرم کانون رو داره و وکیل‌های کانون همیشه روی گت یا مانتوشون می‌زنن تهیه کردم. تا شروع کردم کمک‌های خدا رو دیدم که یکی یکی برام می‌اومد. مثلاً با مسؤل یه کتابخونه صحبت کردم و با وجود اینکه ساعت کار اوونجا تا ۶ بعد از ظهر بود بهم گفت: می‌تونی با نگرهبان مجموعه هماهنگ کنی و تا ۱۱ شب هم از کتابخونه استفاده کنی! خلاصه اینکه ایمان داشتم اگر امروز زحمت بکشم فردا از نتیجه و میوه شیرین اوون زحمات بهره‌مند می‌شم؛ به فرموده قرآن: «فان مع العسر، یسر». خوشحالم از اینکه که امروز که این متن رو نوشتم در وضعیتی هستیم که در تمامی آزمون‌های حقوقی (وکالت، قضاوت، ارشد، دکتری) قبول شدم و به عضویت «هیأت علمی» رسیدم و می‌خوام متنم رو با یه جمله تموم کنم: «تووی سکوت تلاش کن و اجازه بده صدای موفقیت همه جا بیچه!»

چشم‌انتظار خواندن داستان موفقیت‌تان هستیم. به امید موفقیت تو؛ امید ملاکریمی (پایان گفتار ما: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است.)

Telegram Channel: @OmidMollakarimi E-mail: mollakarimi.omid@gmail.com

Instagram: @vekalatyar web: mollakarimi.ir

جهت دریافت جزوات آزمون‌های حقوقی به ۰۹۳۵۲۲۱۳۱۷۵ پیام بدهید یا

درخواستان را از طریق پیام‌رسان‌ها ارسال کنید!